

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال بیست و چهارم
آذر ۱۴۰۲ شماره ۲۸۵

جنگ ترکیبی در فضای مجازی و نقش اپوزیسیون مزدور

ضربه غیرمترقبه

عملیات حماسه آفرین و تاریخساز سازمان های انقلابی فلسطینی - جنبش مقاومت اسلامی (حماس)، جهاد اسلامی، سازمان آزادیبخش خلق فلسطین و در مجموع ۱۶ سازمان فلسطینی - در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در هجوم افتخارآمیز به اشغالگران و تجاوزکاران مسلح و آدمکش صهیونیسم و شکست مفتضحانه این «دیو قدرقدرت» دنیا را تکان داد و ثابت کرد اگر خلقی اراده کند و بر نیروی خود متکی شود تا به اهداف انقلابی خویش دست یابد، می تواند کوه ها را جا به جا نماید. این اقدام تاریخی خط بطلانی به همه تئوری های ارتجاعی و صهیونیستی - امپریالیستی: «تروریست» بودن حماس، «جنگ دو قطب ارتجاعی» که گویا به ما و به بشریت مربوط نیست و لذا از هر طرف کشته شود به نفع «بشریت» است و یا جمهوری اسلامی از حماس دفاع می کند پس قتل عام مسلمانان توسط صهیونیسم و امپریالیسم یک پاکسازی اندیشه و ضروری است، کشید.

ضد انقلاب و ارتجاع جهانی در جهان و ایران دهانش از حیرت باز مانده و چپ های ایرانی ضدکمونیست در پی یافتن ترمه آبرو و فرار از مواجهه با واقعیات هستند و به هر شناعتی در این زمینه دست می زنند. لابی های اسرائیل در میان آنها بسیار قدرتمند بوده و هر موقع خواسته اند آنها را به صف کرده اند. دارودسته های منصور حکمت و همه سایه روشن های آن تا به امروز تنها بخشی از ابزار صهیونیسم برای تخریب، جاسوسی، جنگ هیبریدی در ایران، در جنبش کارگری و در اپوزیسیون خارج از کشور هستند.

امروز وضعیتی پیش آمده که دست این افراد و گروه های ... ادامه در صفحه ۲

با وجدان ها در طیف اپوزیسیون

مقدمه

یورش قهرمانانه سازمان مقاومت آزادیبخش فلسطین که برای رفع اشغال و آزادی سرزمین فلسطین مبارزه می کند و مورد اعتماد عمومی مردم فلسطین است در تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نه تنها نقطه عطفی را در تاریخ صهیونیسم رقم زد، بلکه این پیروزی چون خط سرخی در تمام جهان مرزبندی روشنی میان لابی های اسرائیل، امپریالیست ها، جاسوسان آنها، «نهادهای مردمی» انقلاب مخملی ... به وجود آورد که مرز میان انقلاب و ضدانقلاب، میان مزدوران و ایران دوستان، میان هواداران حق حاکمیت ملی، حفظ تمامیت ارضی، مخالفت با تحریم و تهدید به تجاوز به ایران با موافقان نقابدار آنها به وجود آورد. از این تاریخ دیگر این مزدوران نمی توانند خود را در پناه تبهکاری های رژیم جمهوری اسلامی بپوشانند. از این تاریخ معلوم شده که ماهیت تضاد بر سر تحقق حقوق بشر و یا حجاب اجباری، زن زندگی آزادی، نیست بر سر امنیت و بود و نبود ایران است. و به این جهت حزب کار ایران (توفان) وظیفه خود می داند تا آنجا که برایش مقدور است از این جبهه مردمی به حمایت برخاسته و دشمنان بی وجدان ایران را که حتی پاره ای از آنها به البسه ساختگی کارگری در آمده اند افشاء کند. ما در زیر پاره ای از این اسناد را برای اطلاع عموم مجددا منتشر می کنیم

سندی بر حقانیت یک ملت

تصویر زیر برگه ویزای یک یهودی است که در سال ۱۹۳۵ میلادی وارد کشور فلسطین شد. روی برگه ویزای او به سه زبان توسط دولت فلسطین نوشته شده: اجازه داده می شود ایشان در فلسطین به عنوان پناهنده تحت قوانین پناهندگی سال ۱۹۳۳ اقامت کند.

این گونه بود که بر اثر غفلت، هسته اولیه اسرائیل در فلسطین شکل گرفت و در کم تر از یک قرن، نه تنها میهمان به صاحب خانه تبدیل شد بلکه صاحب خانه آواره، اسیر و یا کشته شد. این برگه، سندی بر حقانیت یک ملت است ... ادامه در صفحه ۳

بی وجدان ها در طیف اپوزیسیون

مقدمه

۷ اکتبر نقطه عطفی در افشاء اپوزیسیون مزدور و اسرائیلی در میان ایرانیان، تجزیه طلبان، فرقه رجوی، پهلوی چی ها، چپ های ضدکمونیست، ضد کارگرانی که خود را به البسه کارگری ملبس کرده اند، یاران غائله زن زندگی آزادی، همدستان نازی های اوکراین، سازمان های ساختگی «حمایت از حقوق بشر»، «کانون های ادبی و فرهنگی» ... بود. از این تاریخ کسی نمی تواند چهره خود را در پشت ده ها هزار کودک فلسطینی کشته شده پنهان کند و از «جنایات حماس» و «حق دفاع از خود» اشغالگر و متجاوز به دفاع برخیزد. یاران غائله زن زندگی آزادی دم های خود را روی کولشان گذاردند و مخفی شدند. حتی یک گروه از آنها نیز حاضر نشد از مبارزه مردم فلسطین دفاع کند و همه آنها در کنار اربابشان اسرائیل ایستادند. در میان اپوزیسیون نیز این شکاف عمیق ایجاد شد و صف بی وجدان ها و درنده خوها از انسان های شریف جدا گردید. اپوزیسیون مزدور اسرائیل که آرزوی نابودی سازمان فلسطینی حماس را در سر می پروراند عملاً خواهان تکرار همان سناریو در ایران است و سال هاست در عرصه دروغ و دغل، فقدان اخلاقیات، بی پرنسیپی، جعل اخبار و شایعات، آمادگی ذهنی را برای تجاوز به ایران فراهم می آورد. پس ماهیت مبارزه، جنگی میان میهن دوستان و ایران ستیزان مزدور است.

همه آن مزدوران اسرائیلی که از نزاع دو قطب ارتجاعی، اسلام سیاسی و اسرائیل، پان اسلامیم و سکولاریسم اسرائیل سخن می رانند و از مبارزات موهومی خلق فلسطین به رهبری رهبران موهومی برای قرب مردم سخن می رانند حتی یک نفر از آنها در عمل، که معیار یافتن حقیقت است، در نمایشات اعتراضی میلیونی سراسر جهان شرکت نکرد و برعکس مرتب خود را پشت کمینگاه «به ما مربوط نیست»، «به ضرر مردم دو طرف» است و ... برضد مبارزه مردم فلسطین برای رهایی ملی به رهبری سازمان حماس، در اتحاد با سایر سازمان های مقاومت فلسطین پنهان نمود.

ما در زیر اسنادی را در افشاء این اپوزیسیون مزدور جمع آوری نموده و در اختیار عموم قرار می دهیم. برای هر عقل سلیمی این پرسش مطرح می گردد که چرا خانم نرگس محمادی برنده جایزه صلح دستوری نوبل، ۲۵ روز در مقابل کوه اجساد کودکان فلسطینی با خونسردی به نظاره نشست و صهیونیسم کودک کش را در کنف حمایت خود گرفت و از درون زندان که توگوئی در هتل زندگی می کند.

خانم شیرین عبادی سکوت کرد، یاران غائله زن زندگی آزادی که برای مهسا ... ادامه در صفحه ۱۲

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید

جنگ ترکیبی در ... دنباله از صفحه ۱

آنها رو شده و دیگر نمی‌توانند خود را در پشت بهانه‌ای به نام مبارزه برای سرنگونی حاکمیت جمهوری اسلامی و یا مبارزه برای براندازی رژیم جمهوری اسلامی مخفی کنند.

حماس و جمهوری اسلامی

حماس سنی و جمهوری اسلامی شیعه هر دو دارای ایدئولوژی اسلامی هستند و تا آنجا که در توانشان هست تمایل دارند مقررات اسلامی را در حیطه نفوذ و قدرت خود متحقق نمایند. البته مضمون واقعی سیاست آنها کسب قدرت سیاسی و تداوم این قدرت است حتی اگر ناچار باشند بر پاره‌ای از مقررات چشم ببوشند. ایدئولوژی هر دوی این پدیده‌ها مانند همه ایدئولوژی‌های غیرپرولتری ارتجاعی بوده و قابل دفاع نیست. در انقلاب کبیر بورژوازی فرانسه به تسلط این ایدئولوژی در مقیاس تاریخی پایان داده شد و حقوق مدنی انسان‌ها به رسمیت شناخته گشت ولی از این پیشینه تاریخی و ارزیابی از ایدئولوژی ارتجاعی این نتیجه به دست نمی‌آید که سیاست آنها نیز در موارد مشخص الزاما باید ارتجاعی باشد. هم اکنون سیاست وحشیانه دولت فرانسه که بار قربانیان استعمار را به کول می‌کشد و دستش تا مرقع به خون آزادیخواهان مسلمان و مسیحی در آفریقا و یا آسیا آغشته است در این سیاست انقلابی است؟ فرانسه دولتی ارتجاعی، تجاوزگر، اشغالگر، سرکوبگر، ناقض حقوق بشر و حقوق دموکراتیک است و بی‌جهت نیست که خلق‌های آفریقا این هیولای هفت سر را از کشورشان اخراج کردند.

داوری در مورد فعالیت‌های جمهوری اسلامی، حماس و یا هر سازمان و گروه دیگری باید بر اساس ارزیابی از سیاست آنها صورت گیرد که در مورد چپ ضدکمونیست ایران عمیقا ارتجاعی بوده و آنها را به همدست آشکار صهیونیسم بدل کرده است و در واقع دست آنها را رو نموده است که دیگر جای حاشا باقی نمی‌گذارد.

آرزوی نابودی ایران

چپ ضدکمونیست با تئوری « مبارزه با دو قطب ارتجاعی» برای فریب مردم به میدان می‌آید و عمیقا بر این نظر است که باید بر کشتار فلسطینی‌ها و سازمان‌های انقلابی آنها صحنه گذارد و بر نسل‌کشی و جنایت ضدبشری صهیونیسم چشم بست. برای آنها جان انسان‌ها بی‌ارزش است، زیرا ایدئولوژی آنها «کمونیستی» نیست. این علامت تساوی‌گذاری عاملان میان جمهور اسلامی و جنبش مقاومت فلسطین که آن را با چاشنی حجاب اجباری، آزادی همجنس‌گرایی، عدم تساوی حقوق برابر اجتماعی زن و مرد، تعدد زوجات، مخالفت با همجنس‌گرایی و عریان شدن داوطلبانه و... همراه می‌کنند تا در ذهن خواننده ایرانی جا بگیرد، به این منظور است که همان بلائی که به سر مردم فلسطین در می‌آورد که رهبری حماس را پذیرفته و آنها را در یک انتخابات دموکراتیک برگزیده‌اند بر سر ایران نیز بیاورند و ایران را مانند نوار غزه بمباران و ویران کنند. همانگونه که صهیونیسم و غرب جنایتکار سرزمین‌های فلسطینی را به خاک خون کشیده و از مردم کشتار می‌کند باید همین کار را در ایران بنماید. نوار غزه ویران برای آنها آینه تمام نمای ایران فرداست زیرا برای آنها هم حماس و هم جمهوری اسلامی دشمنان واحدی هستند که از

ما می‌طلبند به همدست صهیونیسم و امپریالیسم برای سوریه‌ای کردن ایران و ویرانی ایران بدل شویم. نفرت این دشمنان ایران از حماس نفرت از ایران، این سرزمین مادری ماست. هرگز نباید فریب لفاظی این چپ ضدکمونیست و همدست صهیونیسم را خورد.

آرزوی ویرانی ایران

بحث در مورد حماس بحث در مورد ایران نیز هست و از مقاصد شوم اپوزیسیون مزدور ایران پرده بر می‌دارد. این اپوزیسیون مزدور نخست از همان سال ۱۳۸۸ با شعار ارتجاعی و ساخته شده اسرائیل «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» به میدان آمد تا همبستگی خلق‌های منطقه را در قالب «ایران‌دوستی» برهم زند و خلق فلسطین و خلق‌های منطقه را از حمایت ایران محروم گرداند. این سیاست اسرائیلی‌ها گرچه هنوز توسط مزدوران تکرار می‌شود ولی ماهیتش به قدری نخ‌نما شده که خریداری ندارد و همه می‌دانند که منظور «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران ویران» است.

اخیرا در جریان شکست مفضحانه در تاریخ صهیونیسم در سرزمین‌های اشغالی، مثنی از همین ایرانی‌های مزدور و لابی‌های اسرائیلی در فضای مجازی تبلیغ می‌کنند که با اعزام همه پاسداران، بسیجی‌ها، تمام دستگاه حکومتی ایران، ائمه جمعه، آخوندها، ملایان و... همراه خانواده‌هایشان به نوار غزه برای این که به شهادت برسند موافقت و آن را تبلیغ می‌کنند. ولی این توصیه بیش از ۱۵ میلیون ایرانی را در برمی‌گیرد که ۴۰ درصد آراء را در انتخابات فرمایشی به دست آورده‌اند. آنها با کشتار ۱۵ میلیون ایرانی موافقت. آنها در واقع در قالب عبارات روشن‌تر با تجاوز به ایران، بمباران ایران، ویرانی ایران و نسل‌کشی ایران به سبک «پوریم» موافقت. ننگ و نفرت بر این فرومایگان ضدایرانی و سربازان ارتش سایبری اپوزیسیون مزدور ایرانی.

تروریسم ضدکمونیست‌ها

همه حقوق‌دانان بورژوازی تا کنون نتوانسته‌اند یک تعریف حقوقی از تروریسم ارائه دهند. زیرا تروریسم به مبارزه طبقاتی مربوط می‌شود و طبیعتا در درجه اول دامن خود بورژوازی را می‌گردد. برای بورژوازی، از منظر منافع طبقاتی، تروریست کسی است که منافع بورژوازی را به خطر بیناندازد و با این کار و دوراندیشی مفهوم زندانی سیاسی را در صورت اسارت آنها با همین هوچی‌بازی تروریستی منکر می‌شوند. شاه ایران از لفظ خرابکار استفاده می‌کرد و کمونیست‌ها را بشر نمی‌دانست که نقض حقوق آنها را بپذیرد. در دنیای بورژوازی امپریالیستی غرب، زندانی سیاسی وجود ندارد زیرا هر کس مخالف آنها باشد تروریست است و تروریست فاقد هرگونه حقوق انسانی است. این تعریف تروریسم از منظر حقوق بورژوازی است. به همین جهت دنیای امپریالیسم غرب تصمیم گرفته همه جنبش‌های آزادیبخش ملی را که برای رهائی کشور خود می‌زنند با یک برچسب تروریست از رده خارج کرده و همه آنها را محکوم کند. در اندیشه آنها کسی از جانب غرب مورد سرکوب و اسارت قرار نمی‌گیرد که بخواهد خود را آزاد کند و آنکس که این جرات و حق را به خود می‌دهد مانند سازمان‌های آزادیبخش فلسطینی - با هر دین و آئین - تروریست است. حماس، جهاد اسلامی، سازمان آزادیبخش خلق فلسطین همه و همه تروریست هستند و اسرائیل قربانی تروریست.

از نظر کمونیست‌ها تروریسم خط‌مشی و سیاستی است که گروهی جدا از توده مردم که پایه‌های انقلاب اجتماعی هستند و مورد نفی آنها می‌باشند، تصور کند با ترور افراد و صاحب‌منصبان دولتی حاکم، قادر خواهد شد قدرت سیاسی را به دست آورده و مناسبات تولیدی را به نفع خودش تغییر دهد. تروریسم یک سیاست و خط‌مشی براندازی بی‌دورنما و ورشکسته بوده که باید جای انقلاب و مبارزه توده‌ای مردم را که سنگ بنای هر انقلابی هستند بگیرد و فقط موجبات انحراف فکری مردم و طبقه کارگر را فراهم می‌آورد. البته ناگفته روشن است که ترور به اقدامی منفرد اطلاق می‌شود که به مفهوم تروریسم به مثابه یک خط‌مشی نیست که بحث جداگانه‌ای دارد.

طبیعتا حماس که از قدرت توده‌ای بالائی برخوردار بوده مورد انتخاب دموکراتیک مردم قرار داشته و از طرف میلیون‌ها نفر فلسطینی، عرب، غیر عرب، مسلمان، مسیحی، بودائی، هندو حمایت می‌شود پایش بر روی زمین بوده و قدرت سیاسی را با تکیه بر نیروی مردمی به کف می‌آورد. چپ ضدکمونیست برای توجیه تئوری‌های ارتجاعی خویش همان مفهوم بورژوازی ارتجاعی را برای انتساب حماس به تروریسم برگزیده است.

ناگفته پیداست که همه سازمان‌های آزادیبخش فلسطینی حق دارند برای رهائی سرزمینشان از دست مثنی جنایتکار که فقط برای اشغال و تجاوز به کشورشان فلسطین آمده و خانه‌های آنها را تصاحب کرده، آنها را می‌تاراند، به قتل می‌رسانند و سلاحی می‌کنند از هر وسیله‌ای برای نابودی این مهمانان ناخوانده استفاده کنند. مردم چین، ویتنام، کئیا، الجزایر نیز از همین روش‌هایی که جنایتکاران اشغالگر با سبعیت به آنها آموخته بودند برای نابودی آنها استفاده کردند و باید بکنند. اشک تمساح ریختن برای جان «غیرنظامیان» اشغالگر و متجاوز که با نیت شوم و روشن آدم‌کشی و غصب مال و جان دیگران به سرزمین‌های اشغالی آمده‌اند، فقط ریاکاری بورژوازی برای توجیه جنایات صهیونیسم است که در خلاف اتفاق نیفتاده و محصول بیش از ۷۰ سال نسل‌کشی است. چپ ضدکمونیست از این تئوری‌های ارتجاعی برای نسبی کردن قتل‌عام فلسطینی‌ها حمایت می‌کند در حالی که چهره محزون به خود گرفته از کشتار انسان‌ها به طور کلی شاک می‌کند.

راهکارهای اپوزیسیون ارتجاعی ایران در جنگ ترکیبی اخیر

بر خلاف اغتشاشات «زن زندگی آزادی» که اپوزیسیون مزدور با یاری سیاستمداران غرب به ویژه آلمان و فرانسه و حمایت عربستان سعودی، دویچه وله، بی بی سی، رادیو فرانسه، من و تو، ایران انترنشنال، رادیو فردا و زمانه و... به صورت درازمدت از جمله برگذاری دادگاهی ساختگی و امپریالیستی در استکهلم به یاری عمال دست‌نشانده خود، بسیج فرقه رجوی، همه تجزیه‌طلبان رنگارنگ به ویژه جریان‌های ارتجاعی کرد اسرائیلی، آذری، بلوچ، عرب، پهلوی‌چی‌ها، اوکرائینی‌ها اسرائیلی‌ها، اعضاء حزب صهیونیستی سبزه‌های آلمان برای ایجاد تشنج، تخریب، ترور، آدم‌کشی، تجزیه ایران، ویرانی میهن ما و سوریه‌ای کردن آن تدارک دیده بودند و فضای مجازی مملو از دروغ‌ها، جعلیات، صحنه‌سازی‌ها، ویدئوهای ساختگی و جعلی، شهید پروری‌ها بود این بار به قدری ضربه‌ای که به آنها ... ادامه در صفحه ۳

جنگ ترکیبی در ... دنباله از صفحه ۲

خورد غیرقابل انتظار بود که تا کنون موفق نشده‌اند در ارتش ورشکسته خود نظمی ایجاد کنند و عقب نشینی را به درستی انجام دهند. ابعاد فاجعه ضدبشری این بار به قدری وسعت دارد که با فریاد «زن زندگی آزادی» و یا لخت و عربان شدن، با الفاظ رکبگی که شایسته وجودشان است به میدان آمدن و پرچم همجنس‌گرایان را حمل کردن، راه به جایی نمی‌برد، مگر این که خود آنها را بیش از این که افشاء شده‌اند بی‌آبرو کند. این است که این ضدانقلاب تشنج آفرین و دشمن میهن ما ایران روش‌های موزیانه دیگری یافته است که از این روش‌ها برای حمایت از نسل‌کشی صهیونیسم در سرزمین اشغال شده فلسطین حمایت می‌کند.

پرداختن به فرعیات و انحراف افکار

یکی از راهکارهای آنها موضع نگرفتن در مورد جنایات صهیونیسم است و تأیید ضمنی کشتار در نوار غزه. روشن است که کسی که این جنایات ضد بشری را محکوم نمی‌کند آرزوی تکرار آن را در ایران دارد و تنها ضدا ایرانی نیست بلکه ضدبشر است و دیوی در درونش لانه گرفته که ما نمونه‌هایی از خشونت‌ورزی و جنایات آنها را در ورزشگاه‌ها در زمان مسابقات جهانی قهرمانان ایرانی و یا در نمایشات سازمان یافته آنها در لندن، پاریس، برلن و... دیده‌ایم. همه آنها با جنایات علیه بشریت چون بر ضد مسلمانان است به نام «مسلمانان سابق» موافقت و آرزوی نابودی مسلمانان را به دست صهیونیسم و غرب دارند. مبارزه آنها برضد دو «قطب ارتجاع» حيله‌ایست تا از اسرائیل و آمریکا دفاع کنند.

ایزاسازی از آرمیتا

لشکر مزدوری از آنها که ناچیز بوده ولی متعلق به بخش بی‌شرم و فرومایه این ارتش هستند در فضای مجازی با تصویر خانم آرمیتا که در بیمارستان بستری بوده و دچار مرگ مغزی شده حاضر می‌شوند و با دروغ و جعلیات از بیننده می‌خواهند به نوار غزه که در آن هر روز هزاران آرمیتا به دست قساوت صهیونیسم نابود می‌شوند فکر نکنند به آرمیتا فکر کند و وی را فراموش نکنند. تمام «لایک‌های» و «اشتراک‌گذاری‌هایشان» در حمایت از خانم آرمیتاست که گویا بر اساس اسناد متقنی که دارند و رو نمی‌کنند توسط گشت ارشاد مخفی به قتل رسیده است. این گواه آن است که آنها آرزوی مرگ آرمیتاها را برای تبلیغات سیاسی گروهکشان دارند. آنچه برای آنها اهمیت ندارد جان مردم است. در سیاست ریاکارانه آنها جسد هر چه بیش‌تر بهتر.

نرگس محمدی برنده جایزه صلح نوبل و مهسا امینی برنده جایزه زاخاروف

این که این جوایز چه نقش ریاکارانه و تخریبی داشته و امروز دیگر کسی برای آنها تره هم خورد نمی‌کند برای این ارتش مهم نیست. آنها تلاش کردند با بزرگ‌نمایی بیهوده این «قهرمان» حقوق بشر که در مورد کشتار مردم فلسطین و نقش حقوق بشرشان سکوت کرده است خبری در مقابل تلی از اجساد مردم فلسطین قرار دهند. این تلاش به قدری ناموفق و مضحک بود که بعد از چند روز خودشان نیز از این سنگر عقب‌نشینی کردند و به سنگرهای دیگر پناه بردند.

شهیدپروری و جنازه‌سازی

یکی دیگر از شیوه‌های نکوهیده این عده که به مبارزه مردم ایران صدمه می‌زند این است که تصاویر

جعلی، بدون سند، با نام‌های جعلی از مفقودشدگان، شکنجه‌دیدگان، کشته‌شدگان در حوادث ناروشن و غیر قابل تحقیق منتشر می‌کنند و مدعی می‌شوند که به فکر این قربانیان باشیم و زیاد به نوار غزه فکر نکنیم. حتی برخی از این شهدا سرگذشت خود را با قلم خود تا زمانی که زیر شکنجه شهید شده‌اند، بعد از مرگ به رشته تحریر درآورد و در فضای مجازی منتشر کرده‌اند. زنان معترض مویلووند اروپائی به عنوان زنان معترض ایران از پشت تصویربرداری شده و گویا جزو لشکر معترضان ایرانی هستند و هر شعار و دروغی را به آنها نسبت می‌دهند. فضای مجازی پر است از این کارمندان اسرائیلی در تل آویو که با یاری اپوزیسیون مفلوک ضدا ایرانی که خواهان تشنج و جنگ، ناآرامی در منطقه است آکنده گشته است.

قتل داریوش مهرجویی

کسی نمی‌تواند از قتل داریوش مهرجویی بنیانگذار سینمای مدرن ایران متأسف نباشد. در اینجا هدف ما تجلیل از نقش بزرگ این استاد نیست. قتل داریوش مهرجویی را عده‌ای کرکس و لابی اسرائیل در ایران و بخشی از ارتش جنگ هیبریدی بر سر دست گرفتند تا با شبیه‌سازی آن با قتل‌های زنجیره‌ای دوران مافیائی رفسنجانی آن چنان بزرگنمایی کرده و در آن بدمند که بر کشتار و قتل عام مردم فلسطین پرده ساتری بکشند و از درجه سبعت صهیونیسم بکاهد. در صفحات مجازی آنها وقتی برای افشای فاجعه انسانی در نوار غزه نیست ولی تا دلشان بخواهد از قتل داریوش مهرجویی برای نیات شوم خود سرمایه‌گذاری می‌کنند تا خود را از زیربار اتخاذ موضعگیری سیاسی خلاص نمایند. همین روش موزیانه ضد بشری این پرسش را طرح می‌کند که آیا این عده اساساً وجدانشان از قتل خانواده داریوش مهرجویی به عنوان انسان معذب است یا خوشحالند که بهانه‌ای پیدا کرده‌اند تا از محکوم کردن قتل عام هزاران فلسطینی به علت مشغله دیگر و وقت نداشتن فرار کنند؟ مسلماً ارزیابی اخیر درست است.

القاء تساوی قرار دادن ظالم و مظلوم برای رخنه‌گری در افکار

اخیراً آخرین برگ بازی آنها این است که دو کودک اسرائیل را که یکی لباس فلسطینی به تنش کرده است دست به گردن با یک کودک یهودی در کنار هم قرار داده در ژست‌های گوناگون از آنها تصویربرداری کرده و آن را در فضای مجازی قرار می‌دهند تا کشتار هزاران کودک فلسطینی را لاپوشانی نمایند. کودک صهیونیسم متجاوز و اشغالگر با کودک فلسطینی که خانه‌اش را از وی گرفته و مانع می‌شوند به دبستان برود و رشد کند یکسان نیست. برابری حقوقی این دو کودک تنها برگ‌گور صهیونیسم ممکن است و نه آشتی و صلح ریاکارانه و «حق به جانب» با سری آویخته میان ظالم و مظلوم، میان اشغالگر و اشغال شده، میان ستمگر و ستمکش. این روش جنگ روانی اوج تمسخر حقوق بشر و سروش‌گذاری بر اوج نفرت ضدفلسطینی با تصویرسازی کاریکاتوری غیر واقعی است تا نظر مردم را از ریشه‌های مسئله دور کند. خود این کاربران مستقلاً جنایت صهیونیسم را محکوم نمی‌کنند و چنین القاء می‌نمایند که گویا هر دو طرف مقصرند که با تحلیل مشخص از شرایط مشخص مفهومش دفاع از جنایات اسرائیل است.*

با وجدان‌ها در... دنباله از صفحه ۱

صاحب‌خانه عوض کردند و قاتل را به جای مقتول نشانند.

**کارگران**

«اتحادیه‌های کارگری فلسطینی با صدور یک فراخوان جهانی برای اقدام فوری، از کارگران در همه جا می‌خواهند تا فروش و تأمین مالی اسلحه به اسرائیل و تحقیقات نظامی مرتبط با آن را متوقف کنند.

اسرائیل از ۱.۱ میلیون فلسطینی خواسته است که نیمه شمالی غزه را تخلیه کنند و در همین حال آنها را در معرض بمباران مداوم قرار می‌دهد. این اقدام بی‌رحمانه، بخشی از نقشه اسرائیل با حمایت تزلزل‌ناپذیر و مشارکت فعال آمریکا و اکثر کشورهای اروپایی، برای پیشبرد قتل عام بی‌سابقه و شنیع ۲۳ میلیون فلسطینی در غزه و پاکسازی قومی آن می‌باشد. اسرائیل از روز شنبه غزه را به شدت بمباران کرده و سوخت، برق، آب، غذا و تجهیزات پزشکی را بر روی آنها قطع کرده است. اسرائیل بیش از ۲۷۰۰ فلسطینی - از جمله ۶۱۴ کودک - را به قتل رسانده و تمام محله‌ها را با خاک یکسان نموده، خانواده‌ها را نابود و بیش از ۱۰۰۰۰ نفر را زخمی کرده است. برخی از کارشناسان حقوق بین‌الملل نسبت به اقدامات نسل‌کشی اسرائیل هشدار داده‌اند.

دولت راست افراطی اسرائیل در برخی نقاط دیگر بیش از ۱۰۰۰۰ تفنگ بین شهرک نشینان افراطی در فلسطین و کرانه باختری اشغالی توزیع کرده است تا حملات و کشتار آنها علیه فلسطینیان را تسهیل نماید. اقدامات اسرائیل، قتل عام و لفاظی آنها، قصد اسرائیل در اجرای نکبت دوم که مدت‌هاست وعده‌اش را داده است، اخراج هر چه بیش‌تر فلسطینی‌ها و ایجاد «خاورمیانه جدید»ی که در آن فلسطینی‌ها در انقیاد دائمی زندگی کنند را آشکار می‌سازد.

پاسخ دولت‌های غربی، حمایت‌های کامل از حکومت اسرائیل بوده است، و آنها حتی بدون هیچ توجیهی به قوانین بین‌المللی. امری که مصونیت اسرائیل را تشدید کرده و به آن اجازه می‌دهد تا جنگ نسل‌کشی خود را بدون هیچ محدودیتی به پیش ببرد. کشورهای غربی علاوه بر حمایت دیپلماتیک، به اسرائیل تسلیحات داده و فعالیت شرکت‌های اسلحه‌سازی آن را در درون مرزهای خود، تأیید می‌نمایند.

همزمان با این که اسرائیل کارزار نظامی خود را تشدید می‌کند، اتحادیه‌های کارگری فلسطینی از هم‌تایان خود در سطح بین‌المللی و همه افراد با وجدان می‌خواهند که به همه گونه هم‌دستی با جنایات اسرائیل پایان دهند

- فوری ترین آن ... ادامه در صفحه ۴

با وجدان‌ها در... دنباله از صفحه ۳

متوقف ساختن تجارت تسلیحاتی با اسرائیل، و همچنین توقف کلیه کمک‌های مالی و تحقیقات نظامی می‌باشد. اکنون زمان اقدام است - زندگی فلسطینی‌ها در مخاطره است.

این وضعیت اضطراری و نسل‌کشی، تنها با افزایش همبستگی جهانی با مردم فلسطین قابل پیشگیری است. امری که می‌تواند ماشین جنگی اسرائیل را مهار کند. ما به شما در هر جای دنیا که هستید نیاز داریم که برای جلوگیری از تسلیح دولت اسرائیل و شرکت‌های درگیر در زیرساخت‌های محاصره، فوری اقدام بکنید. ما از نمونه بسیج‌های عمومی پیشین اتحادیه‌های کارگری در ایتالیا، آفریقای جنوبی و ایالات متحده و بسیج‌های عمومی بین‌المللی مشابه علیه تهاجم ایتالیا به اتیوپی در دهه ۱۹۳۰، دیکتاتوری فاشیستی در شیلی در دهه ۱۹۷۰ و بسیج‌های عمومی در مناطق دیگر الهام می‌گیریم که در آنها همبستگی جهانی، دامنه وسعت وحشیگری استعماری را محدود نمود.

ما اتحادیه‌های صنایع مربوطه را به اقدامات ذیل دعوت می‌کنیم:

- ۱- امتناع از ساخت سلاح به مقصد اسرائیل،
 - ۲- امتناع از حمل سلاح به اسرائیل،
 - ۳- تصویب طرح‌هایی در این خصوص در اتحادیه صنفی خود،
 - ۴- اقدام علیه شرکت‌های همدستی که در اجرای محاصره وحشیانه و غیرقانونی اسرائیل دخیل هستند، به خصوص اگر با موسسه شما قرارداد داشته باشند،
 - ۵- فشار بر دولت‌ها برای توقف کلیه تجارت نظامی با اسرائیل، و در مورد ایالات متحده نیز توقف تأمین مالی آنها،
- ما این فراخوان را در حالی می‌دهیم که شاهد تلاش‌هایی برای ممنوعیت و خاموش کردن همه اشکال همبستگی با مردم فلسطین می‌باشیم. ما از شما می‌خواهیم همانگونه که اتحادیه‌های کارگری در طول تاریخ انجام داده‌اند، در برابر بی‌عدالتی صدایتان را بلند کنید. ما این فراخوان را با این باور طرح می‌کنیم که مبارزه برای عدالت و آزادی فلسطین، نه تنها یک مبارزه متعین منطقه‌ای و جهانی است، بلکه اهرمی است برای آزادی تمام افراد محروم و استثمار شده در جهان.

فدراسیون عمومی اتحادیه‌های کارگری فلسطین، غزه: اتحادیه عمومی کارگران خدمات عمومی و صنفی اتحادیه عمومی کارگران شهرداری اتحادیه عمومی کارگران مهدکودک اتحادیه عمومی کارگران پتروشیمی اتحادیه عمومی کارگران کشاورزی اتحادیه کمیته‌های زنان فلسطین اتحادیه نسل کارگران رسانه و چاپ فدراسیون عمومی اتحادیه‌های کارگری فلسطینی (PGFTU)

اتحادیه عمومی معلمان فلسطینی اتحادیه عمومی زنان فلسطینی اتحادیه عمومی مهندسان فلسطین انجمن حسابداران فلسطینی فدراسیون انجمن‌های حرفه‌ای: انجمن دندانپزشکی فلسطین - مرکز اورشلیم انجمن داروسازان فلسطین - مرکز اورشلیم

انجمن پزشکی - مرکز اورشلیم

انجمن مهندسين - مرکز اورشلیم

انجمن مهندسين کشاورزی - مرکز بیت المقدس

سندیکای دامپزشکان - مرکز اورشلیم

سندیکای روزنامه نگاران فلسطینی

کانون وکلای فلسطین

انجمن پرستاری و مامایی فلسطین

اتحادیه کارگران مهدکودک

اتحادیه کارگران خدمات پستی فلسطین

فدراسیون اتحادیه‌های اساتید و کارمندان دانشگاه‌های فلسطین

فلسطین

فدراسیون عمومی اتحادیه‌های کارگری مستقل فلسطین

فدراسیون جدید اتحادیه‌های کارگری فلسطین

اتحادیه عمومی نویسندگان فلسطین

اتحادیه پیمانکاران فلسطینی

فدراسیون سندیکاهای متخصصان بهداشت

اتحادیه روانشناسان و مددکاران اجتماعی فلسطین

۱۶ اکتبر ۲۰۲۳

برگردان: پروین اشرفی

منبع Progressive International

«بیانیه‌ی جمعی از کارگران عسلویه و جنوب کشور»

رؤیای جنگ؛ رسوایی سیاست‌های هویتی و جنایات اسرائیل

دروغ‌ها و شانتاژهای رسانه‌های غالب (دروغ‌هایی مثل سر بریدن کودکان) که بعدها توسط مقامات و خبرنگاران اسرائیلی و آمریکایی تکذیب شد، دستاویز جنایاتی با ابعاد فاجعه‌آمیز شده است. دولت اسرائیل به بهانه عملیات طوفان الاقصی در ابعادی دست به اقدامات تلافی‌جویانه و جنون‌آمیز بر علیه مردم بی‌دفاع غزه زده که موجب حیرت و اعتراض جهانیان گشته است. این جنایات نه به بهانه حمله و کشتار نظامیان و شهروندان فلسطینی، بلکه از هفتاد سال پیش آغاز شده؛ فاجعه در روستاهای دیر یاسین و کفر قاسم و طنطوره قبل از پیدایش گروه حماس اتفاق افتاد و بنابراین اسرائیل نیازی به بهانه ندارد.

قتل و کشتار و آوارگی و مجازات دسته‌جمعی مردم زندانی در ۳۶۰ کیلومتر مربع، که هیچ دست‌آورد نظامی‌ای ندارد، خود نشان از ذات واقعی و دهشتناک حکومت‌های سرمایه‌داری است که برای حفظ منافع خود پایبندی به هیچ اصلی از قوانین حقوق بشری را بر خود لازم نمی‌بینند؛ قوانینی که خود مبلغ آن هستند. خواه آبان ۹۸ باشد و خواه انتقام از طوفان الاقصی، چه جمهوری اسلامی باشد و چه اسرائیل، ذات سرمایه‌داری نمایان است.

تمام جنگ‌ها و سرکوب‌ها و جنایت‌های طول تاریخ بشر از سوی حکومت‌ها تحت نام مذهب و ملیت و قوم صورت گرفته است. در عصر سرمایه‌داری نظام‌های طبقاتی برای پنهان کردن ماهیت و اهداف استثمارگرانه خود و سرپوش گذاشتن بر تضادهای درونی به قصد انحراف مبارزات توده‌ها، با برجسته کردن اختلافات قومی و دینی و غیره راه را بر جنگ‌های امپریالیستی باز کرده‌اند و بدین سان از بحران‌های ذاتی سرمایه‌داری عبور نموده‌اند. تنها به این صورت توانسته‌اند انسجام و امنیت سرمایه و حفظ سود را در خاورمیانه دوام ببخشند و هدف

نهایی را محقق کنند.

دولت و دیگر نهادهای سرمایه‌داری شاید در سال‌های اخیر توانسته باشند انقلاب در کشورهای عربی و خاورمیانه را به بیراهه بکشانند، اما آگاهی روزافزون زحمت‌کشان کشورهای خاورمیانه دیگر آنان را دستاویز فریب‌های این چنینی رسانه‌ها و سیاستمداران حافظ منافع سرمایه‌داری جهانی نخواهد کرد. فشار افکار عمومی جهانیان و مردم منطقه خاورمیانه بر دولت‌هایشان موجب به هم خوردن توازن قوا گشته و همین امر جنگ‌افروزی دولت‌ها را با چالش‌هایی جدی مواجه نموده است.

در این میان سود بازار فروش اسلحه، دارو و بازسازی ویرانه‌های جنگ نصیب شرکت‌های بزرگ و چندملیتی خواهد شد و کشتار و رنج نصیب مردمی بی‌گناه؛ یک روز در بالکان و یوگسلاوی و یک روز در اوکراین و ارمنستان و رواندا و لیبی... شاید هم روزی در ایران زیر پرچم روشنفکران قوم‌پرست میان کرد و بلوچ و فارس و لر و عرب و به قول خودشان مرکز و پیرامون.

ما کارگران از مناطق گوناگون ایران، از سایت‌های پتروشیمی‌ها و ساتالایت‌ها و ترن‌های گازی و واحدهای کت کرکر و از روی سکوهایی نفت و گاز با صدای رسا، ضمن محکوم کردن جنایات رژیم آپارتاید قومی-مذهبی اسرائیل به‌عنوان حافظ منافع امپریالیست‌ها در خاورمیانه و ضمن حمایت قاطع از مبارزات هفتادساله ملت فلسطین و خواست قطع جنایات رژیم نژادپرست اسرائیل معتقدیم تنها راه خلاصی از بحران‌های ادواری سرمایه‌داری برای رژیم‌های منطقه رؤیای جنگ است و برای جریانات مرتجع قوم‌پرست، رؤیای جنگ قومی-مذهبی، چراکه هویت‌طلبان موتور محرک جنگ‌ها و اختلافات قومی و ابزار دست سرمایه‌داران و امپریالیست‌های جنگ‌افروز برای ممانعت از شکل‌گیری یک جبهه انقلابی هستند. به گمان ما راه‌هایی و عدالت و رفاه و صلح و احقاق حقوق کارگران و اقوام و زنان و اقلیت‌ها نه در میدن در آتش اختلاف وجدایی و جنگ، آن‌هم بدون هیچ‌گونه تحزب، بلکه در گرو اتحادی تحت‌تشکل‌ها و احزاب و شوراهای مردمی در ایران و سرتاسر خاورمیانه است.

زنده باد صلح

زنده باد برابری.

کارگران جهان متحد شوید!

«صندوق اعتصاب کارگری در اول نوامبر ۲۰۲۳ خبر داد: اتحادیه‌های کارگران حمل و نقل بلژیک؛ اعضای ما از حمل و انتقال تجهیزات نظامی برای اسرائیل خودداری کنند.

اتحادیه‌های کارگران حمل و نقل بلژیک روز سه‌شنبه از اعضای خود خواستند از حمل و نقل تجهیزات نظامی که به اسرائیل برای بمباران غزه ارسال می‌شود، خودداری کنند.

اتحادیه‌های ACV، BBTk، BTB، ACV Puls و Transcom در بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند که کارگران فرودگاه محموله‌های اسلحه را مشاهده کرده‌اند. در این بیانیه آمده است: «در حالی که نسل‌کشی در فلسطین در جریان است، کارگران فرودگاه‌های مختلف بلژیک شاهد محموله‌های تسلیحاتی در جهت منطقه جنگی هستند. بارگیری یا تخلیه این سلاح‌ها به معنای مشارکت در تأمین سازمان‌هایی است که مردم بی‌گناه را می‌کشند...» ادامه در صفحه ۵

گشت ارشاد منحل و حجاب اجباری ملغی باید گردد!

با وجدان‌ها در... دنباله از صفحه ۴

اتحادیه‌های کارگری فلسطین خواستار حمایت کارگران و تشکل‌های صنفی جهان برای توقف جنگ شدند.

به نقل از فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری «WFTU»، سه اتحادیه اصلی کارگران فلسطینی با انتشار بیانیه‌ای خواهان حمایت جهانی تشکل‌های کارگری و صنفی و همه جامعه زحمتکش کارگران جهان از کارزار توقف جنگ بر علیه غزه شدند.

این سه تشکل «شامل اتحادیه سراسری کارگران فلسطین یا «GUPW»، ائتلاف اتحادیه‌های کارگری سرزمین فلسطین و فدراسیون اتحادیه‌های کارگری جدید فلسطین با کارگران جهان، خواستار تحقق شعار «فلسطین آزاد» شدند.

در بیانیه این سه تشکل کارگری آمده است:

ما کارگران فلسطین و اتحادیه‌های کارگری این سرزمین، با سپاس بیکران از میلیون‌ها نفری که در خیابان‌های شهرها جهان در این روزها گردهم آمده و فریاد آزادی فلسطین را سر دادند، درود می‌فرستیم.

در مقابل دولت‌های خود، سازمان‌های جهانی امپریالیستی، آمریکا، ناتو، اتحادیه اروپا، این مردمان سراسر جهان هستند در کنار ما فلسطینیان ایستاده‌اند. آن‌ها در سمت درست تاریخ ایستاده‌اند؛ تاریخی که این روزها به جای قلم و جوهر، با خون و استخوان فلسطینی‌ها نوشته می‌شود. این همان تاریخی است که می‌رود تا در صفحات خود بزرگ‌ترین جنایت قرن بیستم و یکم تا به امروز را ثبت کند!

هر ساعت، هر دقیقه، هر ثانیه که می‌گذرد، یک کودک فلسطینی دیگر توسط اسرائیل به قتل می‌رسد. اشک‌های ما خشک شده‌اند، همان‌طور که آب، غذا، بنزین، راه‌های ارتباطی رسانه‌ای و برق در بزرگ‌ترین زندان جهان، در غزه، زندان ۲ میلیون روح بیدار، به پایان رسیده‌اند.

چیزی که از ما باقی مانده امید است! امیدواریم که مردم ما در برابر اشغال و بی‌عدالتی وحشیانه اسرائیل تنها نباشند! ما با این امید مانده‌ایم که مردم، اتحادیه‌های کارگری مبارز جهان، طبقه کارگر جهانی یک بار دیگر به پا خاستند و از برادران و خواهران خود دفاع کنند. در هر کشور جهان اتحادیه‌های کارگری باید پیام ما را منتشر کنند.

در برابر دولت‌هایی که حقوق مردم خود را زیر پا می‌گذارند و از دولت قاتل اسرائیل حمایت می‌کنند، بخواهید: تمام حمایت‌ها، همه همکاری‌ها با دولت قاتل صهیونیست اسرائیل را متوقف کنید!

ما می‌خواهیم اتحادیه‌های کارگری هر کشور اقداماتی را علیه ماشین کشتار ناتو و آمریکا - که از کشتار جمعی مردم فلسطین حمایت می‌کند - سازماندهی کنند.

اتحادیه‌های کارگری در هر کشوری برای قطع کردن هر دستی که ما را می‌کشد، باید تلاش کنند. برای جلوگیری از تسلیح نظامی، اقتصادی اسرائیل و برای ابراز محکومیت توده‌ای علیه دولت‌ها و شرکت‌های چندملیتی و برای ابراز همبستگی با فلسطینیان، امکانات وسیعی در دست کارگران و تشکل‌های آن‌ها در سراسر جهان است.

در مقابل، ما به شما قول می‌دهیم: مردم ما تسلیم نمی‌شوند! هر چقدر هم که ما را آزار دهند، هر چقدر هم که خون ما را بپزند، مبارزه ما ادامه خواهد داشت، زیرا حق با ماست و در نهایت پیروزی از آن مردم متحد

است.

این سرزمین، فلسطین نام داشته و تا آخر فلسطین خواهد ماند!

منبع: ایلنا

غزه وجدان بشریت!

«ریاست محترم فدراسیون جهانی اینداستریال کبیر و خواهران و برادران عضو فدراسیون جهانی اینداستریال وضعیت در غزه بسیار وحشتناک است، این نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت با بمباران بیمارستان غزه با بیش از ۱۰۰۰ نفر کشته، هر روز کامل‌تر می‌شود. بیمارستان‌ها، مدارس، خبرنگاران، امدادگران در جنگ از هرگونه تعرضی مصون هستند. در این بحبوحه متأسفانه شورای امنیت اعلام آتش بس را در غزه رد کرده است.

لازم است یادآوری کنیم جنگ در غزه از دهه‌ها پیش شروع شده و مختص امروز نیست. مردم فلسطین اگر امروز می‌جنگند برای دفاع از خود و آزادیست که از آنها گرفته شده است. سال گذشته نماینده ایرلند در پارلمان اروپا گفت: «از سال ۲۰۰۸ تاکنون ۳۳ هزار کودک کشته شده است» آری غزه بزرگ‌ترین زندان رو باز جهان است. بدترین و مسموم‌ترین آب آشامیدنی دنیا را دارد، ورود مواد غذایی و درمانی باید به مقدار معینی که اسرائیل مجاز می‌داند وارد غزه شود. بارها ماموران سازمان ملل تاکید کرده‌اند که شرایط زندگی در غزه غیرانسانی است. اسرائیل کاترژ وزیر انرژی دولت کودک‌کش اسرائیل در چشم جهانیان خیره شده و می‌گوید: «برق غزه وصل نخواهد شد، شیر آب باز نخواهد شد و هیچ کامیون سوختی به غزه راه نخواهد یافت»

اسرائیل نه تنها منشور حقوق بشر را زیر پا گذاشته است بلکه قطعنامه‌های اسلو، ۴۲، ۳۳۸ و دیگر قطعنامه‌های سازمان ملل را نادیده گرفته و با این پاکسازی قومی که از سال ۱۹۴۸ آغاز نموده، بر اساس کنوانسیون ژنو دست به یک جنایت جنگی زده است. از سال ۲۰۰۶ تاکنون غزه در محاصره بوده و این اولین بار نیست که فاشیست‌های صهیونیست مردم را قتل عام می‌کنند. از ذهن بشریت هنوز قتل عام‌های دیربسیان، کفر قاسم، صبرا و شتیلا پاک نخواهد شد. اسرائیل با شهرک‌سازی‌های غیرقانونی و تحریک آمیز و مسلح کردن این شهرک‌نشینان، مردم غزه را در یک جنگ و گریز دائمی نگه داشته است. دفاع از جان خانواده و سرزمین حق هر انسانی است. سربازان اسرائیلی تاکنون ۱۱ خبرنگار را کشته و به امدادگرانی که در حال بیرون آوردن زنان و کودکان از زیر آوار بیمارستان بودند، حمله کرده‌اند.

ما نیز تجربه ۸ سال جنگ و بمباران‌های آن را تجربه کرده ایم و غم بزرگی که امروز وجدان بشریت را آزرده با تمام وجود حس می‌کنیم.

دوستان زحمتکش، مبارزه با صهیونیسم مترادف با یهودی‌ستیزی و مردم صلح‌جوی اسرائیل نیست. بر ماست که با تمام توان از زحمتکشان غزه حمایت کنیم. لذا از رهبری فدراسیون جهانی اینداستریال بزرگ می‌خواهیم با تمام قوا این جنایات بشری را محکوم و از هرگونه کمکی به مردم غزه مضایقه نکنند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

بازنشستگان مستقل و متحد: «بافنده سوزنی/ فلزکارمکانیک/ شهاب خودرو/ صنعت چاپ/ شهر قزوین/ شهر بابل/ شهر رامهرمز»

۲۶ مهر ۱۴۰۲ مطابق با ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳»

«صندوق اعتصاب کارگری در ۳ نوامبر ۲۰۲۳»

فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (دبلیو اف تی یو) به همراه اتحادیه کارگران هتل، گردشگری و رستوران یونان، در بیانیه‌ای علیه شرکت زنجیره‌ای تولید و فروش قهوه و نوشیدنی «استارباکس» ارباب و هجوم به کارگران عضو اتحادیه صنفی نیروهای استارباکس محکوم کرده و اعلام کرد: مدیران شرکت آزار و اذیت کارگران استارباکس برای دفاع از فلسطینیان را متوقف کنند.

در این بیانیه آمده است: دولت‌ها و شرکت‌های چندملیتی از دولت صهیونیستی حمایت می‌کنند که در عرض چند روز بیش از ۲۰۰۰ کودک را در غزه به قتل رسانده است. به همین دلیل آن‌ها تلاش می‌کنند صداهای محکوم‌کننده جنایت را خاموش کنند. آن‌ها می‌خواهند مردم و کارگرانی را که فلسطین آزاد را فریاد می‌زنند، بترسانند.

در این راستا، استارباکس در واکنش به اقدام کارگران اتحادیه این شرکت چندملیتی، شکایتی را تنظیم کرده و خواستار غرامت از اتحادیه به دلیل «خسارت» ناشی از تبلیغات ضد اسرائیلی اتحادیه به برند و شهرت خود است! این درحالی است که پیش از این شهرت استارباکس به دلیل شرایط کاری اسفناکی که بر کارمندان خود تحمیل می‌کند، خدشه‌دار شده است.

در بیانیه همچنین آمده است: شهرت استارباکس با محکوم نکردن خون فرزندان مردم فلسطین که ۷۵ سال است هر روز به قتل می‌رسند خدشه‌دار شده است چراکه استارباکس از بربریت و اشغال‌گری اسرائیل حمایت می‌کند. ما تلاش برای جرم‌انگاری اقدام اتحادیه و همبستگی بین المللی کارگران STARBUCKS را محکوم می‌کنیم. ما خواهان لغو تمامی پیگرد‌های قانونی علیه اتحادیه هستیم.»

استعمار اسرائیل ریشه در صهیونیسم و امپریالیسم دارد

اطلاعه حزب کارگر کمونیست فنلاند در مورد جنایات اسرائیل در غزه

حملات وحشیانه اسرائیل به نوار غزه ادامه مستقیم اشغال سرزمین‌های فلسطینی است که از سال ۱۹۴۸ آغاز شد. خشونت علیه طبقه کارگر و مردم عادی غزه حد و مرزی نمی‌شناسد. زنان، کودکان، سالمندان و معلولان قربانیان اصلی حملات هوایی بی‌رحمانه و محاصره‌های هستند که علی‌رغم همه تبلیغات اسرائیل، عمدتاً به غیرنظامیان ضربه می‌زند، زیرا غزه یکی از پرجمعیت‌ترین شهرهای جهان است.

آب، غذا، دارو، مصالح ساختمانی و تمام مواد لازم برای زندگی در غزه یا به طور کامل توسط اسرائیل ممنوع و یا به شدت محدود شده است. کودکان تا حد زیادی تحت تأثیر این سیاست وحشیانه هستند، زیرا حدود نیمی از جمعیت غزه را کودکان تشکیل می‌دهند. تصاویر وحشتناکی از عواقب بمباران اسرائیل در فضای مجازی وجود دارد.

سخنرانی‌های زیبای اسرائیل را می‌توان به حال خود رها کرد، زیرا ما دیدیم که این سخنرانی‌ها واقعاً چه معنایی دارند. بیمارستان‌ها، کلیساها، مساجد و انبار سازمان ملل

در اثر بمباران... ادامه در صفحه ۶

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

با وجدان‌ها در... دنباله از صفحه ۵

اسرائیل ویران شده‌اند. اسرائیل سنت طولانی دروغ‌گویی در سطح دولتی دارد، زیرا استعمار فلسطین، که از اواخر دهه ۴۰ شروع شد، بر پایه‌ی به عنوان مثال، چنین دروغی، که این منطقه خالی از سکنه است. البته این طور نبود. مسلمانان، مسیحیان و یهودیان فلسطینی در این منطقه زندگی می‌کردند.

از ابتدا، سنگ بنای تبلیغات اسرائیل این بوده است که تنها از خود در برابر تهدیدات مختلف دفاع می‌کند. با این حال، به راحتی ثابت می‌شود که این یک ادعای فریبنده است، زیرا اسرائیل از زمان پیدایش خود یک متجاوز علیه فلسطینی‌ها بوده است. اسرائیل در فاجعه نکبت ۱۹۴۸، ۷۵۰۰۰۰ فلسطینی را از خانه‌هایشان بیرون کرد. صدها خانه ویران شد و اسرائیل قوانینی وضع کرد که می‌گوید فلسطینی‌ها پس از اخراج حق بازگشت به خانه‌های خود را ندارند.

در نتیجه جنگ تجاوزکارانه ۱۹۶۷، اسرائیل قدس شرقی، کرانه باختری و نوار غزه را اشغال کرد و حتی امروز نیز محاصره نظامی آنها را حفظ کرده است.

می‌توان گفت که در هیچ نقطه‌ای بحث دفاع از خود نبوده، بلکه موضوع اشغال بوده است.

بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد، «در صورت حمله به یکی از اعضای سازمان ملل، هیچ مفادی از این منشور حق طبیعی برای دفاع جداگانه و یا مشترک را تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام ندهد، محدود نمی‌کند».

فلسطین در سال ۲۰۱۲ به عنوان عضو ناظر سازمان ملل پذیرفته شد، اما ایالات متحده و اسرائیل همیشه مانع عضویت کامل آن بوده‌اند. این یک واقعیت غیرقابل انکار است. ۱۳۵ کشور از ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل، فلسطین را به رسمیت می‌شناسند که به معنای اکثریت بزرگ است.

باید گفت که وضعیت فلسطینی‌ها بر اساس قوانین بین‌المللی دارای تمامی شرایط دفاع از خود است.

مسئولیت اصلی خشونت و کشتار در غزه بر عهده رژیم اسرائیل است.

سیاست دولت فنلاند در حمایت از رژیم اشغالگر وحشی اسرائیل، اکثریت مردم فنلاند را نمایندگی نمی‌کند. تمام تجارت اسلحه با اسرائیل باید فوراً متوقف شود.

حزب کارگر کمونیست - برای صلح و سوسیالیسم حمایت و همبستگی کامل خود را با مردم فلسطین اعلام می‌کند و ما خواستار پایان فوری حمله اسرائیل هستیم.

حزب کارگر کمونیست - برای صلح و سوسیالیسم اشغال غیرقانونی توسط اسرائیل، محاصره غزه و پاکسازی قومی سرزمین‌های فلسطینی را محکوم می‌کند.

برای یک فلسطین آزاد!

حزب کارگر کمونیست - برای صلح و سوسیالیسم

بخش امور بین‌الملل

کمیته سیاسی

۲۰/۱۰/۲۳»

«بیانیه بین‌المللی دفاع از مردم فلسطین

ما امضا کنندگان،

۱- داغدار جان‌هائی هستیم که در چرخه‌ی خشونت، توحش و ویرانگری بر اثر اشغال جاری در فلسطین گرفته شد.

۲- معتقدیم که پروژه‌ی صهیونیستی، ماهیتا استعماری‌ست، بر سر زمینی روده شده بنا نهاده شده و به وسیله‌ی حذف، استثمار و قتل‌عام فلسطین تداوم یافته است.

۳- صهیونیسم را به عنوان سلاح امپریالیسم غربی و دولت اسرائیل را به عنوان ابزاری برای سرکوب استقلال و اتحاد در جهان عرب - و جهت پیشبرد واکتس خشونت‌آمیز بسیار فراتر از آن تلقی می‌کنیم.

۴- معتقدیم که رژیم صهیونیستی هم در نیت و هم در عمل، ماهیت نسل‌کشانه خود را نشان داده است.

۵- درک می‌کنیم که خشونت فاشیستی بر علیه مردم فلسطین، امروز، پیش درآمد خشونت امپریالیسم غربی نسبت به کارگران و مردمان تحت ستم فرداست، زیرا این گرایش تاریخی کاپیتالیسم رو به زوال است.

۶- تصدیق می‌کنیم که مردم فلسطین با مبارزه ملی، مبارزه طبقاتی، و مبارزه فمینیستی رودرو هستند، تصریح می‌کنیم برای اینکه دیگر ستیزها پیش برده شوند، مبارزه ملی باید به پیروزی برسد و سلاح‌سازی از «فمینیسم استعماری» را که به هدف پنهان کردن تناقض‌های اولیه‌ی استعمار و امپریالیسم، و انحراف توجه از خشونت پدرسالارانه و جنسی نهادینه شده در آن‌هاست نفی می‌کنیم.

۷- می‌دانیم که دولت اسرائیل به عنوان پروژه‌ی استعماری و پایگاه امپریالیستی، در برابر گرایش تاریخ به پیشروی به سوی رهائی ایستاده است و بنا بر این رهائی مردم فلسطین نه تنها بازنمای ضربه‌ای سخت به امپریالیسم در هر کجا خواهد بود، بلکه همچنین جهشی پیشرو برای تمامی بشریت است.

۸- هم سنگی دروغین استعمارگر و استعمار شده را رد می‌کنیم، و می‌دانیم که خشونت ستم‌دیدگان، پاسخی است به شرایط آغازین ستم بر آنها، و حمایت می‌کنیم از حق سلب ناشدنی خلق فلسطین برای مقاومت، که در قطعنامه‌ی ۲۴۲۵ سازمان ملل تحت عنوان «مشروعیت مبارزه‌ی مردم برای استقلال، تمامیت سرزمینی، وحدت ملی و رهائی از سلطه‌ی استعماری، آپارتاید و اشغال بیگانه با تمامی ابزارهای موجود» گنجانده شده است.

۹- دروغ پراکنی انتشار یافته توسط دولت اسرائیل، و پیش برده شده توسط قدرت‌های امپریالیستی و متحدان‌شان را که از مردم فلسطین انسانیت‌زدایی کرده، و سوخت رسان جنگ علیه آنهاست و جنایت ستم‌پیشه‌گان را سفیدشویی می‌کند، تقبیح می‌کنیم.

۱۰- ما سکوت یا دوپهلوگویی سازمان‌های مردم‌نهاد و جنبش‌هایی را که از حقوق بشر، جنگ‌افزایی می‌سازند تا حق فردی و جمعی ما برای برخورداری از همیاری، حفاظت، کرامت و همبستگی را مبدل به زرادخانه‌ای سازند که هدف آن دشمنان نظم امپریالیستی است، محکوم می‌کنیم.

۱۱- ما حمایت می‌کنیم از استقلال و حق حاکمیت دولت‌های خط مقدم (مبارزه) و جنبش‌های ضد سیستماتیک منطقه‌ای که آرمان‌های دموکراتیک آنها هم توسط تجاوز ارتش اسرائیل و هم فشارهای ایالات متحده برای عادی‌سازی روابط با دولت اسرائیل محدود شده است.

۱۲- ما ندای مردم فلسطین برای همبستگی را می‌شنویم، در حالیکه مطالبه‌ی آن‌ها در کوتاه مدت به این شرح است:

پایانی فوری برای نسل‌کشی، ارسال فوری کمک‌های بشر دوستانه به غزه و بازگرداندن آب، غذا، سوخت و تجهیزات پزشکی به مردم آن، تحریم نظامی علیه دولت اسرائیل، تحقیق در مورد جنایات علیه بشریت که نمایندگان رژیم اسرائیل و هم‌دستان آنها در سراسر جهان مرتکب شده‌اند، حذف احزاب سیاسی فلسطینی از برنامه‌ی تحریم‌های تروریسم «دفتر کنترل دارایی‌های خارجی» وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، آزادی تمامی زندانیان سیاسی، و اقدام سیاسی قاطع در تمامی سطوح برای پیشبرد این اهداف.

۱۳- ما می‌دانیم که این اهداف فوری ناکافی بوده و خود را متعهد می‌دانیم به حمایت از آرمان‌های دیرینه‌ی مردم فلسطین توسط اقدامات ذیل:

(الف) بر چیدن ساز و کارهای تباری نگاه‌ها، موسسات و دولت‌هایی که استمرار بخش دولت آپارتاید اسرائیلی و ماشین نظامی آن هستند، از طریق اعتصابات و اقدامات مستقیم که تولید کنندگان و تجهیز کنندگان تسلیحات، خدمات دیجیتال، سرویس‌های اطلاعاتی و محصولات مرتبط را هدف می‌گیرند،

(ب) حمایت از حقیقت و مبارزه با نشر آکاذیب و دروغ‌پراکنی که توسط رژیم صهیونیستی و حامیان امپریالیستی آن پیش برده می‌شود، از جمله با افشای جنایات آنها علیه بشریت و پیشبرد آموزش مردمی در باره مبارزه دیرینه برای رهائی ملی فلسطین،

(ج) پیشبرد مبارزه‌ی ضدامپریالیستی و ضداستعماری در سراسر جهان از جمله، با مبارزه با نظامی‌گری غربی در تمامی قاره‌ها،

۱۴- با علم به اینکه مبارزات جمعی ما برای رهائی، در فلسطین با هم تلاقی می‌کنند، متعهد می‌شویم به پاسخ به این فراخوان‌ها برای همبستگی، رضایت می‌دهیم به ارزیابی اقداماتمان در برابر جدیت آرمان‌های آنها، و عهد می‌بندیم که شریان‌های همدستانه را که ستم صهیونیستی بر مردم فلسطین را از نظر نظامی، مالی، فن‌آورانه، و فرهنگی استمرار می‌بخشد مسدود کنیم.

- سندیکای کارگران صنایع فلزی آفریقای جنوبی (...)
- جنبش جوانان فلسطین (بین‌المللی)
- سازمان مبارزه برای توانمندسازی کارگران و دهقانان (هندوستان)

-.....جنبش برای ایجاد دموکراسی در اروپا
- ملت سرخ (بین‌المللی)
- قدرت از آن خلق است (ایتالیا)
- کمیته بین‌المللی سوسیالیست‌های دموکرات (ایالات متحده)

- فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان (...)
- اتحاد سیاهان برای صلح (ایالات متحده)
- زندگی سیاهان نیز مهم است (شاخه بریتانیا)
- اتحادیه کمونارها (وزنولا)

- حزب سوسیالیست انقلابی کارگران (آفریقای جنوبی)
- جنبش مقاومت کشورهای آمریکای لاتین (...)
- جنبش کشاورزان خرده پا (برزیل) (...)
- جنبش کارگران بی‌خانمان (برزیل) (...)
- جنبش کارگران برای دستیابی به مسکن عادلانه (...)
(شیلی)

- جبهه مردمی داریو سانتیان (آرژانتین)
- کنگره روستاییان (کلمبیا)
- اقدام برای فلسطین (ایالات متحده)... ادامه در صفحه ۷

حقی به عنوان حق اشغال وجود ندارد. اسرائیل رژیم اشغالگر است

با وجدان‌ها در... دنباله از صفحه ۶

- حزب حقوق خلق (پاکستان)
- صامدون- شبکه همبستگی با زندانیان فلسطینی (بین‌المللی)
- شبکه‌های ملی گروه‌های کشاورز (تانزانیا)
- جبهه دموکراتیک زنان (پاکستان)
- گروه فمینیست‌های فلسطین (بین‌المللی)
- حزب کمونیست کنیا
- جنبش مترقی کویت
- بنیاد ارتقای اقتصادی و مدیریتی زنان در آفریقا (..)
- اتحاد برای انقلاب (... نیجریه
- مدار سرخ (ایران)
- حزب بورتوبا (مبارزه) (اوکراین)
- نشریه دانش و مردم (ایران)
- خانه آمریکای لاتین (ایران)
- همبستگی با ایران (ایران)
- حزب چپ آزادی‌خواه (شیلی)
- سندیکای متحده کارگران صنعت نفت (... (کلمبیا)
- اقدام سوسیالیستی (لهستان)
- کمون ال مایسال (ونزوئلا)
- کمون پیروزمندان ماروریتا (ونزوئلا)
- جنبش دموکراتیک زنان (اسپانیا)
- دادگاه بین‌المللی مردم علیه امپریالیسم ایالات متحده (بین‌المللی)
- انستیتو سیمون بولیوار
- سازمان حمایت از زندانیان در قفس (... (بریتانیا)
- انجمن مشارکت مردمی خبرنگاران مستقل (ونزوئلا)
- پلاتفرم همبستگی با فلسطین (ونزوئلا)
- بریگاد بین‌المللی کارزار همبستگی (... (ونزوئلا)
- جنبش زنان فلسطین (الکرامه) (ونزوئلا)
- اتحادیه برای حق بازگشت فلسطینی‌ها (العواده) (ونزوئلا)
- جنبش بدیل مسیر انقلاب فلسطین (ونزوئلا)
- حزب نوین‌ساز سوسیالیست ترکیه (...)
- رسانه شهروند (شیلی)
- کانون دفاع از عدالت اجتماعی ماتاهاری (کنیا)
- حزب سوسیالیست‌های انقلابی (مصر)***

جنگ غزه، سازمان گزارشگران بدون مرز به دلیل «جنایات جنگی» علیه خبرنگاران

دیوان کیفری بین‌المللی شکایت کرد

سازمان غیردولتی گزارشگران بدون مرز، روز چهارشنبه ۱ نوامبر (۱۰ آبان)، اعلام کرد که به دلیل «جنایات جنگی» علیه خبرنگاران در جریان جنگ میان اسرائیل و حماس، به دیوان کیفری بین‌المللی شکایت کرده است. بنابر اعلام سازمان گزارشگران بدون مرز، تاکنون ۳۴ خبرنگار از زمان آغاز درگیری‌ها میان اسرائیل و حماس کشته شده‌اند.

دانشجویان در اعتراض به جنایات رژیم صهیونیستی تحصن می‌کنند

دانشجویان دانشگاه‌های تهران در اعتراض به جنایات اسرائیل و بی‌عملی کشورهای جهان از چهارشنبه ۳ آبان تا نماز جمعه ۵ آبان تحصن می‌کنند. به گزارش خبرگزاری مهر، دانشجویان دانشگاه‌های تهران در اعتراض به جنایات اسرائیل و بی‌عملی کشورهای

جهان روزه سیاسی و تحصن ۳ روزه انجام می‌دهند. این تحصن از نماز ظهر و عصر چهارشنبه ۳ آبان تا نماز جمعه ۵ آبان در مسجد دانشگاه تهران برگزار می‌شود. بنابراین گزارش، با حمله هوایی رژیم صهیونیستی به بیمارستان المعمدانی صدها تن از مردمی که به این بیمارستان پناه برده بودند یا برای درمان در آنجا حضور داشتند به شهادت رسیدند. وزارت بهداشت غزه اعلام کرده که تمام شهدا غیرنظامیان بوده‌اند. دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور در روزهای گذشته با برپایی تجمعات مختلف و انتشار بیانیه‌هایی انزجار خود را از جنایات صهیونیست‌ها را نشان دادند.

۲۱ اکتبر ۲۰۲۳

بمباران بیمارستان در غزه و کشتار غیر نظامیان محکوم است

اطلاعیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۷ مهر

دربخشی از این اطلاعیه چنین آمد:

«جنگ خانمان برانداز در غزه در سه شنبه گذشته فاجعه‌ای هولناک به جا گذاشت. هر چند که کماکان جزئیات انفجار در بیمارستان الاهلی غزه مورد مناقشه است، اما وضعیت فاجعه‌بار کنونی در غزه و کشتار مردم بیگناه و بمباران بیمارستان و مناطق غیر نظامی از هر سوی که باشد غیرقابل توجیه و محکوم است.

صدها نفر، از جمله بیماران، کودکان، پرستاران، پزشکان و دیگر کارگران و داوطلبان شاغل در بیمارستان در این انفجار جان خود را از دست دادند. سندیکای کارگران شرکت واحد همصدا با دیگر اتحادیه‌های کارگری در جهان این جنایات را قویا محکوم می‌کند و به بازماندگان این قتل عام تسلیت می‌گوید. مردم فلسطین قربانی همیشگی نزاع‌های سیاسی و زد و بندهای قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقی‌ها بوده‌اند. اما ما به عنوان تشکلات مستقل کارگری در ایران همان‌طور که همواره مورد حمایت بین‌المللی توسط کارگران کشورهای دیگر بوده‌ایم، وظیفه داریم که از کارگران و مردم زحمتکش و مورد ستم در همه جای جهان دفاع کنیم. متأسفانه عده‌ای به خاطر انزجارشان از نظام جمهوری اسلامی و از حماس، چشمشان را به بیش از ۷۰ سال ظلم و ستم نسبت به مردم فلسطین بسته‌اند و گاهی حتی از عملیات نظامی علیه مردم فلسطین و حتی حمله نظامی به ایران حمایت کرده‌اند.

... این حکومت با ما کارگران این کشور همچون دشمن رفتار کرده است. اما هر اندازه انزجار ما از این همه سرکوب و بی‌عدالتی توسط نظام حاکم در کشورمان، نباید ما را نسبت به یک ستم حل نشده و بنیادی در خاورمیانه که یکی از عوامل تشنجات دائمی در منطقه نیز بوده است دچار بی‌مسئولیتی و یا برخوردهای ناشایست کند. مسئله فلسطین پیش از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی و قبل از ایجاد حماس نیز یک نزاع همه‌جانبه و ترازیک در منطقه بود و تا حل نشدن عادلانه‌ی آن با سندهای شفاف و بدون کشت و کشتار کماکان لاینحل باقی خواهد ماند. ما همچون اتحادیه‌های کارگری جهان خواهان آتش بس فوری و پایان دادن به جنگ و محاصره غزه هستیم.....»

جامعه مدنی

زندهار صهیونیسم!

با یورش اخیر حماس به اسرائیل دور تازه‌ای از خونریزی به راه افتاده است. این اولین باری نیست که این زخم باز ۷۵ ساله خونریزی می‌کند و آخرین بار آن هم نخواهد بود. تا زمانی که این زخم باز بماند، تا زمانی که اصل مسئله حل نشده باشد، این ستیزه‌ها نیز ادامه خواهد داشت. اما گویا بسیاری نمی‌خواهند به اصل مسئله، به منشأ این ستم، به این که چه کسی بنیاد این فاجعه را گذارده است توجه کنند، تزویر و فریبکاری بزرگ این است که یورش اخیر حماس و حوادث این چند روزه را از زمینه و متن تاریخی و طبیعی آن، از تاریخچه مسئله فلسطین و از مسیری که منجر به حوادث اخیر شده است جدا می‌کنند؛ مسئله فلسطین و تاریخ فاجعه بار آن را در پشت یورش اخیر حماس پنهان و استتار، و از آنچه در این چند روزه رخ داده است برای تصفیه حساب‌های معوقه سیاسی خود استفاده می‌کنند. کشتن غیر نظامیان و زنان و کودکان بیگناه زشت و نفرت‌انگیز است و کسی نمی‌داند آنچه اسرائیل در این زمینه ادعا می‌کند صحت دارد یا نه، زیرا اسرائیل در این هفتاد ساله همیشه مظلوم نمائی کرده و همیشه به دنیا و افکار عمومی دروغ گفته است. اما آیا اسرائیلی‌ها کم غیر نظامیان و زنان و کودکان فلسطینی را سلاخی کرده‌اند؟ کافی است به حامیان غربی اسرائیل که دچار ضعف حافظه اند، فقط اسامی «دیر یاسین»، «کفر قاسم»، «صبرا» و «شتیلا» و... را یاد آوری کرد. اما کسی به یاد ندارد که غرب در خصوص هیچ یک از آن فجایع هولناک آنگونه که امروز یقه می‌درد واکنش نشان داده باشد، غرب سرمایه داری نسبت به یک نیمه جهان کور و کر است و «یک چشمی» به جهان نگاه می‌کند فقط بخشی از جهان را می‌بیند و می‌شوند، گوئی نیمه دیگر وجود ندارد. همواره تفکر خود را تفکر همه دنیا، مسائل و دغدغه خود را دغدغه همه دنیا و منافع خود را منافع همه دنیا تصور می‌کند. از این رو، در مورد اسرائیل نیز، تنها از دیدگاه منافع خود، و بدون توجه به این که بر سر مردم فلسطین طی این هفتاد ساله چه آمده است، به مسئله برخورد می‌کند. اسرائیل از یک سو برای سرمایه داری غرب نماینده سیاست و منافع آن در منطقه و یک پایگاه بزرگ و قدرتمند نظامی در کنار انبار نفت جهان (خاورمیانه) است و به همین دلیل بدون توجه به سرنوشت فلسطینی‌ها بی قید و شرط از آن حمایت می‌کند. و از سوی دیگر از لحاظ روانی هم چون وجدان جمعی اروپائی‌ها بابت هولوکاست و جنایات فجیعی که در گذشته نسبت به یهودیان مرتکب شده‌اند معذب است، خود را بدهکار اسرائیل احساس می‌کند و توانائی برخورد عادلانه و انسانی با این ماجرا را ندارند. صهیونیست‌ها نیز از این واقعیت آگاهند و هر کس در این هفتاد ساله به فجایع آنان اعتراض کرده، او را با انگ «آنتی سمیتیسیم» مرعوب و ساکت کرده‌اند. حال آنچه صهیونیسم امروز می‌کند، خیانت به میراث و سهم برجسته‌ای است که یهودیان در طول تاریخ در اعتلای فرهنگ و تمدن بشر ادا کرده‌اند. ایکاش ذره‌ای از این همدردی و حمایت بی قید و شرطی را که امروز صدراعظم و وزیر خارجه آلمان نسبت به اسرائیلی‌ها ابراز می‌کنند، هشتاد سال پیش صدراعظم و وزیر خارجه این کشور نسبت به یهودیانی داشتند که در ورشو قتل عام و یا در آشویتس و داخائو تحویل کوره‌های آدم‌سوزی شدند (گاز سیکلون B مورد ... ادامه در صفحه ۸

حقی به عنوان حق حیات و بقا صهیونیسم تا روز قیامت وجود ندارد. صهیونیسم باید نابود شود!

با وجدان‌ها در... دنباله از صفحه ۷

استفاده در اردوگاه‌های مرگ آلمان را همین BASF، غول امروزی صنایع شیمیایی آلمان تولید می‌کرد. اما نگاه دیگری هم غیر از نگاه غرب سرمایه‌داری وجود دارد؛ اصل مسئله این است که سرزمین آبا و اجدادی مردمی را با ترور، ارباب و کشت و کشتار اشغال، شهرها و روستاهایشان را با دینامیت منفجر و ویران، خانه‌هایشان را بر سرشان خراب و خود آنها را آواره کرده‌اند، و کسانی را هم که مانده‌اند در سرزمین خودشان به بند کشیده و آزار و شکنجه می‌کنند، و در همان حال در برابر افکار عمومی جهان هم مظلوم‌نمایی می‌کنند. هر تلس - بنیان‌گذار جنبش صهیونیستی - در کتاب خود «دولت یهود» به پیروان خود رهنمود می‌دهد که «در میان این جانوران بمب منفجر کنید» و پیروان او حقیقتاً طی هفتاد سال این توصیه را کاملاً اجرا کرده‌اند.

ارسکین چیلدرز، نویسنده انگلیسی در رساله تحقیقی و مستند خود «خروجی دیگر» که در سال ۶۱ در هفته‌نامه Spectator منتشر شد در باره قتل عام دیر یاسین می‌نویسد: «بیش از ۲۵۰۰۰۰ تن از زن، مرد و کودک به وسیله افراد سازمان صهیونیستی «ایرگون» از روی خودسری غارت و قتل عام شده، دست و پاهایشان را بریدند یا در چاه ریخته شدند. درست چهار روز قبل از حمله هاگانا «ایرگون» به ارباب تجمعات شهری اخطار کرد که تیغوس، وب، و بیماری‌های مشابه آنها در ماه‌های آوریل و مه با شدت و دامنه وسیع در بین آنان شیوع پیدا خواهد کرد. نتیجه را می‌توان حدس زد. دو هفته بعد همین ایرگون که ظاهراً تا این حد برای رفاه ارباب دلسوزی می‌کرد - بود که دیر یاسین را سلاخی کرد. سپس ایرگون یک مصاحبه مطبوعاتی ترتیب داد تا از آنچه کرده بود همه را مطلع کند، و سایر اسرای عرب را در محله‌های یهودی نشین اورشلیم حرکت داد تا به صورت آنان آب دهان بیاندازند. آنگاه آنان را آزاد کرد تا آنچه بر سرشان آمده بود برای خویشان و نزدیکان خود نیز باز گویند و جریان کاملاً شایع شود. «آرتور کستلر «حمام خون» دی یاسین را عامل قطعی روانی این خروج چشمگیر نامیده است. او در کتاب خود می‌نویسد که وایت‌های حامل بلندگوی سازمان «هاگانا» و رادیوی هاگانا قول می‌دادند که ارباب - آن شهر - حقیقتاً تا رسیدن به قلمرو ارباب اسکورت و محافظت می‌کنند و به عواقب وحشتناکی که در صورت نادیده گرفتن اخطارهای آنها به بار می‌آید اشاره می‌کردند. شهود بسیار دیگری وجود دارند که این روش استفاده از بلندگو را در نقاط دیگر نیز دیده‌اند، در اورشلیم اخطاری که به زبان عربی از بلندگوها پخش می‌شد این بود که «راه جریشو باز است، قبل از آن که همه شما کشته شوید از اورشلیم فرار کنید و افسری که مستقیماً عهده دار و مسئول این جریان بوده است موشه دیان فرمانده حمله ۱۹۵۶ سینا و وزیر جنگ اسرائیل در زمان جنگ ۱۹۶۷ ارباب و اسرائیل بود. مورد دیگری جان و دیوید کیم چی نویسنده کتاب (Secret Roads London ۱۹۵۵) شرح می‌دهند که چگونه «در روز یازدهم ژوئیه ۱۹۴۸ دیان با نیروهای تحت فرماندهی خود با سرعت تمام به «لیدا» رانده شهر را به گلوله بست و اغتشاش و تشنج و ترور و وحشت بین سکنه آن ایجاد کرد. ۳۰۰۰۰ نفر سکنه عرب این شهر یا از شهر گریختند و یا در جاده لیدا به «وام الله» دسته دسته جمع شده بودند. روز بعد «رمله» نیز تسلیم شد و

سکنه عرب آن دچار همین سرنوشت شدند. هر دو شهر بوسیله نیروهای اسرائیلی غارت شد. اینها نمونه‌هایی است از چگونگی اشغال و استعمار صهیونیستی فلسطین که هفتاد سال است موجب دردبری، فقر، بی‌خانمانی و مرگ و میر توده‌های سکنه بومی این سرزمین بوده است. نقطه جنبش صهیونیستی و مولد آن (دولت اسرائیل) در همین عمر هفتاد و چند ساله خود همواره بر همین مبانی عمل و رفتار کرده است. تروریسم صهیونیستی فقط علیه ارباب اعمال نشده است. اسناد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد خود یهودیان هم قربانی آن بوده‌اند، زیرا صهیونیست‌ها می‌خواستند از این طریق آنان را مجبور به ترک موطن اصلی خود و مهاجرت به فلسطین کنند. هر کس در مورد تروریسم جنبش صهیونیستی و دولت اسرائیل تردید دارد کافی است تاریخچه شکل‌گیری و فعالیت سازمان‌های هاگانا، ایرگون و بعداً انشعاب و بیرون آمدن سازمان تروریستی لهی (اشترن) از بطن ایرگون را مرور کند: کار این سازمان‌ها منفجر کردن پل‌ها، راه آهن‌ها و کشتی‌ها، کشتار جمعی سکنه بومی و غیرنظامی فلسطین و ترور شخصیت‌های سیاسی مختلف بوده است. لهی که بنیانگذاران آن علناً ایتالیایی فاشیست و آلمان نازی بوده‌اند حتی به خود مهاجران یهودی هم رحم نکرد و برای جلوگیری از بازگشت این مهاجران و ارباب دیگران، کشتی «پاتریا» را که در راه بازگشت از بندر حیفا به طرف جزیره ماوریکا در حرکت بود، همراه با همه سرنشینان آن را منفجر کرد.

ترور لرد موین - وزیر بریتانیایی خاورمیانه در دوره قیمومت، انفجار هتل گینگ دیوید، ترور کنت فولک برنادوت رئیس سازمان صلیب سرخ سوئد، قتل عام دیر یاسین که در آن تمامی سکنه عرب این روستا از جمله زنان و کودکان را سلاخی کردند، از اقدامات آن است. از ترور اسحاق رابین، نخست‌وزیر خود اسرائیل در خود این کشور موردی آشکارتر می‌توان ذکر کرد؟ سازمان ملل و حتی آمریکا و انگلیس حامیان و متحدان اسرائیل هم ایرگون را یک سازمان تروریستی اعلام کردند، آلبرت آشتاین که خود یک یهودی بود در سال ۱۹۴۸ در نامه‌ای به روزنامه نیویورک تایمز ایرگون و خلف آن، هروت را «مشابه احزاب نازی و فاشیست و یک حزب تروریستی، دست راستی و شوونیستی» می‌نامد. هروت که خود از بطن ایرگون بیرون آمد، سلف حزب لیکود فعلی است و مناخیم بگین وزیر و نخست‌وزیر پیشین و تروریست اسبق از اعضای سرشناس آن است. نژادپرستی نیز با طبیعت ایدئولوژی صهیونیستی و دولت اسرائیل عجین است و داستان «نژاد برگزیده خدا» داستانی نیست که کسی از آن اطلاع نداشته باشد، این اگر نژاد پرستی نیست، پس نژاد پرستی چیست؟ در زمینه توسعه طلبی ارضی، اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که هدف صهیونیسم از همان ابتدا و پیش از تشکیل دولت اسرائیل، تصرف تمامی فلسطین و مناطقی از سوریه، اردن و لبنان بوده است که خود آن را Eretz Israel می‌نامند و از ابتدا به آن چشم طمع دوخته بوده‌اند، اگر چه در عرصه عمومی و علنی همیشه این موضوع را انکار کرده‌اند تا زمان کافی برای تدارک نیرو داشته باشند و در فرصت مناسب آن را عملی سازند. روش خاص رفتاری دولت اسرائیل به قول فائز سائق، همیشه این بوده است که آنچه را در مقاطع معین بدست آورده، ایستگاه‌های موقتی در مسیر رسیدن به این هدف تلقی کرده، نه مقصد

نهائی؛ و برای رهبران صهیونیست هم اهمیتی ندارد که در برابر کشورهای همسایه و یا مراجع بین‌المللی چه تعهدات و تضمیناتی خلاف این را سپرده باشند. کافی است نقشه اسرائیل را در زمان تأسیس این کشور و قبل از آن با نقشه امروز آن مقایسه کنید تا تصویر روشنی از این سیر بدست آورید. وعده توراتی «از نیل تا فرات» هنوز هم ذهن و ضمیر رهبران جنبش صهیونیستی را در تسخیر خود دارد. آنان ابتدا مهاجرین را به فلسطین سرازیر کردند و سازمان‌های تروریستی هاگانا، ایرگون و اشتون (لبی) با وحشت و ترور و قتل عام بخشی از فلسطینی‌ها را از شهرها و روستاهایی که در آنجا زندگی می‌کردند، بیرون راندند و خود جای آنها را گرفتند تا سازمان ملل را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند. در سال ۴۸ و اوائل ۴۹ تنها چند ماه پس از آن که به مجمع عمومی ملل متحد اطمینان دادند که به سرزمین‌هایی که در طرح تقسیم فلسطین به «دولت یهودی» پیشنهادی داده شده است راضی و به این طرح پای بند هستند، مناطق دیگری را اشغال کردند که در طرح مزبور به آنها داده نشده بود. در جریان بحران کانال سوئز در سال ۱۹۵۶ که بریتانیا، فرانسه و اسرائیل به مصر حمله نظامی کردند در حالی که ارتش مصر برای دفاع از این کشور با نیروهای انگلیسی و فرانسوی درگیر بود، شریک صهیونیستی ائتلاف با استفاده از این فرصت توانست نوار غزه و بخش‌هایی از صحرای سینا را اشغال کند. طی چهار ماه بعدی اسرائیل همواره در برابر درخواست‌های مکرر ملل متحد برای عقب‌نشینی از سرزمین‌های اشغالی در زمان این جنگ با این ادعا که سرزمین‌های مصری و فلسطینی اشغال شده بخشی از «سرزمین موعود» تاریخی صهیونیسم و «میراث ملی» آنها است از تخلیه آنها خودداری می‌کردند. تخلیه بعدی این سرزمین‌ها هم نتیجه فشار بین‌المللی و عدم امکان عملی نگهداری آنها بود. طی جنگ شش روزه ۱۹۷۶ اسرائیل صحرای سینا، نوار غزه، کرانه باختری رود اردن و بلندی‌های جولان را اشغال کرد که بعداً مجبور شد صحرای سینا، نوار غزه و کشتزارهای شبع را تخلیه کند ولی بلندی‌های جولان هنوز در اشغال آن است. و امروز، با کشتار و ویرانی وسیعی که در نوار غزه به راه انداخته، برای حمله به این منطقه دندان تیز کرده است. آیا این همه افراد غیرنظامی و زنان و کودکان بی‌گناهی که طی روزهای اخیر در حملات هوایی بی‌وقفه اسرائیل در نوار غزه کشته می‌شوند، همه عضو حماس یا جهاد اسلامی هستند؟ آیا این ویرانه‌هایی که در اخبار مشاهده می‌کنیم همه دفاتر و پایگاه‌های حماس بوده است؟ فقط تا سومین روز این حملات هوایی اسرائیل ۴۵۰ کودک در غزه کشته و نیم میلیون نفر آواره شده‌اند. فقط در یک شب اسرائیل ۲۰۰ حمله هوایی کور به غزه کرده است. اما تاریخ داوری بی‌خطا و بی‌گذشت است. نه عوام بی‌مایه و ساده لوحی که قربانی تبلیغات اسرائیلی‌ها هستند، نه آن جیره‌خواران «قلم به مزد» و «زبان به مزدی» که در رسانه‌های امپریالیستی از مظلومیت و حقانیت اسرائیل دم می‌زنند، نه رسانه‌ها و بوق‌های تبلیغاتی اسرائیلی که از بام تا شام به پخش رجز خوانی‌های ناتانیاو، وزیر دفاع (!) او و سخنگوی ارتش اسرائیل مشغولند، و نه حتی امپریالیست‌های حامی اسرائیل در آینده بلند مدت، هیچ یک تضمین آینده این کشور نخواهند بود. اسرائیل در منطقه کوچکی در محاصره بیش از صد میلیون عرب قرار دارد. حکام ... ادامه در صفحه ۹

مرگ بر نژاد پرستی!

با وجدان‌ها در... دنباله از صفحه ۸

خود کامه منطقه و سران مرتجع و وابسته کشورهای عربی بر قلّه آتش فشان هائی نشسته‌اند که دیر یا زود فوران خواهند کرد، اما قداره بندان ابله تاریخ کم‌تر از گذشته عبرت گرفته‌اند.

ناصر زرافشان - سه شنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۲

«۲۷ اکتبر ۲۰۲۳»

فراخوان

بیش از ۷۰۰ نفر از هنرمندان سینما، تئاتر، نویسندگان، کارگزاران، راداران، هنرپیشه‌ها، و غیره... در سوئد خواهان آتش بس فوری در غزه شدند

UPPROP FÖR ELDUPPHÖR I GAZA

[/https://uppropforgaza.blogg.se](https://uppropforgaza.blogg.se)

در حال حاضر، نقض وحشیانه حقوق بشر در غزه در جریان است.

ما شاهد یک فاجعه انسانی هستیم. اسرائیل بیش‌تر غزه را به آوار تبدیل کرده و دسترسی بیش از ۲ میلیون فلسطینی به آب، برق، غذا و دارو را قطع نموده است.

همان‌طور که مارتین گریفیتر هماهنگ‌کننده سازمان ملل می‌گوید: شبخ مرگ بر این منطقه سنگینی می‌کند. غزه در حال حاضر عمدتاً پر از پناهندگان و فرزندان پناهندگان است.

اکنون این پناهندگان از همه طرف بمباران می‌شوند: هوا، دریا و زمین. فلسطینی‌ها که پدر بزرگ و مادر بزرگشان با زور اسلحه مجبور به ترک خانه‌هایشان شده‌اند، بار دیگر با اولتیماتوم مواجه می‌شوند: فرار کنند یا به شیوه‌هایی غیرقابل تصور مجازات شوند.

آنها از حقوق خود محروم هستند و توسط دولت اسرائیل «حیوانات انسان نما» خوانده می‌شوند. این شرایط غیر انسانی و مصیبت‌بار ما بر آن می‌دارد که فوراً اقدام کنیم هر کاری از دستان برمی‌آید انجام دهیم..

دولت‌های اروپایی نه تنها این جنگ را تحمل می‌کنند، بلکه از آن حمایت نیز می‌کنند. دولت سوئد اخیراً تمام کمک‌های توسعه‌ای امدادی را که بر جمعیت غیرنظامی فلسطین اندکی تأثیر می‌گذارد، متوقف کرده است.

ما هرگونه خشونت علیه غیرنظامیان و

هرگونه نقض قوانین بین‌المللی را بدون توجه به اینکه چه کسی آن را انجام می‌دهد، محکوم می‌کنیم. این وظیفه ماست که هر کاری می‌توانیم انجام دهیم تا خشونت وحشیانه علیه مردم غزه متوقف شود.

ما پشت جنبش جهانی علیه ویرانی غزه و آوارگی ساکنان آن هستیم.

ما خواستار توقف فوری حمایت نظامی، سیاسی و مالی از اقدامات اسرائیل هستیم.

ما خواستار آتش‌بس فوری هستیم و می‌خواهیم مرزهای غزه باز شود تا کمک‌های بشردوستانه بدون مانع در اختیار مردم قرار گیرد.

ترجمه و تکثیر از فعالین حزب کار ایران (توفان) سوئد»

۲۹ اکتبر ۲۰۲۳

فراخوان صدها نفر از کنشگران مدنی ایرانی برای آتش‌بس بی‌درنگ در جنگ غزه!

فراخوان کنشگران مدنی

صدها نفر از کنشگران مدنی ایرانی از شورای امنیت

سازمان ملل و مسئولین همه دولت‌های جهان خواسته‌اند برای استقرار بی‌درنگ آتش‌بس در غزه که آن را مهم‌ترین نیاز جهان برای نجات جان بیش از دو میلیون تن ساکنین نوار غزه می‌دانند، اقدام کنند. این فراخوان پس از ترجمه به مقامات سازمان ملل و پارلمان کشورهای اروپایی تسلیم خواهد شد. هماهنگ‌کنندگان این فراخوان از علاقمندان به افزودن امضای‌شان خواسته‌اند، نام کامل خود را به نشانی baraye.solh@gmail.com بفرستند.

ما امضاکنندگان این متن، برقراری بی‌درنگ آتش‌بس در غزه را مهم‌ترین نیاز جهان در این لحظات می‌دانیم و از شورای امنیت سازمان ملل متحد و همه دولت‌ها می‌خواهیم با تمام توان خود در این راه بکوشند.

بخاطر حجم گسترده امضاها امکان درج آن در این صفحه مقدور نیست.

برقراری بی‌درنگ آتش‌بس و قطع بمباران!

۲۱ اکتبر ۲۰۲۳

بیانیه ۱۶۰ امضائی

فعلان سیاسی و مدنی خارج و داخل ایران در محکومیت بمباران غزه توسط اسرائیل

با آغاز بمباران غزه توسط ارتش اسرائیل، نزدیک به ۱۶۰ فعال سیاسی و مدنی خارج و شماری نیز داخل کشور در بیانیه مشترکی این جنایت را محکوم کردند. بخش‌هایی از این بیانیه که طولانی و بیش‌تر شبیه یک مقاله است تا بیانیه سیاسی، در یکی از روزنامه‌های ایران نیز با حذف نام امضاء کنندگان آن منتشر شده است. حذف اسامی امضاء کنندگان، این بیانیه را بیش از پیش شبیه مقاله‌هایی کرد که با محتوایی مشابه در ۸ روز گذشته در مطبوعات ایران منتشر شده است و از این نظر حرف تازه‌ای زده نشده است. مهم انتشار نام امضاء کنندگان بود که می‌توانست مرز مصنوعی میان مهاجرین سیاسی غیربرانداز را با فعالان سیاسی و مدنی داخل کشور از میان بردارد که چنین نشده است. ما نمی‌دانیم، آن روزنامه داخل کشور به سلیقه خود چنین اقدامی کرده و یا بر اثر بیم از واکنش‌های امنیتی حکومت اسامی را حذف کرده است. ضمن آنکه خلاصه کردن بیانیه مقاله‌گونه، توسط آن روزنامه را اقدامی حرفه‌ای در چارچوب کار روزنامه نگاری می‌دانیم.

در این بیانیه آمده است:

«ما، با امضای بیانیه زیر، خواهان اعمال فشار همه انسان‌های صلح‌طلب و آزادیخواه ایران و جهان بر رژیم جنایتکار اسرائیل، دولت‌های غربی حامی آن، و به کارگیری کلیه تمهیدات لازم برای اجرای فوری خواسته‌های زیر هستیم:

الزام دولت آمریکا و هم‌پیمانانش به توقف حمایت‌های سیاسی و نظامی از رژیم کودک‌کش و اجبار رژیم آپارتاید به توقف آبی جنایاتش در سراسر خاک فلسطین و به ویژه در باریکه غزه؛

لغو فوری محاصره و تحریم‌های اعمال شده علیه باریکه غزه (این "بزرگترین زندان رویان جهان")

رسیدگی عاجل به نیازهای پزشکی درمانی ساکنان باریکه غزه؛

خاتمه دادن به قطع آب و برق باریکه غزه و بازسازی فوری تأسیسات و زیرساخت‌های لازم برای تأمین آب، برق، مخابرات، و بازسازی فوری مناطق مسکونی، مدارس

و دانشگاه‌ها؛

بررسی جنایات جنگی رژیم اشغالگر در محاکم صالحه بین‌المللی؛

فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای تأسیس هرچه سریع‌تر کشور مستقل و آزاد فلسطین، و پذیرش حق ملت فلسطین برای تعیین سرنوشت و مقدرات خود.

چهارشنبه ۲۶ مهرماه ۱۴۰۲ / ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳

«بیانیه پس از ذکر تاریخ بالا که پایان بیانیه را القاء میکند، چنین ادامه پیدا می‌کند:

سوابق تاریخی، ریشه‌ها و علل دور تسلسل "جنایات اسرائیل - خیزش‌ها و مقاومت ملت فلسطین - جنایات اسرائیل":

الف) ماهیت رابطه آمریکا و اسرائیل

به اذعان عالی‌رتبه‌ترین مسئولان ایالات متحده، اسرائیل سرمایه‌گذاری آمریکا در خاورمیانه و رابطه آمریکا و اسرائیل از ابتدا رابطه موکل (آمریکا) و وکیل (اسرائیل) برای مأموریتی در خاورمیانه بوده و فلسفه وجودی اسرائیل در کارگزاری امپریالیسم آمریکا و تأمین منافع آن در خاورمیانه خلاصه شده است. اما با پیچیده‌تر شدن تدریجی رابطه این دو، شاهد پدیده‌ی درهم تنیدگی آمریکا و اسرائیل و شکل‌گیری همبافتۀ USrael و رئیس و مرئوس متقابل آنها هستیم. بدین ترتیب، در تمامی دوران شکل‌گیری این همبافتۀ امپریالیسم آمریکا در کلیه جنایات هولناک رژیم آپارتاید مسئولیت کامل دارد.

(یادداشت ۱ پیوست)

ب) چرایی عدم تمکین اسرائیل به قطعنامه‌های سازمان ملل و قوانین بین‌المللی

عدم تمکین رژیم اشغالگر به هیچ‌یک از قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل و قوانین بین‌المللی و به تمسخر گرفتن یکایک معاهده‌های صلح («پیمان صلح کمپ دیوید»، «پیمان‌های صلح اسلو ۱ و اسلو ۲») ناشی از اتکا و پشت‌گرمی آن رژیم به پدیده‌ی درهم تنیدگی امپریالیسم آمریکا و رژیم آپارتاید اشغالگر است.

ج) ماهیت شهرک‌های مستعمراتی مجاور مرز غزه

احداث شهرک‌های مستعمراتی مجاور باریکه غزه در نقض آشکار و گستاخانه قوانین مصرح بین‌المللی و با بی‌اعتنایی کامل به قطعنامه‌های سازمان ملل به این منظور صورت گرفته که رژیم اشغالگر، با تسلیح و اسکان راست‌گراترین بخش‌های جامعه مهاجر، هم ساکنان فلسطینی باریکه غزه (این «بزرگ‌ترین زندان رویان جهان») و هم اقلیت فلسطینی حواشی این شهرک‌ها را به طور دائم در معرض تهدید و حرکات ایندایی جنون‌بار و تحقیرآمیز شهرک‌نشینان مسلح نگه دارد، تداوم اشغالگری را تسهیل و پایه‌های آن را مستحکم کند، و مناطق غضب‌شده را مستمراً گسترش دهد. شهرک‌نشینان فاشیست مسلک گرچه به صورت یک روال و با حمایت دولت، با آرامش خاطر و وجدانی آسوده به خشونت‌های فجیع و اقلیت‌کشی دست می‌زنند، اما هیچ‌گاه در عرصه بین‌المللی مورد مواخذه قرار نگرفته‌اند و در اسرائیل نیز از مصونیت حقوقی برخوردار بوده‌اند (یادداشت ۲ پیوست).

د) چرایی عملیات «توفان الاقصی»

به علل فوق، عملیات اخیر مبارزان جنبش حماس اقدامی منطبق بر قوانین بین‌المللی و قطعنامه‌های ۳۳۱۴ (سال ۱۹۷۴) و ۳۷/۴۳ (سال ۱۹۸۲) مجمع عمومی سازمان ملل در جهت رفع ... ادامه در صفحه ۱۰

نابود باد یهودی ستیزی!

با وجدان‌ها در... دنباله از صفحه ۹

اشغال، مبارزه با تروریسم دولتی اسرائیل و احقاق حقوق پایمال‌شده ملت فلسطین است. (یادداشت ۳ پیوست). عملیات مبارزان حماس تبلور انفجار نزدیک به هشت دهه خشم فروخورده یک ملت زندانی، محروم از همه حقوق انسانی و پیوسته تحقیر شده است. با نگاهی دیالکتیکی، اشغال همواره مقاومتی را برمی‌انگیزد. و مسئولیت اقدامات جنیش مقاومت با اشغالگران است. ماده ۲ «اعلامیه حقوق بشر و شهروندی، مصوب ۲۶ اوت ۱۷۸۹» تصریح می‌کند که مقاومت در برابر ظلم یک حق اساسی است. حتی در دوران «آتش‌بس»، زندگی در باریکه غزه ۳۶۴ کیلومتری برای دو میلیون سیصد هزار تن سکنه آن (بیشترین میزان تراکم جمعیت در جهان) بی‌اندازه طاقت‌فرسا، پر رنج و محنت، و گاه مرگبار بوده است، در حدی که معنای واقعی «زندگی» در غزه، حتی در روزهای «آرام»، مرگ تدریجی است (یادداشت ۴ پیوست).

ه) وضعیت غزه پس از عملیات «طوفان الاقصی» قطع آب، برق و مخابرات، جلوگیری از رسیدن غذا و دارو و بمباران‌های سنگین و بی‌وقفه غزه، و حتی بمباران آمبولانس‌ها و مراکز امدادسانی، بمباران مکرر بیمارستان‌ها (از جمله مراکز پزشکی سازمان ملل و صلیب سرخ و کشتار تیم‌های شاغل، و در تاریخ ۲۵ مهر ۱۷/۱۴۰۲ اکتبر ۲۰۲۳ بمباران بیمارستان المعمدانی با قتل بیش از هزار تن و مدفون شدن صدها تن در زیر آوار، و سپس حمله هوایی ثانوی به امدادگرانی که در حال بیرون آوردن زنان و کودکان از زیر آوار بودند)، استفاده مکرر از بمب‌های ممنوعه فسفری، بمباران و ویرانی ۱۸ مدرسه، وارد آوردن خسارت به ۱۵۰ مدرسه دیگر و قتل ۱۲۷ معلم فقط در فاصله ده روزه ۱۵-۲۵ مهرماه، کشتار کودکان، خبرنگاران، و تبدیل غزه به ویرانه‌ای انباشته از اجساد آبا چیزی جز «قتل‌عام اسرا» در این «بزرگ‌ترین زندان روباز جهان» و جنایت جنگی است؟ و آیا سکوت مرگبار «جامعه جهانی» در قبال این جنایات جنگی مداوم جز به مفهوم تایید این جنایات است؟ به گزارش «کمیته بین‌المللی صلیب سرخ»، قطع آب و برق توسط رژیم اشغالگر بیمارستان‌های غزه را به محلی صرفاً برای نگهداری اجساد تبدیل کرده است. «کمیته بین‌المللی نجات» نیز اعلام کرده است که «ما در مورد عواقب فاجعه‌بار انسانی در صورت ادامه خشونت هشدار می‌دهیم و خواستار احترام به قوانین بین‌المللی بشردوستانه هستیم». رژیم اشغالگر به ۲/۲ میلیون انسان ساکن «بزرگ‌ترین زندان روباز جهان» اختطار می‌کند که برای فرار ۲۴ ساعت مهلت دارند، در حالی که غزه زندانی است بدون هیچ مفری. رژیم کودک‌کش به یک میلیون و اندی ساکنان شمال باریکه اختطار می‌کند برای نجات جان خود به سمت جنوب فرار کنند؛ سپس کاروان زنان، کودکان و سالخوردهگان راهی جنوب را بمباران می‌کند. مقامات رژیم آپارتاید، یکی پس از دیگری، با بی‌شرمی بر بی‌اهمیت بودن جان غیرنظامیان فلسطینی تاکید می‌کنند. فاشیسم پنهان اسرائیل-غرب برای بیش از ۲/۲ میلیون انسان ساکن باریکه غزه دو راه پیش‌تر باقی نگذاشته است: یا تسلیم محض، بردگی و مرگ تدریجی در این «بزرگ‌ترین زندان روباز جهان»، یا مرگ آتی در اثر ترورها و زیر بارش بی‌وقفه بمب‌های ممنوعه فسفری. وزیر دارایی اسرائیل به‌صراحت می‌گوید: «فلسطینی‌ها فقط سه گزینه دارند: یا مهاجرت کنند؛ یا زندگی تحت

انقیاد اسرائیلی‌ها را بپذیرند، یا بمیرند». صهیونیست‌ها، افزون بر غصب زمین‌های فلسطینیان، زندگی آنها را هم غصب کردند. اما حتی اگر اسرائیل حماس را از بین ببرد، بی‌تردید حماس دیگری از جانی دیگر متولد خواهد شد. در این میان، نقش رسانه‌های «شمال» جهانی طبق روال همیشگی بسیار مخرب بوده است. این رسانه‌ها، همسو با امپریالیسم نقش‌آفرینی و با ارائه گزارش‌های غیرواقعی و تبلیغاتی یک‌جانبه و دروغین، و عوض کردن جای ظالم و مظلوم در این نبرد مطلقاً نابرابر، افکار عمومی را در سطح جهان فریفته‌اند - حال آنکه در جنایات هرروزه صهیونیست‌ها - هدف قرار دادن کودکان، پرستاران و خبرنگاران (یادداشت ۵ پیوست) - دوربین‌ها و میکروفون‌های رسانه‌های «شمال» جهانی همواره عامل‌دانه غایب بود.

و) تروریسم مدرن خاستگاه و ابزار ادامه حیات اسرائیل عملیات تروریستی تشکیلاتی نظیر ایرگون، اشترن، و هاگانا برای هراس‌افکنی و فراری دادن فلسطینیان مهمان‌نواز و پناه دهنده زمینه‌ساز تاسیس اسرائیل بوده و تروریسم مدرن با نام اسرائیل گره خورده است. اما عملیات تروریستی صهیونیست‌ها با تشکیل دولت اسرائیل متوقف نمی‌شود و به شکل تروریسم دولتی با ترور فلسطینیان و غیر فلسطینیان مستمرا ادامه یافته است. این اقدامات تروریستی ابزار و محصول ذهنیت بیمار و ایدئولوژی فاشیستی صهیونیسم است (یادداشت ۶ پیوست). با این پیش‌زمینه، اسرائیل که مساحت کنونی آن بیش از ۳ برابر اراضی تعیین شده در قطعنامه سازمان ملل برای تاسیس کشور یهود است مطلقاً قصد عقب‌نشینی از سرزمین‌های فلسطینی غصب شده در سال ۱۹۴۷ و بلندی‌های جولان سوریه و کشتزارهای شیعی لبنان را ندارد زیرا این «کشور» تبلور خرافات افراطی، افسانه‌های کهنه، و نژادپرستی مرگبار کسانی است که خود را «قوم برگزیده» تلقی می‌کنند و تا تحقق وعده‌های خرافی مرتبط، و دست یافتن به اهداف فاشیستی صهیونیسم بین‌الملل، قصد توقف توسعه‌طلبی‌ها «از نیل تا فرات» و تحقق رویای «اسرائیل بزرگ» را ندارند. درواقع، این توسعه‌طلبی‌ها با روی کار آمدن دولت جدید راست افراطی ائتلافی نتانیاهو شدت گرفته است (مورخ اسرائیلی، شلومو سند در کتاب «اختراع قوم یهود» به جلیلیات تاریخ‌سازان می‌پردازد) این در حالی است که جهان در حال گذار و آبستن حوادثی بطنی و زایش «نو» است - زایشی که با دردهایی همراه است. اصرار بر ادامه روند شکست‌خورده گذشته از سوی اسرائیل، ایالات متحده و بلوک غرب بشریت را تهدید می‌کند. حوادث اخیر فلسطین را نمی‌توان جدای از این پروسه ارزیابی کرد.

ح) وظیفه حامیان صلح و عدالت با شهادت یک تن در هر ۵ دقیقه و قربانی شدن روزی ۹۰ کودک به طور میانگین در اثر بمباران‌های بی‌وقفه باریکه غزه (بیش از ۴۰۰۰ تن فقط تا تاریخ ۲۳ مهرماه)، نجات جان بیش از دو میلیون و دویست هزار انسان بی‌پناه و زندانی در غزه نیازمند اقدام فوری است. مسئولیت جمعی ما حمایت از انسان‌های بی‌پناهی است که نسل به نسل در حال ذبح شدن هستند. برای این مهم، و پیشگیری از استمرار قربانی شدن انسان و انسانیت، فردا دیر و هر ساعت حیاتی است. اگر نظام سلطه هزینه مظالم امپراتوری‌های اروپا در حق یهودیان را بی‌رحمانه به پای

ملت فلسطین نوشت، اکنون پس از ۷۵ سال، وقت جبران مافات و احقاق حقوق ملت بی‌پناه و مظلوم فلسطین فرا رسیده است. جهت پیشگیری از عواقب فاجعه‌بار انسانی ناشی از ادامه خشونت‌ها، اقدام فوری، قاطع و جمعی نمایندگان همه ملت‌ها، سازمان‌ها، و تشکلات مردمی، احزاب سیاسی، فعالان صلح‌طلب و پیروان آیین‌ها و ادیان گوناگون - به ویژه یهودیان ضد صهیونیسم - به منظور تداوم تظاهرات گسترده و طیف گسترده‌ای از اقدامات (ازجمله نوشتن نامه، مکالمه تلفنی و مراجعه به نمایندگان مجلس در همه کشورها) در حمایت از ملت مظلوم و بی‌پناه فلسطین و محکومیت زنجیره بی‌پایان نسل‌کشی‌های رژیم کودک‌کش صهیونیستی و اعمال فشار و به‌کارگیری هرگونه تمهیدات برای اجرای خواسته‌های مصرحه در ابتدای بیانیه ضرورت حیاتی دارد. به ۷۵ سال اشغال گری رژیم آپارتاید باید پایان داد! نسل‌کشی ملت بی‌پناه فلسطین را متوقف کنید! شهرک‌های مستعمراتی اسرائیل باید برجسته شود! لغو فوری محاصره و تحریم‌های اعمال شده علیه باریکه غزه خواست همه ما است.

(مطالعه اطلاعات تکمیلی "پیوست بیانیه" توصیه می‌شود)

اسامی امضاکنندگان اولیه بیانیه

بهمن آزاد، مرضیه آذرفرا، ترانه آذین، محمدکاظم آذین، نادرآقایی، امید ابراهیمی، داوود ابراهیمی، حسن ابریشمی، مصطفی احمدی، مرژان احمدیه، نادیا ادیبی، محسن اسداللهی، کاوه اعتمادزاده، کمال اطهری، مسعود امید، عالیه امیری، ثریا اردلان، دانیال ایمانی، امیرهوشنگ اطیابی، فریوش اعتمادی، علی امیرنیا، وهومنا امیری، دنا باباحمدی، خسرو باقری، رستم باقری، جمشید بامیری، علی اوسط بهاری، دوستعلی بهزادی، سامان بهزادی، حمید بهشتی، علی اکبر بهمنش، داریوش پارسا، همایون پارسا، علی پورآزادی، کامران پورصفر، مهرداد تقوی، محمدتقی تقی زاده، زهره تنکابنی، مهناز تنکابنی، فرخ توانا، شیرین تولانی، علی جابری، نوشین حاتمی، اسدالله حسین زاده بحرینی، مرجانه حق پسند، محمد حقیقت، نادرخدادادی، بهروزخرم، بهاره خرم، کاوه خوشرو صفا، علی دادبخش، دینا دانش، رقیه دانشگری، ایرج رشیدی، حسام روحانی، فرهاد روحی، نگار روئینیان، امیر رها، ناهید زمانی، مهرداد زنجانی، نسیم زنده، رامان ساعد، داریوش سجادی، سعید سعادت، بهمن سعیدی، سیامک سلطانی، علیرضا (طاه) سلیمی شریعتی، آرزو سلیمانی، مهوش سلیمانی، پروین شرابی، مازیارشکوری، گوهرشمیرانی، فرزانه شهابی، فرنازشهابی، مهرداد (خلیل) شهابی، مهرناز شهابی، حمید شهبازی، مهدی شهرتی، منوچهرشهرکی، صادق شیردل، ابراهیم شیری، رضا شیعه یان، اسفندیار صادق زاده، زری صدرنشین، ابراهیم صفری، لادن صفری، راحله طارانی، کریم طارمی، سیامک طاهری، محمدرضا طاهریان، نسرین طاعتیان، محمود رضا عبدالهی، عباس عدالت، ایرج عصری، اسد (یحیی) عصری، جهانگیرعلیزاده، لیدا فاضلی، محمود فاطمی، ایران فرجی، وحید فرخنده، بهناز فرمانبر، اشرف فهیمی، خسرو فهیمی، مهین فهیمی، حمیرا قاسمی، احمدرضا قربانی، محمد قربانی، مهدی قشقایی، قدرت قلی زاده، نصرالله کامیاب، محمود کرد، اسد کشتمند، حبیب کلانتری، یادالله کنعانی، حسین کوشی، النازکیان، ... ادامه در صفحه ۱۱

مبارزه با صهیونیسم تجلی روشن مبارزه با یهودی ستیزی است

با وجدان‌ها در... دنباله از صفحه ۱۰

ابوالقاسم (خسرو) گلستانی، عاطفه لامعی، اوژن محمدی، جمشید محمدی، ملیحه محمدی، مهوش محمدی پی، المیرا مرادی، یاورمرادی، مینو مرتاضی لنگرودی، محسن مسرت، محمد منصوری، احمد موسوی، شکوفه مؤید، اسلام مهدوی، سارا بیگم مهدوی، کمال مهدوی، علی اشرف میرزایی، رضا نامداری، بدیعه نبوی، میرمحمد نبوی، نوید نبی پورآنتونی، فرزانه نوائی، کمال نورانی، محمدرضا نورشید، مهری نوری، احمد نویدی، آذرنیکان، زهره نیلی، فرشید واحدیان، داریوش وثوقی، مهرزاد وطن آبادی، داوود عسگری، محمد وفائی یگانه، احمد هاشم پور، کریم یزدانی راد، حسن یوسفی اشکوری، پروین فهیمی، عدالت یوسفی.»

صندوق اعتصاب کارگری

۲۸ اکتبر ۲۰۲۳

خشونت علیه کودکان را متوقف کنید

آمار نشان می‌دهد تا لحظه نگارش این بیانیه نزدیک به ۳۲۰۰ کودک در غزه جان باخته‌اند و بیش از ۸۰۰ کودک در زیر آوار در غزه ناپدید شده‌اند. نزدیک به یک سال پیش، «مؤسسه نجات کودکان» که تمامی آمار فوق برگرفته از پیمایش‌های آن سازمان است، اعلام کرد از هر شش کودک در جهان، یک کودک در شرایط جنگی زندگی می‌کند.

اعداد و ارقام، داستان فجیعی از وضعیت کودکان را ترسیم می‌کنند. تلاش‌های بین‌المللی برای حمایت از کودکانی که زیر بمب‌های ساخت کشورهای صنعتی بزرگ، چکمه‌های اشغالگران، سیاست‌های سوداگرانه دولت‌ها و پروپاگاندا ابزار رسانه‌ای قدرت‌های نظامی و اقتصادی جهان، گروه‌ها و دولت‌های جنگ طلب در جای‌جای جهان له می‌شوند نتیجه‌ای نداشته و آنچه در این میانه برای هیچ یک از طرفین منازعه اهمیت ندارد زندگی کودکان است.

ما، جمعی از فعالان مدنی، تشکل‌های حامی کودکان و نویسندگان حوزه کودک، که مسئولیت جمعی‌مان دفاع از حقوق کودکان، در هر کجای دنیا بدون توجه به نژاد و قوم و مذهب و جنسیت آنهاست، ضمن محکوم کردن اشغال و جنگ و نظامی‌گری در سراسر جهان، خواستار توقف فوری خشونت علیه کودکان هستیم و توجه همه‌ی دولت‌ها را به تعهدات بین‌المللی خود از جمله پایبندی به مفاد پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک جلب می‌کنیم. بر اساس مفاد این تعهد بین‌المللی، همه کودکان باید به غذا و بهداشت مناسب دسترسی داشته باشند. بنا بر این باید تدبیری اندیشیده شود که کودکان از آثار مخرب و دامنه‌دار جنگ‌ها دور باشند.

حملات پی در پی اسرائیل به بهانه حملات حماس، به انتقام‌جویی از غیرنظامیان تبدیل شده است و زندگی بیش از دو میلیون نفر که تعداد زیادی از آنها کودک هستند را با قتل عام و آوارگی و خشونت همراه کرده است. مقامات اسرائیل با چنان قساوتی زنده از تحریم غذا و سوخت و آب صحبت می‌کنند که گویی نمی‌دانند اولین ضرورت زندگی کودکان برخورداری از آب و غذای مناسب برای بقاست. ارتش اسرائیل تحت فرمان افراطی‌ترین جناح‌های حاکم، با حمایت‌های بین‌المللی از جمله دولت ایالات متحده آمریکا به کسانی حمله کرده که سال‌ها گروگان دولت اسرائیل

بودند. اسرائیل سال‌هاست بر سر آنها بمب می‌ریزد و به وحشیانه‌ترین زبان با غزه سخن گفته است.

قربانیان این جنگ خونین، مردم بیگناه به ویژه کودکانی هستند که هیچ‌گونه نقشی در این منازعات ندارند. ما معتقدیم کشتار انسان‌ها به خصوص کودکان با هر عنوان، به هر دلیل، در طرفین این جنگ و در هر مرز جغرافیایی دیگر محکوم است.

ما بر این باوریم که برای دفاع از حقوق کودکان در مقابل ساختارهای خشن و غیرمتعهد به حقوق انسان‌ها، نهادهای مدنی و مردمی باید استانداردهای دوگانه همه دولت‌ها به ویژه در حال حاضر دولت ترکیه برای کشتار بیرحمانه کردها و تداوم حملات اسرائیل برای نسل‌کشی در غزه را محکوم کنند. ما می‌خواهیم با فشار نهادهای بین‌المللی این فاجعه انسانی متوقف و آتش‌بس فوری اعلام شود.

ما معتقدیم نهادهای بین‌المللی برای حمایت از حقوق کودکان در غزه، باید مداخله‌ای سریع، موثر و بی‌طرفانه داشته باشند و مانع از ادامه این روند فاجعه‌بار شوند.

ما از همه جنبش‌های مدنی و مردم جهان می‌خواهیم با فشار بر دولت‌های خود، از آنها بخواهند به حمایت از این تبعیض نژادی و کشتار و کودک‌کشی سیستماتیک پایان دهند.

۱- انجمن پژوهش‌های آموزشی کودکان

۲- انجمن حمایت از حقوق کودک

۳- انجمن حمایت از کودکان کار

۴- انجمن یاری کودکان در معرض خطر

۵- جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان

۶- فروم مادران صلح ایران

۷- کانون صنفی معلمان ایران

۸- گروه تلاشگران یاری همدل

۹- گروه فرهنگی اجتماعی کیانا

۱۰- موسسه انسان دشواری وظیفه

۱۱- موسسه رویش نهال جوان

۱۲- موسسه شکوفایی استعدادهای کودکان مهر

۱۳- موسسه مهروماه

۱۴- موسسه ندای ماندگار دروازه غار

۱۵- موسسه یاریگران کودکان کار پویا»

جامعه جهانی

۲۱ اکتبر ۲۰۲۳ اسپوتنیک ایران مدیا نوشت

«در عرصه بین‌المللی، طی دهه‌های گذشته، کاستی‌های جدی در جستجوی راه حل عادلانه و پایدار برای مسئله فلسطین پدیدار شده است، زیرا تمایل به مدیریت مناقشه به جای پایان دادن به آن وجود داشته است. راه حل‌های موقتی پاسخگوی آرزوهای افرادی نیست که بیش از هشتاد سال از اشغال خارجی و تلاش برای محو هویت خود رنج برده‌اند.

جنگ جاری همچنین نقص در ارزش‌های جامعه بین‌المللی در برخورد با بحران‌ها را نشان داده است. ما تلاش‌هایی را برای توجیه کشتار به گونه‌ای می‌بینیم که گویی جان یک فلسطینی از زندگی سایر مردم اهمیت کم‌تری دارد. واکنش جامعه بین‌المللی باید متناسب با شدت رویداد باشد. حقوق فلسطینی‌ها از حقوق بین‌المللی بشردوستانه یا کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر مستثنی نیست. مردم فلسطین باید از تمام حقوقی که سایر مردم از آنها برخوردارند، از بالاترین حق، حق زندگی، و حق مسکن امن، مراقبت‌های بهداشتی

مناسب و آموزش برای فرزندان خود بهره‌مند شوند. یک فلسطینی قبل از هر چیز باید دولتی داشته باشد که هویت او را در برگیرد و به آن افتخار کند.

جمهوری عربی مصر که ابتکار برگزاری اجلاس صلح را بر عهده گرفت، مراتب قدردانی خود را از کشورها و سازمان‌هایی اعلام می‌دارد که به این دعوت پاسخ دادند. مصر از هیچ تلاشی برای ادامه همکاری با همه شرکا برای دستیابی به اهداف درخ‌نخواهد کرد.»

آکسفام: اسرائیل از گرسنگی به عنوان سلاح جنگی علیه غیرنظامیان غزه استفاده می‌کند

۳ آبان ۱۴۰۲

تعداد قربانیان از ۶۵۰۰ نفر گذشت

وزارت بهداشت غزه روز چهارشنبه اعلام کرد در ۲۴ ساعت گذشته در مجموع ۷۵۶ فلسطینی از جمله ۳۴۴ کودک کشته شدند. این سازمان اعلام کرد که از ۱۷ اکتبر تا کنون حداقل ۶۵۴۶ فلسطینی از جمله ۲۷۰۴ کودک در اثر بمباران اسرائیل کشته شده‌اند.

موسسه خیریه آکسفام: اسرائیل از گرسنگی به عنوان سلاح جنگی علیه غیرنظامیان غزه استفاده می‌کند

موسسه خیریه آکسفام گفته است اسرائیل از گرسنگی به عنوان سلاح جنگی علیه غیرنظامیان غزه استفاده می‌کند. بنابر اطلاعات این موسسه، از زمانی که اسرائیل محاصره نوار غزه را تشدید کرده، تنها ۲ درصد از مواد غذایی که به طور معمول تحویل این منطقه می‌شد، وارد غزه شده است. سالی ابی خلیل، مدیر منطقه خاورمیانه آکسفام گفت: «وضعیت وحشتناکی است - بشریت کجاست؟ میلیون‌ها غیرنظامی به طور دسته جمعی در معرض دید کامل جهان مجازات می‌شوند، استفاده از گرسنگی به عنوان یک سلاح جنگی هیچ توجیهی ندارد. رهبران جهان نمی‌توانند به نشستن و تماشا کردن ادامه دهند، آنها موظفند هم اکنون اقدام کنند. آکسفام از شورای امنیت سازمان ملل و کشورهای عضو سازمان ملل خواست که فوراً برای جلوگیری از وخامت بیشتر اوضاع اقدام کنند.»

۳ نوامبر ۲۰۲۳ اسپوتنیک ایران مدیا

«دفتر کمیساری عالی حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرد که اسرائیل در حال ارتکاب جنایات جنگی مختلف در غزه است.»

۲ نوامبر ۲۰۲۳ نقل از «روراست»

روسیه در سازمان ملل گفت اسرائیل حق دفاع از خود را ندارد!

واسیلی نبزبا، نماینده روسیه در سازمان ملل متحد روز چهارشنبه در نشست اضطراری مجمع عمومی سازمان ملل گفت: اسرائیل حق دفاع از خود را ندارد زیرا یک قدرت اشغالگر است.

تنها کاری که اسرائیل می‌تواند انجام دهد، ادامه اعلامیه در مورد حق فرضی اسرائیل برای دفاع از خود است.

نماینده روسیه گفت: اگرچه به عنوان یک قدرت اشغالگر، آنطور که نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری صادر در سال ۲۰۰۴ میلادی تأیید شده است، اسرائیل حق دفاع از خود را ندارد.»

*** ادامه در صفحه ۱۲

با وجدان‌ها در... دنباله از صفحه ۱۱

درخواست جبهه خلق برای آزادی فلسطین از آحاد شریف ملت فلسطین و آزادگان جهان

در مقابل سیل خونی که در غزه جاری است، کلام دیگر جوابگو نیست: برخیزید... قیام کنید... به سفارتخانه دولت‌های متجاوز هجوم برید... آنها را بسوزانید... ویران کنید... خواستار توقف پمپاژ نفت و گاز به کشورهای همدست تجاوز شوید. ساعت‌ها و دقیقه‌ها حیاتی‌اند و تاریخ ما را نخواهد بخشید... مطمئن باشید که خلق فلسطین شما را ناامید نخواهند کرد.

ای مردم آزاده، دشمن فاشیست دارد انتقام خود را از اردوگاه جبالیا و همچنین اردوگاه‌های النصیرات و الشاطی می‌گیرد و در حال ارتکاب قتل عام‌های فجیعی است که درجهٔ قساوت آن از آنچه نازی‌ها در تاریخ سیاه خود مرتکب شدند بیش‌تر است. ۶ تن بمب ویرانگر آمریکایی بر روی اردوگاه ریخته شد، فاجعه‌ای که وجدان انسانی را برمی‌انگیزد و هر کس در برابر این کشتار سکوت کند، شریک نسل‌کشی و انسانیت‌زدائی از فلسطینی‌هاست.

این یک رژیم شکست خورده به لحاظ اخلاقی، سیاسی و نظامی است که می‌خواهد بر روی دریای خون فلسطینیان به پیروزی برسد. اردوگاه جبالیا زهدان انقلاب، نماد مقاومت و استقامت فلسطینیان، و پیشگام در نبرد برای شرافت و عزت و وظیفه است که با روحیهٔ پهلادان، استوار و رشید خود ممتاز می‌نماید. دشمن با آغاز عملیات زمینی خود قصد دارد شکست محتوم خود را با قتل و کشتار غیرنظامیان فلسطینی پرده‌پوشی کند. درود می‌فرستیم به مردان مقاومت در تشکل‌های مختلف آن که با این تهاجم مقابله می‌کنند و به آحاد خلق ثابت‌قدم فلسطین که به رغم جنگ نابودگری که دشمن علیه آنها انجام می‌دهد طرح‌های آوارگی را رد می‌کنند.

غزه بزرگ با قامت قهرمانان و خون کودکش ریشه ما در دل خاک است، و از خاکستر خود برخواید خاست. موضع‌گیری‌های لفظی نه هواپیمای ساقط می‌کند و نه مانع از سقوط موشک بر سر مردم بی‌گناه می‌شود. بدین سبب ما خواهان آتیم که:

- همهٔ سفرای ائتلاف متجاوز اخراج شوند.
 - فریاد خشم و عزت به خیابان‌های سرتاسر کشورهای منطقه رسانده شود تا پمپاژ نفت و گاز به کشورهای شریک و همدست تجاوز متوقف گردد.
 - زمان آن فرا رسیده است که پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای عربی برچیده شوند.
 - اتحادیه‌های کارگری در بنادر سراسر جهان خودداری خویش را از تخلیه یا بارگیری هرگونه محمولهٔ تسلیحاتی از مبدأ و به مقصد رژیم صهیونیستی اعلام کنند.
 - بیایید تا به خلقمان، به خودمان، به عزتمان، به آزادیمان و به حقمان به زندگی پشتگرم باشیم.
- جبهه خلق برای آزادی فلسطین
- ۳۱ اکتبر ۲۰۲۳

بیانیه جبهه خلق برای آزادی فلسطین به مناسبت یکصد و ششمین سالگرد اعلامیه شوم بالفور

«سالگرد اعلامیه شوم بالفور در حالی فرا رسید که کمپین نسل‌کشی ارتش اشغالگر صهیونیستی با

مشارکت و حمایت دولت‌های آمریکا و انگلیس، و همه نیروهای شرور و متجاوز جهان علیه خلق فلسطین در نوار غزه قهرمان و در سراسر خاک فلسطین ادامه دارد؛ با این هدف که نسل‌کشی خلق ما را به حد کمال برسانند، آن را آواره نمایند، نکت دومی برای فلسطینی‌ها بسازند و آنچه از وجود آنها باقی مانده است از بین ببرند.

ما امروز بار دیگر در برابر نکت و مسبب حقیقی همه آنچه که خلقمان در معرض آن قرار گرفته‌ایستادیم؛ از کشتارهای مستمر و ادامهٔ آوارگی‌اش تا محرومیتش از ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوق ملی و انسانی خود برای زندگی در آزادی و عزت بر روی خاک و سرزمین خویش که در نتیجهٔ توطئه‌ای به زور غصب و از او ستانده شده که فصول و پیامدهای آن هنوز تا به امروز ادامه دارد. و در حقایق زیر منعکس شده است...»

بیانیه مطبوعاتی جبهه خلق برای آزادی فلسطین درمورد اظهارات یک وزیر صهیونیستی اسرائیلی:

اظهارات یک وزیر صهیونیست در مورد پرتاب بمب اتمی بر روی غزه نشان‌دهنده ماهیت نازیستی رژیم صهیونیستی و تجسم واقعی رفتار سران رژیم اشغالگر است. جبهه خلق برای آزادی فلسطین مجدداً تأکید می‌کند که این اظهارات وزیر رژیم صهیونیستی «لیاهو» دربارهٔ حمله به غزه با بمب هسته‌ای، ماهیت نازی، فاشیستی و نژادپرستانه رژیم صهیونیستی و ذهنیت جنایتکارانه حاکم بر رهبران جانی و شکست خورده آنها را به نمایش می‌گذارد.

این اظهارات صرفاً یک امر کلامی و یا نفرت عمیق نیست که ناگهان از نسل قاتلان صهیونیست ننگ بشری که با خونسردی دست به کشتن خانواده‌ها، کودکان، زنان، مادران و پدران می‌زنند و شادمان از این جنایات و از نابودی کل یک محله مسکونی با مردم آند به بیرون جهیده باشد، بلکه اینگونه برخورد نفرت انگیز، تجسم واقعی موضع و رفتار رهبران اشغالگر از بدو تأسیس تا کنون است بوده است. این رژیم صهیونیستی همواره با ریختن هزاران تن مواد منفجره و بمب‌های فسفر سفید آتش‌زا بر سر غیرنظامیان بی‌گناه و آغشته به خون کردن نان آنها، و طبق ناظران در منطقه مشابه عملکرد بمب‌های هسته‌ای که بر شهر هیروشیما زاین انداخته شد، در حال جنگ برای نسل‌کشی مردم فلسطین در نوار غزه است. و جبهه خلق برای آزادی فلسطین تأکید می‌کند که محکومیت این جنایتکاران که در نفرت و جنایت غوطه می‌خورند و مطابق رهنمودهای تلمود دست به قتل عام می‌زنند لازم ولی کافی نیست. آنچه باید انجام داد این است که این قاتلان را باید به عنوان جنایتکار جنگی به دادگاه بین‌المللی کشاند.

باید توجه داشت که همه سران اشغالگر و احزاب صهیونیستی و کل جامعه صهیونیستی با فاشیسم و نژادپرستی و رفتار جنایتکارانه اشباع شده‌اند و کم‌تر از این وزیر جنایتکار نیستند، اینها هم‌نوع جنایتکاران تاریخ‌اند. برای سازندگان مرگ، تاریخ فقط یک قضاوت دارد:

یا مجازات و یا خودکشی!

جبهه خلق برای آزادی فلسطین

اداره مرکزی اطلاعات

۵ نوامبر ۲۰۲۳*

بی وجدان‌ها در... دنباله از صفحه ۱

امینی سینه پاره می‌کردند در مورد پاره شدن سینه‌های هزاران زن فلسطینی سکوت اختیار کرده‌اند. خانم گلشیفته فراهانی، علی کریمی، علی دانی، عبدالله مهدی و... سکوت کرده‌اند. میرحسین موسوی، تاج‌زاده، کروبی، فائزه رفسنجانی، صادق زیبا کلام و لشگر ورشکسته نتولیرال‌ها که از غم شهادت ندا آقا سلطان خواب راحت نداشتند بر پشته‌های کشتار نوار غزه با وجدانی راحت به استراحت مشغولند زیرا در این کشتار رویای‌های خود در تجاوز اسرائیل و آمریکا به ایران و روی کار آوردن غرب‌گرایان را می‌بینند.

ما در زیر تنها به پاره‌ای از این اسناد اشاره می‌کنیم:

دهها فعال سیاسی «دعوت به حمله نظامی به ایران» را محکوم کردند

۱/۸/۱۴۰۲

ده‌ها نفر از فعالان سیاسی و مدنی با امضای بیانیه‌ای هرگونه دعوت مستقیم و غیرمستقیم به حمله نظامی به ایران را محکوم کردند؛ امضاکنندگان تأکید کردند که «حمله نظامی به ایران، به بقای حکمرانی جمهوری اسلامی کمک می‌کند.» ده‌ها نفر از فعالان سیاسی و مدنی با امضای بیانیه‌ای مشترک «دعوت مستقیم و غیرمستقیم» برخی از «گروه‌های ایرانی و غیرایرانی، گرایش‌های افراطی و جنگ‌طلب و برخی فرصت‌طلبان سیاسی» به حمله نظامی به ایران با کلیدواژه «کوبیدن سرمایه» را محکوم کردند. این بیانیه که نسخه‌ای از آن روز دوشنبه اول آبان‌ماه به دست دویچه وله فارسی رسید، تأکید می‌کند که حمله نظامی احتمالی به ایران، «به هر دستاویزی که در هر پوششی کشور ما را نابود و مبارزه به‌حق مردم ایران را برای دموکراسی و صلح به شدت تضعیف و تخریب می‌کند.»

شمار امضاکنندگان این بیانیه تا لحظه تنظیم این گزارش، به ۶۰ نفر رسیده است؛ در میان امضاکنندگان نام تقی رحمانی، مهرداد درویش پور، نیره توحیدی، محمدجواد اکبرین، سعید پیوندی، دامون گلریز، مهدی جامی، علی افشاری، فاطمه حقیقت‌جو و هادی خرسندی دیده می‌شود.

امضاکنندگان با تأکید بر اینکه «گذر از استبداد جمهوری اسلامی به دموکراسی بر بستر مبارزه ایرانیان به ثمر می‌نشیند نه با حمله نظامی» افزودند که «حمله نظامی به ایران نه تنها می‌تواند به بقای حکمرانی جمهوری اسلامی کمک کند که تهدیدی آشکار علیه صلح و دموکراسی بوده و بهمنی سهمگین از رنج و ویرانی را بر کشور ما آوار خواهد کرد.»

آنها همچنین مخالفت خود را با «استبداد و سرکوب مردم در داخل کشور و سیاست‌های ماجراجویانه و تنش‌زای جمهوری اسلامی و جنگ‌های نیابتی آن» ابراز کردند. امضاکنندگان همچنین اعطای جایزه نوبل صلح به نرگس محمدی و جایزه ساخاروف سال ۲۰۲۳ میلادی به ژنرال مهسا امینی و خیزش «زن، زندگی، آزادی» را نشانه‌ای از آن دانستند که «جهان مبارزه مردم ایران را برای آزادی و دموکراسی و صلح به رسمیت شناخته است.»

فرج سرکوهی، منصوره شجاعی، رضا علیجانی، حسن یوسفی اشکوری، پرستو فروهر، مهرانگیز کار و مهديه

گلرو از دیگر امضا ... ادامه در صفحه ۱۳

توسل به تئوری «مبارزه با هر دو قطب ارتجاع» مبارزه با جنبش آزادیبخش مردم فلسطین و حمایت از جنایات صهیونیسم است

بی وجدان‌ها در... دنباله از صفحه ۱۲

کنندگان این بیانیه هستند. (تکیه بر اسامی از توفان) گفتمنی است با تشدید درگیری‌ها در منطقه میان اسرائیل و شبه‌نظامیان تروریست، گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال گشوده شدن جبهه‌های جدیدی از درگیری‌های نظامی در منطقه افزایش یافته است.

پارهای گروه‌ها و نهادهای مدنی ریاکار ظاهرا هم از حقوق بشر دفاع می‌کنند، هم از حق آزادی بیان و قلم. دفاع از حقوق نویسندگان و جامعه مدنی ظاهرا خدشه ناپذیر است. به این دو سندی که در آلمان خفقان‌زده و سرکوبگر منتشر شده نگاه کنید:

«در پی لغو جایزه عدلیه شبلی انجام شد» ۲۵ مهر ۱۴۰۲

اعتراض ۶۰۰ نویسنده به نمایشگاه فرانکفورت/صدای فلسطین خاموش نمی‌شود
بیش از ۶۰۰ نویسنده جهانی با امضای یک نامه سرگشاده، لغو برنامه تجلیل از یک نویسنده فلسطینی در نمایشگاه کتاب فرانکفورت را تقبیح کردند.
به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از لس آنجلس تایمز، در نامه سرگشاده‌ای که روز دوشنبه منتشر شد، ۶۰۰ نویسنده تصمیم لغو مراسم اهدای جایزه به عدلیه شبلی، رمان نویس فلسطینی را در نمایشگاه کتاب فرانکفورت تقبیح کردند.

در این نامه سرگشاده که توسط بیش از ۶۰۰ نویسنده و ناشر امضا شد، تصمیم انجمن ادبی «لیت پروم» برای لغو بزرگداشت یک نویسنده فلسطینی برنده جایزه در نمایشگاه کتاب فرانکفورت محکوم شد. نمایشگاه فرانکفورت که یکی از بزرگترین همایش‌های انتشاراتی جهان است - که از چهارشنبه تا یکشنبه برگزار می‌شود - پس از حمله ۷ اکتبر حماس به اسرائیل و درخواست از نمایشگاه، برنامه‌هایی را که برای تجلیل از عدلیه شبلی تدارک دیده بود را لغو کرد.

در این نامه که به امضای چهره‌هایی چون آتی ارنو برنده نوبل، اولگا توکارچوک برنده نوبل، آن انرابت، کامیلا شمسی، هشام مطر، راوی هیج، لیلیا ابولیل، ریچارد فلائگان، والاس شاون، کالم تویبین، ایلین مایلس، هری کونسرو، سافیر، راشل کوشتر و صدها نویسنده دیگر و نیز ده‌ها ویراستار، نمایشگاه کتاب و ناشر جهانی رسیده، آمده است: در حالی که کتاب «جزئیات کوچک» شبلی توسط دو روزنامه‌نگار و ویراستار ادبی آلمانی یهودستیزانه خوانده شده تا به آن انگ بچسبانند، دیگر منتقدان جدی ادبی به وضوح این موضوع را در مطبوعات آلمان و دیگر نشریات ادبی کاملا رد کرده‌اند. این کتاب رویدادهای مستند مربوط به تجاوز به یک دختر بادی‌نشین در سال ۱۹۴۹ توسط یک واحد ارتش رژیم صهیونیستی را دستمایه خود قرار داده است.

ترجمه انگلیسی این رمان که سال ۲۰۱۷ منتشر شد، سه سال بعد نامزد دریافت جایزه ملی کتاب در آمریکا و جایزه بین‌المللی بوکر شد. پس از انتشار ترجمه آلمانی آن در سال ۲۰۲۲ نیز جایزه ادبی ۲۰۲۳ آلمان (لیبراتور پرایس) که جایزه سالانه‌ای است که به بهترین آثار نویسندگان زن از سراسر آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین اهدا می‌شود، را دریافت کرد. این جایزه هر سال در نمایشگاه کتاب فرانکفورت به برنده آن اهدا می‌شود، ولی امسال اهدای آن به مشکل خورد.

روز جمعه «لیت پرام» سازمانی که جایزه کتاب را توزیع می‌کند، مسیر خود را تغییر داد و نشست‌هایی که قرار بود با حضور شبلی و مترجم آلمانی زبان او، گونتر اورث برگزار شود نیز لغو شد.

«لیت پرام» که بخشی از بودجه‌اش را از دولت آلمان و نمایشگاه کتاب فرانکفورت تامین می‌کند، تصمیم خود را برای لغو برنامه تجلیل شبلی در بیانیه‌ای آنلاین توضیح داد و گفت به دنبال تنظیم مناسب شرایط برای برگزاری این رویداد است.

حالا بیش از ۶۰۰ نویسنده و ناشر در این نامه از سازمان و نمایشگاه خواسته‌اند در تصمیم خود تجدید نظر کنند. آنها نوشته‌اند: نمایشگاه کتاب فرانکفورت به عنوان یک نمایشگاه بزرگ بین‌المللی کتاب، مسئولیت دارد فضایی برای نویسندگان فلسطینی ایجاد کند که آنها هم بتوانند افکار، احساسات و تأملات خود را در مورد ادبیات در این دوران وحشتناک و ظالمانه به اشتراک بگذارند، نه اینکه بخواهد صدای آنها را خاموش کند.

علاوه بر این اشاره شده که پیشتر در نیویورک تایمز به اشتباه گزارش شده که لغو این رویداد «تصمیم مشترکی» بود که با شبلی اتخاذ شد. در حالی که در واقع فقط به او اطلاع داده شد و در نهایت لیت پرام هم بیانیه خود را اصلاح کرد.

باربارا اپلر مدیر انتشارات «نیو دیرکشنز» که ناشر آمریکایی «جزئیات کوچک» است در نامه‌ای به سردبیر نیویورک تایمز خواستار اصلاح این خبر شد. وی در نامه خود همچنین تأکید کرده که: با دل‌شکستگی باورنکردنی که اکنون از هر طرف متحمل شده، هیچکس در خدمت دروغ‌گویی نیست، به ویژه درباره نویسنده رمانی درباره نکه که از نظر تاریخی هم بسیار صادق است. لغو مراسم و تلاش برای خاموش کردن صدای عدلیه شبلی - به دلیل جنگ در اسرائیل - بزدلانه است. اما اینکه بگوییم شبلی با این تصمیم موافق است (در میان همه رنج‌ها در غزه) بدتر از همه است. در حالی که نمایشگاه بیانیه‌ای صادر کرده و گفته می‌خواهد صدای اسرائیل به ویژه در نمایشگاه قابل مشاهده باشد، آنها فضا را برای صدای فلسطینی‌ها بسته‌اند.

ژاک تستارد، ناشر شبلی در بریتانیا هم اعلام کرده است: یکی از اهداف ادبیات تشویق به تفاهم و گفتگو بین فرهنگ‌ها است. وقتی چنین خشونت وحشتناک و دلخراشی در جریان است، بزرگترین نمایشگاه کتاب جهان وظیفه دارد از صداهای ادبی هر دو ملت حمایت کند. ما با عدلیه شبلی و ناشران آلمانی او اعلام همبستگی می‌کنیم.

در ادامه بیانیه ناشر انگلیسی آمده است: با این روحیه، آنهایی که در زمینه نویسندگی، ترجمه و انتشار فعالیت می‌کنیم، به شدت تأکید داریم که لغو رویدادهای فرهنگی راه پیش رو نیست. ما به خاطر می‌آوریم که نمایشگاه کتاب فرانکفورت از ناشران ترک حمایت کرد و اینکه چگونه سال گذشته، زلنسکی، رییس جمهوری اوکراین در یک سخنرانی از پیش ضبط شده در نمایشگاه با مخاطبانش صحبت کرد. نمایشگاه کتاب فرانکفورت به عنوان یک نمایشگاه بزرگ بین‌المللی کتاب این مسئولیت را دارد که فضاهایی را برای نویسندگان فلسطینی ایجاد کند تا افکار، احساسات و تأملات خود را در مورد ادبیات در این دوران وحشتناک و ظالمانه به اشتراک بگذارند، نه اینکه آنها را خاموش کند.

ما باید به دنبال زبان جدید و ایده‌های جدید باشیم تا بتوانیم به شیوه‌ای جدید به این دوران تلخ نزدیک شویم. برای این منظور، ما بیش از هر زمان دیگری به نویسندگان - از جمله نویسندگان فلسطینی - نیاز داریم.

متن نامه‌ای که تاکنون ۶۰۰ نویسنده آن را امضا کرده‌اند چنین است:

رویدادهای تکان دهنده و غم‌انگیزی که از ۷ اکتبر آغاز شد و تا امروز نیز ادامه دارد، در سرتاسر جهان، از جمله در دنیای نشر، بازتاب داشته است. نویسندگان فلسطینی برنده جایزه، عدلیه شبلی، که فینالیست جایزه ملی کتاب ۲۰۲۰ برای کتاب «جزئیات کوچک» (ترجمه الیزابت ژاکت) بود، قرار بود جایزه «لیبراتور پرایز» آلمان در سال ۲۰۲۳ را برای همان کتاب دریافت کند که به زبان آلمانی منتشر شده در نمایشگاه کتاب فرانکفورت ۲۰۲۳ که هفته آینده آغاز می‌شود دریافت کند.

۱۳ اکتبر، برگزارکنندگان این جایزه که بخشی از بودجه آن توسط دولت آلمان و نمایشگاه کتاب فرانکفورت تامین می‌شود، بیانیه‌ای منتشر کردند مبنی بر اینکه شبلی دیگر در طول نمایشگاه کتاب جایزه دریافت نخواهد کرد. علاوه بر این، گفتگوی عمومی با عدلیه شبلی و مترجم او گونتر اورث در نمایشگاه کتاب نیز لغو شده است.

در ادامه آمده است: ابتدا گفته شد که این تصمیم در هماهنگی با نویسندگان گرفته شده که سپس در مطلبی در نیویورک تایمز (که اکنون تصحیح شده) هم منتشر شد. این نادرست است؛ عدلیه شبلی گفته است که تصمیمی با او گرفته نشده بلکه به وی ابلاغ شده است. او گفت که اگر این مراسم برگزار می‌شد، از فرصت استفاده می‌کرد و درباره نقش ادبیات در این دوران ظالمانه و دردناک صحبت می‌کرد.

عدلیه شبلی متولد فلسطین در سال ۱۹۷۴ است.***

استعفای سارا احسان از انجمن قلم آلمان + فهرست روزنامه نگاران فلسطینی کشته شده در غزه

۱۰ آبان ۱۴۰۲

سارا احسان، عضو انجمن قلم آلمان در اعتراض به موضوع یک جنبه از انجمن قلم آلمان استعفا کرده و در متن استعفای خود اسامی ۲۵ روزنامه‌نگار و پنج نویسنده و هنرمندی را که تا کنون در غزه کشته شدند، آورده است. متن کامل نامه‌ی استعفای اعتراضی او خطاب به هیئت مدیره‌ی انجمن قلم آلمان را به همراه فهرست روزنامه‌نگاران، نویسندگان و هنرمندانی که تا این لحظه در غزه کشته شده‌اند می‌خوانید.

نویسنده: سارا احسان

به هیئت مدیره‌ی انجمن قلم آلمان

۲۹ اکتبر ۲۰۲۳

از شما می‌خواهم کشته شدن نویسندگان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان در غزه را گزارش دهید، اسامی آنها را اعلام کنید، از دلایل مرگ آنها پرده بردارید و این کشتار را محکوم کنید. طبق آخرین گزارش‌های وزارت بهداشت فلسطین، تا روز ۲۸ اکتبر ۲۰۲۳، ۷۶۵۰ نفر در غزه در اثر بمباران‌های اسرائیل کشته شده‌اند که ۷۰ درصد آنها را کودکان، زنان و افراد کهنسال تشکیل می‌دهند و ۱۱۰ تن نیز از کادر درمان بوده‌اند. صدها نفر زیر آوار مدفون شده‌اند و ۱۹۶۵۰ تن از آن... ادامه در صفحه ۱۴

غرب لیبرال به مرکز تقی‌ش عقاید و سرکوب آزادی خواهان بدل شده است

بی وجدان‌ها در... دنباله از صفحه ۱۳

غیرنظامیان نیز مجروح شده‌اند. ۲۱۹ مدرسه بمباران شده و تمام این‌ها یک فاجعه‌ی انسانی است. در عین حال، باقی‌مانده‌ی مردم آنجا نیز بدون آب و برق روزگار می‌گذرانند و خدمات بهداشتی پاسخگو نیست، بیماری‌های مختلف و گرسنگی شایع شده و تا کنون یک میلیون نفر آواره شده‌اند، که تمام این‌ها نتیجه‌ی حملات نظامی اسرائیل بوده است.

یک نویسنده‌ی فلسطینی در پیام خود به من نوشته است: «به دلیل قطعی برق و مشکلات ارتباطی قابل توجهی که ایجاد شده، مستندسازی به دشواری صورت می‌گیرد و این یعنی که تمام جنایات امکان مستندسازی پیدا نکرده‌اند.»

تا روز ۲۸ اکتبر ۲۰۲۳، ۲۵ روزنامه‌نگار و پنج هنرمند و نویسنده در غزه کشته شده‌اند. «خانه‌ی ۳۰ روزنامه‌نگار بمباران شده و در این جریان، چندین تن از اعضای خانواده‌ی هر یک از آن‌ها جان باخته‌اند. طبق آخرین اسناد انتشار یافته از سوی سندیکای روزنامه‌نگاران، اشغال‌گران ۵۰ ستاد و مراکز مؤسسات رسانه‌ای را ویران کرده‌اند. خانواده‌ی اللحدوح، رئیس دفتر الجزیره در غزه، خانواده‌ی معتز عزیزه‌ی روزنامه‌نگار و خانه‌ی یک کاریکاتورست بمباران شده و به او در مدرسه‌ی اونروا پناه داده‌اند. علی نسمان، بازیگر، کنشگر سیاسی، کم‌دین و بلاگر فلسطینی نیز در غزه کشته شده و آمار کشته‌شدگان به سرعت رو به افزایش است. محمد سمیع غریقه، که به‌عنوان معلم داوطلب به کودکان در بیمارستان بابتیست الاهلی (المعمدانی) غزه، هنر تدریس می‌کرد و از هنرمندان رشته‌ی نقاشی دیواری بود، در بمباران هفته‌ی گذشته‌ی این بیمارستان کشته شد. هبه قاضی زقوت، هنرمند تجسمی فلسطینی و هبه ابو ندی، شاعر و نویسنده‌ی جوان نیز در حمله‌ی راکتی، جان خود را از دست دادند. شهدای غزه فقط آمار و ارقام نیستند، آنها مردمان، رؤیاهای و تجربه‌هایی هستند که از دست رفته‌اند. آنها پدران، مادران، دامادها، پدربزرگ‌ها، مادربزرگ‌ها، دانش‌آموزان، امدادگران، روزنامه‌نگاران، هنرمندان، شاعران و از این دست انسان‌ها هستند. این تمام آن چیزی است که در میانه‌ی این بلبشویی که جهان ریاکار با پشتیبانی از جنایتکاران جنگی به وجود آورده، می‌توانم به شما ارائه دهم.»

به پیوست این نامه، فهرست مشروح اسامی ۲۵ روزنامه‌نگار و پنج هنرمند و نویسنده‌ای را که در غزه کشته شده‌اند ملاحظه می‌کنید (آمار مربوط به اکتبر ۲۰۲۳ است، تا تاریخ ۲۹ اکتبر ۲۰۲۳).

بندی از اطلاعیه‌ی شما را مغتنم می‌شمارم که در آن از همه خواسته‌اید برای صلح به پا خیزند. متأسفانه، آن «دیگر هرگز چنین مباد» تاریخی حتی برای اعضای انجمن قلم، صرفاً تبدیل به یک شعار شده است. دیروز به «نامه‌ی وحشت» برخوردیم که نام خود را «ادبیات، فوراً!» گذاشته است.

این نامه با قدرت تمام در شیپور جنگ دمیده است، وقتی که می‌گوید: «اسرائیل تنها دموکراسی خاورمیانه است و به مانند هر دولت روی کاری باید از مردم خود مقابل ترور محافظت کند.» به زبان ساده، این یعنی که امنیت جمعیت یهودی اسرائیل می‌تواند و باید به قیمت خرد شدن استخوان‌ها و تکه تکه شدن بدن‌های غیرنظامیان فلسطینی تامین شود. تا این تاریخ، بیش

از ۷۰۰۰ غیرنظامی در غزه کشته شده‌اند. این جنایات از تمام ویژگی‌های یک نسل‌کشی برخوردار است. دولت اسرائیل دارد در دادگاه لاهه بابت جنایات جنگی بازخواست می‌شود.

آیا این که در این نامه فقط با یک طرف این جنگ اعلام همبستگی شده، توجهی دارد؟ واقعا توجهی دارد؟ این است سهم جهان ادبیات در صلح و آشتی؟ که از نسل‌کشی حمایت کنیم؟

نامه‌ی سرگشاده‌ای که گروه «یهودیان برای عدالت» نوشته‌اند، می‌گوید که هنوز به «مشکل واقعی» اذعان نشده است. تا زمانی که فلسطینیان تحت رژیم به سر می‌برند که کارشناسان قانونی خود اسرائیل، از آن به آزارتاید یاد می‌کنند، دموکراسی‌ای برای یهودیان نیز در اسرائیل وجود نخواهد داشت.

این بی‌کفایتی مطلق است که نتوانیم بین طرفداری از یک دولت قوم‌گرای ناسیونالیست متشکل از متعصبان مذهبی، که از خصوصیات شبه‌فاشیستی برخوردار است و با صدای یهودیان منتقد نیز می‌جنگد، تا جایی که برخی از آنها باید نگران جان خود باشند، دولتی که تمام نهادهای تثبیت شده‌ی حقوق بشری نظیر عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر و نهاد حقوق بشری یهودی-اسرائیلی B'Tselem با ارائه‌ی فهرستی از مدارک مستدل ثابت کرده‌اند که یک دولت آزارتاید است، دولتی که قوه‌ی قضائیه‌اش را از قدرت ساقط کرده تا خود از قدرتی نامحدود برخوردار شود، و طرفداری از «زندگی یهودی»، تمایز قائل شویم. این میزان بی‌کفایتی، خود، مصداقی برای دیدگاه تجدیدنظرطلبانه‌ی تاریخی در مورد شیوع خشونت محسوب می‌شود.

برابر شمردن فلسطینیان با حماس، غیرانسانی است. ۷۵ سال تمام، از فلسطینیان انسان‌زدایی شده است، مقامات دولتی اسرائیل از آنها به «حیوانات» یاد می‌کنند و حالا هم همکاران آلمانی ما از نابودی آنها طرفداری می‌کنند؟ نوآم جامسکی می‌گوید: «کشتار توجیه‌ناپذیر غیرنظامیان بی‌گناه، خود، تروریسم است، نه جنگ علیه تروریسم.» وقتی به ویژه خود یهودیان در سراسر جهان خواستار آتش‌بس فوری و پایان یافتن اشغال‌گری اسرائیل شده‌اند، قانون‌گذاران در اینجا از جنگی نابودگر علیه غیرنظامیان فلسطینی طرفداری می‌کنند.

من حاضر نیستم بیش از این با «امضاکنندگان» این نامه که میان آنها بسیاری از اعضای انجمن قلم آلمان نیز به چشم می‌خورند، هیچ‌گونه همکاری‌ای داشته باشم. و بنابراین تبعات این تصمیم را که ترک انجمن قلم آلمان است، می‌پذیرم، هرچند که می‌دانم مسلماً بسیاری از اعضای این انجمن، موضع متفاوتی از آن امضاکنندگان برای خود قائلند و هیچ‌گاه چنین نامه‌ای را امضا نخواهند کرد.

در تمام این مدت، فضایی برای بحث و گفتگو وجود نداشته و در عوض، چندین نویسنده‌ی فلسطینی نظیر عدینه شبلی، غیث المدهون و امثال آنها حذف شده‌اند.

این سرکوب خشونت‌آمیز صداهای منتقد، پذیرفتنی نیست و انجمنی که برای آزادی بیان و علیه هر شکلی از سانسور به پا خاسته است نیز نباید آن را بپذیرد. اما انجمن قلم آلمان نیز در اطلاعیه‌ی رسمی خود، فقط با یک طرف یعنی یهودیان اعلام همبستگی کرده و حتی این را ذکر نکرده است که فلسطینی‌ها در معرض بیشترین سرکوب دولتی و فرهنگی قرار گرفته‌اند و

زیست فلسطینی نیز باید در آلمان و هر نقطه‌ی دیگری از جهان میسر باشد. با مهر، سارا احسان پیوست‌ها:

اسامی روزنامه‌نگارانی که در ماه اکتبر در اثر جنگ در نوار غزه به شهادت رسیده‌اند

۱- یاسر صبحی ابو ناموس، خبرنگار موسسه‌ی رسانه‌ای الساحل، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۲۶، محل شهادت: خانینوس

۲- دعاء شرف، خبرنگار رادیو صدای الاقصی، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۲۶، محل شهادت: غزه

۳- جمال الفقاعوی، خبرنگار موسسه‌ی رسانه‌ای میثاق، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۲۵، محل شهادت: خانینوس

۴- سلمی مخیمر، خبرنگار آزاد، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۲۵، محل شهادت: رفح

۵- احمد ابو مهدی، خبرنگار شبکه‌ی ماهواره‌ای الاقصی، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۲۵، محل شهادت: خانینوس

۶- سائد الحلبي، خبرنگار شبکه‌ی ماهواره‌ای الاقصی، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۲۵، محل شهادت: کمپ جبالبه

۷- محمد عماد سعید ابد، خبرنگار موسسه‌ی رسانه‌ای الرساله، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۲۳، محل شهادت: غزه

۸- رشدی رحی السراج، مدیر شرکت رسانه‌ای عین مدیا، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۲۲، محل شهادت: غزه

۹- محمد علی (ابو عهد)، خبرنگار رادیو الشباب، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۲۰، محل شهادت: شمال غزه

۱۰- خلیل ابو عازره، عکاس تلویزیون الاقصی، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۱۹، محل شهادت: شمال رفح

۱۱- سمیح النادی، از مدیران شبکه‌ی ماهواره‌ای الاقصی، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۱۸، محل شهادت: غزه

۱۲- محمد بعلوشه، خبرنگار شبکه‌ی فلسطین الیوم، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۱۷، محل شهادت: غزه

۱۳- عصام محمد بهار، خبرنگار تلویزیون الاقصی، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۱۶، محل شهادت: غزه

۱۴- عبد الهادی حبیب، خبرنگار تلویزیون آموزشی اونروا، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۱۶، محل شهادت: غزه

۱۵- سلام خلیل میمه، عکاس آزاد، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۱۳، محل شهادت: کمپ جبالبه

۱۶- حسام مبارک، گوینده‌ی شبکه‌ی الاقصی، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۱۳، محل شهادت: شمال غزه

۱۷- احمد شهاب، تهیه‌کننده‌ی برنامه در رادیو صدای زندانی، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۱۲، محل شهادت: کمپ جبالبه

۱۸- محمد فایز ابو مطر، عکاس آزاد، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۱۱، محل شهادت: رفح

۱۹- هشام النواجعه، عکاس آژانس خبر، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۱۰، محل شهادت: غرب غزه

۲۰- سعید رضوان الطویل، مدیر آژانس الخامسه، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۱۰، محل شهادت: غرب غزه

۲۱- محمد رزق صبح، عکاس آژانس خبر، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۱۰، محل شهادت: غرب غزه

۲۲- اسعد عبد الناصر شملخ، خبرنگار آزاد، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۸، محل شهادت: غزه

۲۳- محمد الصالحی، عکاس آژانس السلطه الرابعه، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۷، محل شهادت: شرق بریج

۲۴- ابراهیم محمد لافی، عکاس شرکت رسانه‌ای عین مدیا، ... ادامه در صفحه ۱۵

حماس سازمان منتخب مردم فلسطین در یک انتخابات دموکراتیک است

بی وجدان‌ها در... دنباله از صفحه ۱۴

تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۷، محل شهادت: گذرگاه بیت حانون

۲۵- محمد جرجون، گزارشگر آژانس سماتر مدیا، تاریخ شهادت: ۲۰۲۳/۱۰/۷، محل شهادت: شرق رفح
اسامی نویسندگان و هنرمندانی که در ماه اکتبر در اثر جنگ در نوار غزه به شهادت رسیده‌اند

۱- نسیمه ابو شعیره، هنرمند و مدرس دانشگاه الاقصی، علت شهادت: بمباران خانه‌اش توسط هواپیماهای جنگی اسرائیل

۲- هبه ابو ندی، شاعر و نویسنده، علت شهادت: بمباران خانه‌اش توسط هواپیماهای جنگی اسرائیل

۳- شام ابو عبید، هنرمند گروه موسیقی تشامبیونز لددیکه، علت شهادت: بمباران خانه‌اش توسط هواپیماهای جنگی اسرائیل

۴- لیلی عبد الفتاح، هنرمند گروه موسیقی تشامبیونز لددیکه، علت شهادت: بمباران خانه‌اش توسط هواپیماهای جنگی اسرائیل

۵- هبه زقوت، شاعر و نویسنده، علت شهادت: بمباران خانه‌اش توسط هواپیماهای جنگی اسرائیل
برگردان به فارسی: سپیده جدیری

آیا به این دو نامه توجه کرده‌اید؟ حتی یک ایرانی از کانون نویسندگان ایران که لابی اسرائیل نباشد را نیز پیدا نمی‌کنی که بر ضد این تفتیش عقاید طغیان کرده باشد حاضر شده باشد از این خواست دموکراتیک و بشری و صنفی، مدنی و... کانون نویسندگان ایرات که همواره در راس مبارزات ضد امپریالیستی و ضدصهیونیستی بوده است دفاع کند. همین نمونه کوچک ماهیت خودفروخته اکثریت این کانون‌های امپریالیست‌ساخته را نشان می‌دهد. ۷ اکتبر نقطه عطفی در تاریخ شناسائی نهادهای و سازمان‌های ساخته و پرداخته امپریالیستی در ایران و خارج از ایران است که برای نابودی ایران له می‌زنند.

سند بالا نشانه نقض حقوق صنفی، مدنی نویسندگان فلسطینی است. ولی این کانون‌های ادبی اسرائیلی ایرانی تبار حتی حاضر نیستند، این اقدام دولت آلمان را که وظیفه اساسنامه‌ای و اتحادیه‌ای آنها است رسماً محکوم کرده و در افشاء آنها اطلاعیه صادر کنند، زیرا مستمری آنها قطع می‌شود. این است چهره ننگین اپوزیسیون بی‌وجدان و لابی اسرائیل در ایران و در خارج ایران.

به این بیانیه ننگین و چند پهلو در زیر به نام «کانون نویسندگان ایران «در تبعید» و انجمن قلم ایران «در تبعید» که عملاً توجیه جنایات صهیونیسم و قتل عام مردمی که برای آزادی سرزمینشان می‌رزمند و این حق آنهاست نظر اندازید. برای حزب ما روشن نیست که چه تعدادی از این آدمخواران با این سند موافق بوده‌اند ولی واقعیت آن است که آنها با همان تئوری دوقطب ارتجاعی و اسلام‌ستیزی‌شان که برای آنها نان و آب دارد، نسل‌کشی یک ملت را به بهانه مسلمان بودن، به بهانه ارتجاعی بودن منکر شده و از ادامه اشغال سرزمین فلسطین و کشتار شهرک‌نشینان مسلح دفاع می‌کنند. امضاء کنندگان این سند ننگین بدون استثناء هوادار تجاوز آمریکا به ایران هستند و یارو یاور امپریالیسم و صهیونیسم در ایران بوده و از این تاریخ تمام بیانیه‌های ایران‌ستیزانه آنها فاقد اعتبار بوده و نشانه عمق درنده‌خوئی آنها است. این همه

خبث طینت را نمی‌شود با نفرت از جمهوری اسلامی توجیه کرد. این عده از آمریکا که دستش به خون صدها هزار انسان بی‌گناه در یوگسلاوی، لیبی، افغانستان، عراق، لبنان، یمن، سوریه و فلسطین آغشته است یاری می‌طلبند که با ویرانی ایران، بر تلی از چند ده میلیون کشته جمهوری اسلامی را از میان بردارد. پرسش این است که انگیزه و استدلال آنها برای تعویض جمهوری اسلامی به دست اربابانشان در چیست؟ در حمایت از استقلال ایران؟ در حمایت از حقوق بشر؟ در حمایت از حق حاکمیت و تمامیت ارضی ایران؟

غزه و جنایت جنگی

۷ آبان ۱۴۰۲

در حالی که بیش از سه هفته از بمباران نوار غزه می‌گذرد، بیش از ۱۵۰۰ کودک فلسطینی و بیش از ۶۰۰۰ شهروند غیرنظامی غزه، جان خود را از دست داده‌اند. جراحی هزاران کودک زخمی فلسطینی بدون استفاده از داروی بی‌هوشی، از دیگر پیامدهای این جنگ خانمان برانداز است که میان دو نیروی به غایت ارتجاعی؛ از یک سو دولت آپارتاید اسرائیل و از دیگر سو، سازمان

جنایتکار و اسلامی حماس در جریان است که تنها جان انسان‌های بیگناه و بی‌دفاع را می‌ستاند. (تکیه از توفان) سرگردانی و محرومیت بیش از ۱۵۰۰۰ مجروح بمباران های جاری توسط اسرائیل، رانده شدن اجباری بیش از یک میلیون نفر به جنوب غزه، تخریب هزاران سرپناه مردم، بدون دسترسی داشتن به دیگر نیازهای روزمره زندگی، قطع آب، برق، دارو، خوراکی و خطر واگیری همگانی بیماری‌های عفونی، فاجعه‌هایی انسانی هستند که باید با اراده ای جهانی به مقابله با آن برخاست. مهمتر از همه، برقراری شدیدترین سانسورها در باره پیامدهای غیرانسانی و زیست محیطی این بمباران‌ها و کشتار بیرحمانه در این منطقه است که هرگز با بهانه طرفداری مردم این منطقه از نیروهای واپسگرایی حماس و از سیاستهای جنایتکارانه جمهوری اسلامی، توجیه پذیر نیستند. (تکیه از توفان). بی تردید، اگر شمه‌ای از آنچه که در بالا برشمردیم، نسبت به هر کشور مدعی دموکراسی اعمال می‌شد، رسانه‌های جریان سلطه، هوار می‌کشیدند و فریادشان گوش فلک را کر می‌کرد.

کانون نویسندگان ایران «در تبعید» و انجمن قلم ایران «در تبعید»، بنا بر منشور و اساسنامه خود، یعنی دفاع بی‌قید و شرط از آزادی اندیشه و بیان، همراه با مردم آزادیخواه جهان و با تکیه بر وجدان‌های بیدار و آگاه جهانیان اعتراض خود را به سیاست‌های جنگ افروزان اسرائیل و حماس و پشتیبانان آنان اعلام و کشتار بیرحمانه مردم بی‌دفاع را محکوم می‌کنند. (تکیه از توفان)

ما از همگان می‌خواهیم که با اعتراض‌های خود در سراسر گیتی، مانع تداوم جنگ شده و جنگ‌طلبان را از جنایت علیه بشریت باز دارند.
کانون نویسندگان ایران «در تبعید» و انجمن قلم ایران «در تبعید»

۲۸ اکتبر ۲۰۲۳

این اطلاعیه ننگین از جانب مشتئی نویسنده بی‌حیثیت و در تبعید منتشر شده است که به بهترین وجهی از جنایات اسرائیل در حمله کینه‌توزانه و مملو از دروغ به سازمان فلسطینی حماس که سازمانی منتخب مردم فلسطین در یک انتخاب دموکراتیک بوده است به دفاع

برخاسته است. آنها نیز مانند آموزگارانشان بیرون منصور حکمت از: «جنگ خانمان برانداز ... که میان دو نیروی به غایت ارتجاعی؛ از یک سو دولت آپارتاید اسرائیل و از دیگر سو، سازمان جنایتکار و اسلامی حماس در جریان است که تنها جان انسان‌های بیگناه و بی‌دفاع را می‌ستاند» صحبت می‌کنند. برای آنها ماهیت و مضمون سیاسی مبارزه مردم فلسطین در طی ۷۵ سال گذشته برای رهائی ملی از دست اظغالگران صهیونیستی که به زور سرزمین فلسطینیان را اشغال کرده‌اند مطرح نیست. برای آنها شهرک‌نشینان فاشیست و ضدبشر صهیونیستی که خانه‌های فلسطینی‌ها را ضبط می‌کنند همانقدر حق دارند که قربانیان این تجاوز. برای آنها مردمی که از نظر کانون نویسندگان ارتجاعی ایرانی دارای تفکر ارتجاعی هستند حق حیات نداشته و مبارزه آنها با اشغالگران تبهکارانه و جنایتکارانه است. تا به این حد نمی‌شود در منجلاب دروغ، رسوائی، بشر ستیزی و خیانت ملی دست پا زد. یک کانون ادبی با این چنین تفکر ضد بشری و عمیقاً ارتجاعی چگونه به خود حق می‌دهد از ارتجاعی بودن تفکر سازمان فلسطینی حماس صحبت کند.

پیام نرگس محمدی از زندان اوین برای کشته شدن آرمیتا گراوند:

آرمیتای پر از شور زندگی ما را به خاطر موهای زیبایش که قصد نداشت با «حجاب اجباری» پنهانش کند، به گام مرگ فرستادند.

هیچ خبرنگار مستقلی اجازه ورود به بیمارستان ارتش نیافت. خبرنگار فعال، گزارشگر وابسته حکومتی صدا و سیمای جمهوری اسلامی بود و سایت‌های اطلاع‌رسانی، سایت‌های سپاه پاسداران بودند. فیلم‌های دوربین‌های مترو، بریده بریده شد. خانواده، دانش آموزان و معلمان مدرسه تحت کنترل قرار گرفتند. خبر مرگ او را نه خانواده، بلکه خبرگزاری دولت اعلام کرد و زمان مرگش را نه علامت تن دختر جان داده، بلکه سیاست دغلاکار حکومت تعیین کرد. محل دفنش را هم حکومت اجبار خواهد کرد.

خبر کشته شدن آرمیتا گراوند با مهندسی نهادهای امنیتی، زیر آوار پنهانکاری، فریبکاری و دروغ‌گویی حکومت «زن ستیز دینی استبدادی» در میان اخبار کشته شدگان جنگ در خاورمیانه، ناله‌ای در میان فریادهای گوشخراش بود. آتش می‌بود که شعله‌هایش از قتل مهسا، نیکا، سارینا، غزاله و... برمی‌خواست.

آرمیتای ما با مظلومیتی بیش از مظلومیت دختران و پسران جان داده با تیر و گلوله جان داد.

حکومت با چنگال‌های امنیتی آنچنان بر آن «جنایت» چنبره زد که «حقیقت» زیر تلی از تهدید و فریب دفن شد. وقتی «حقیقت» دفن می‌شود و مظلوم بی‌پناه، یاری فریاد زدن نه برای «عدالت جویی»، بلکه حتی فریاد «درد» ندارد، مرگ، کمترین «درد» و «رنج» بشر است. درد، به واقع دروغ، نیرنگ و فریب حکومت است.

مرگ مظلومانه آرمیتا را هرگز فراموش نخواهم کرد و به پاس خونش «حجاب اجباری» را برنخواهم تابید.

نرگس محمدی / زندان اوین / آبان ۱۴۰۲

تفسیری بر نامه سراپا ساختگی، بی‌سند و تخیلی خانم نرگس محمدی.

خانم نرگس محمدی ... ادامه در صفحه ۱۶

تروریسم امپریالیستی و صهیونیستی، هر مبارزه عادلانه ضد دشمنان بشریت را «تروریسم» جا می‌زند

بی وجدان‌ها دور... دنباله از صفحه ۱۵

بعد از اعلام مرگ مغزی خانم آرمیتا گرداند فوراً قلمش به کار افتاد و به تحریک و آرایش دروغ متوسل شد. کسی که ۲۵ روز وقت تلف کرد تا بر کشتار هزاران آرمیتا در نوار غزه به دست صهیونیسم چشم ببوید و بر آن سرپوش بگذارد، حتی یک دقیقه نیز وقت تلف نکرد تا برای ایجاد، تشنج، بلوا، تحریک، دروغگوئی، شایعه‌پردازی، افسانه‌سرایی... به انتشار بیانیه‌ای در مورد مرگ طبیعی و قابل تأسف خانم آرمیتا گرواند دست زند. وی منکر تمام اسنادی می‌شود که سیاه بر سفید موجودند و اساساً انگیزه و ضرورتی برای کشتن خانم آرمیتا وجود نداشته است. نرگس محمدی ولی به عنوان دادستان ظاهر می‌شود و قبلاً در لباس مامور تحقیق پرونده را برای ادعای نام‌دار دادستان کاملاً آماده کرده است. وی دروغ‌های خویش را به عنوان «حقیقت» جا می‌زند و مرز میان شهدای خلق ایران که در یک مبارزه سیاسی و انقلابی به هلاکت رسیدند در کنار اجساد عادی قرار می‌دهد. نرگس محمدی‌ها به جنازه نیاز دارند تا مبارزه کنند. آنها جاقوکان و قاتلانی می‌خواهند نظیر مجید رضا رهنورد که به کارنامه سربریدن چهار نفر به رتبه «قهرمان ملی» و «شهید خلق» ارتقاء یافته تا حیثیت تمام شهدای قهرمان خلق ایران از بدو مبارزه ضد استبداد و دموکراتیک آنها در تاریخ معاصر ایران را تخطئه کند. این بی‌اخلاق، بی‌پرنسیپی در نزد اپوزیسیون ضد ایرانی به فضیلت بدل شده است زیرا آنها با این منطق کار می‌کنند که ما هر دروغی را به پیکره جمهوری اسلامی می‌چسبانیم تا به مقاصد شوم خود برسیم. در تمام دوران کشتار صهیونیست‌های از دختران بی‌حجاب و با حجاب نوار غزه ایشان و همپالکی‌هایشان در فضای مجازی برای منحرف کردن افکار مردم و حمایت از اسرائیل به جنازه خانم آرمیتا متوسل می‌شدند. سرپای این اطلاعیه در خدمت حمایت از اسرائیل، منحرف کردن افکار عمومی از جنایات آنها در نوار غزه و تکمیل پروژه دروغ‌سازی، افسانه‌سرایی، گفتار بی‌سند، توزیع جعلیات می‌باشد. تنها نکته درست در این سند این است که مبارزه زنان ایران برای پوشش اختیاری، برای مبارزه با گشت ارشاد به پایان نرسیده و این مبارزه طبیعتاً صادقانه و به دور از ریاکاری ادامه خواهد داشت.

نرگس محمدی برنده جایزه صلح نوبل از زندان اوین: خواهان پایان جنگ هستیم!

چهارشنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۲ برابر با ۰۱ نوامبر ۲۰۲۳ واقعیت این است که «جنگ» و «استبداد» دو روی یک سکه‌اند، هر دو ویرانگر انسانیتند و انسان می‌کشند. حمله به مردم بی‌پناه، کشتار کودکان، زنان و غیرنظامیان، گروگان‌گیری آنان، بمباران بیمارستان‌ها و مدارس و موشک‌باران مناطق مسکونی، جهان را به حیرت، وحشت و حتی استیصال کشانده است و قلب دردمند من از «استبداد دینی» را به دردی فزون‌تر مبتلا کرده است. از پشت دیوارهای سرد و سیاه زندان اوین، گرچه پای به زنجیرم، اما با رساترین صدا خواهان آتش‌بس فوری، پایان دادن به «جنگ»، کوتاه کردن دست جنگ‌افروزان از سر مردم بی‌گناه، احترام به «حقوق انسان‌ها» و ایجاد امکان «زندگی مسالمت‌آمیز» مردمان در کنار یکدیگر هستیم. یقین دارم با قدرت افکار عمومی جهانی و انسجام بین‌المللی نهادها و مدافعان حقوق بشر و صلح‌طلبان

جهان این مسیر گرچه با دشواری، محقق خواهد شد. با آرزوی صلح پایدار جهانی و برابری و آزادی نرگس محمدی

زندان اوین

آبان ۱۴۰۲

تفسیری بر نامه ننگین حمایت خانم نرگس محمدی از جنایات صهیونیسم

ریاکاری خانم نرگس محمدی که نامی از صهیونیست‌های اسرائیل در تمام متن نامه‌اش نمی‌برد در این نهفته است که چنین جلوه می‌دهد که مبارزه مردم فلسطین فاقد پیشینه تاریخی و خارج از زمان و مکان اتفاق افتاده است. وی از مسیبان نابودی بیمارستان‌ها، شهرها، مدارس، قتل عام کودکان و... نامی نمی‌برد و به مبهم‌گویی عامدانه مشغول است تا صهیونیسم جنایتکار و ضد حقوق بشر را در کنف حمایت خویش بگیرد. وی با هر جنگی ظاهر مخالف است، با جنگ بر ضد نازی‌ها، با جنگ بر ضد آمریکا و... ولی با جنگ علیه ایران موافق است. این خانم منکر عادلانه بودن جنگ‌های عادلانه ملت‌هاست. وی با تکیه بر «استبداد» در همان آغاز سند ننگینش به خلط مبحث می‌پردازد. پرسش این است که آیا جنگ عادلانه مردم الجزایر، اندونزی، مالی، سودان، هندوستان، ویتنام، چین و... برای استقرار «استبداد» دینی بود و یا برای پایان دادن به سلطه اجانب و رهائی ملی. این مترادف قرار دادن «استبداد» و «جنگ» مخدوش کردن مبارزه آزادیبخش ملت فلسطین بر ضد اشغالگران کودک‌کش و جنایتکار صهیونیسم اسرائیل است. خانم نرگس محمدی که ظاهراً «پایش در زنجیر» ولی قلمش در خدمت اجانب و دشمنان ایران رقم می‌زند و ظاهراً از آزادی کامل برای نشر اکاذیب برخوردار است، می‌خواهد چنین القاء کند که مبارزه با سازمان فلسطینی حماس مبارزه با استبداد دینی و مبارزه با جمهوری اسلامی است و لذا نابودی آنها آرزوی قلب دردمند ایشان است حتی اگر تحقق رویاهایش به کشتار ۱۵ میلیون ایرانی و ویرانی سرزمین ما منجر شود.

خانم نرگس محمدی جنایات صهیونیسم را که مردم عادی را در سرزمین اشغالی توسط ارتش و شهرک‌نشینان نازی و نژادپرست می‌کشد، به کشتار ۱۰ هزار کودک تا کنون دست زده است، نوار غزه را به تل خاک بدل نموده و فلسطینی‌ها را از آب، غذا و دارو برخلاف پیمان‌های جهانی حقوق بشری محروم کرده و آنها را حیوان می‌نامد، به یکباره به گردن «استبداد مذهبی» که محلی از اعراب در این بحث ندارد با آگاهی و ریاکاری تمام قرار می‌دهد تا مسیب را جمهوری اسلامی و یا سازمان فلسطینی حماس جلوه دهد.

هر انسان آزاده و مدافع حقوق بشر می‌داند که درجهان **حقی به نام حق اشغال و تجاوز و غصب سرزمین دیگران** وجود ندارد. اشغالگر و تبهکار نمی‌تواند **به حق دفاع از خود** استناد کند که جنایتکارانه بوده و از طرف سازمان ملل متحد رد شده است. هر انسان صمیمی و نه بی‌وجدان می‌داند که ملت فلسطین حق دارد اشغالگر را با تمام امکاناتی که در اختیار دارد از سرزمینش بیرون کند. هرکس می‌داند که این ملت فلسطین است که حق حیات در سرزمین واقعی خود دارد و نه صهیونیست‌های واراداتی که باید به سرزمین‌های خود باز گرداند و دارای کوچکترین

حقوقی در سرزمین‌های اشغالی نیستند. مبارزه مردم فلسطین یک مبارزه عادلانه، یک جنگ عادلانه بر ضد تجاوزگر است و ربطی به ایدئولوژی حاکم بر رهبری مبارزات ملی و رهائی‌بخش آنها ندارد. مرز روشنی میان ایدئولوژی و سیاست موجود است. خانم نرگس محمدی نه تنها دارای ایدئولوژی ارتجاعی و ضدبشری بلکه دارای سیاست ارتجاعی و ضد بشری نیز هست و اساساً با این ماهیت ارتجاعی مجاز نیست در مورد سرنوشته خلقی که برای رهائی ملی خویش به پا خاسته و خواهان نابودی صهیونیسم است اظهار نظر کند. نمی‌شود میان قاتل و مقتول، ستمگر و ستم‌کش، ظالم و مظلوم، استعمارگر و استعمار شده و... علامت تساوی گذارد. مضحک است که کسی آرزو کند غاصب و مغضوب بر آن شوند تا «احترام به حقوق انسان‌ها» و ایجاد امکان «زندگی مسالمت‌آمیز» مردمان در کنار یکدیگر» را به رسمیت شناخته و شرایط آن را فراهم آورند. این پیشنهاد ارتجاعی و عمیقاً استعماری به نفع صهیونیسم و امپریالیسم در خدمت حفظ وضع موجود، یعنی ادامه کشتار فلسطینی‌ها، غصب زمین‌های آنها، غارتشان، کشتار کودکان آنها و نسل‌کشی آنهاست. ریاکاری از تمام متن این سند ننگین که در خدمت تسلیم مردم فلسطین و دست کشیدن از مبارزه به نفع اشغالگر و غاصب است می‌بارد. این سند در حمایت آشکار از سرکوب ملت فلسطین، حمایت از جنایات صهیونیسم، نقض حقوق بشر و توهین به شعور انسان‌های سراسر جهان است. این سند نشان می‌دهد که در پس جایزه تدارک دیده شده‌ی صلح نوبل که توسط اتحادیه اروپا از چند سال پیش و هزینه گزاف و تبلیغات دروغ و سرسام‌آور توسط اپوزیسیون بی‌وجدان ایرانی آماده شده است، دارای چه ماهیتی است. خوشبختانه از روز ۷ اکتبر مهره‌ای به نام نرگس محمدی سوخت، خاکستر شد و به باد فنا رفت. سایر اپوزیسیون بی‌وجدان و همدست اسرائیل نیز به همین سرنوشته دچار خواهند شد.

کمیته حمایت از حرکتهای اعتراضی مردم ایران در نورنبرگ

۳۱ اکتبر ۲۰۲۳

این روزها تلویزیون منوتو هیچ تلاشی نمی‌کند که در پوشش اخبار جنگ در فلسطین، به یک جنبه‌گرایی به نفع صهیونیست‌ها متهم نشود!

نه تنها هیچ خبری از جنایات صهیونیست‌ها علیه غیرنظامیان غزه را منتشر نمی‌کند، بلکه حتی بروری پوشش خبری عملیات‌های ارتش اسرائیل متمرکز شده است!

نه تنها هیچ خبری از تجمعات چند ده هزار نفری کشورهای مختلف در حمایت از مردم غزه را پخش نمی‌کند، بلکه اخبار تظاهرات‌های جهان را معطوف به تجمعات اندک در حمایت از صهیونیست‌ها کرده است. جالب اینکه بخش خبری منوتو حتی در برخی مواقع پا را از خبررسانی هدفمند و جهت‌دار در راستای منافع صهیونیست‌ها فراتر گذاشته و رسماً نقش یک رسانه تحلیلی و عملیات روانی برای مصالح اسرائیل را بازی می‌کند!

اسناد مربوط به ۹ سال ضرر میلیونی، پاسخ‌چرایی حمایت بی‌حد و حصر منوتو از اسرائیل را می‌دهد!

*** ... ادامه در صفحه ۱۷

بی وجدان‌ها در... دنباله از صفحه ۱۶

ماهیت نهادهای مردمی حقوق بشر ایرانی را بشناسیم

هر انسان شریفی می‌داند که حقوق بشر دست‌آورد بشریت از زمان نابودی قرون وسطا و قطع شدن دست گلیسای کاتولیک در اروپا و غرب است. هرانسان با وجدانی می‌داند که حقوق بشر جهانشمول بوده و گزینشی نیست. ولی زمانی که ضدبشرهای نقابدار بخواهند در پشت سنگر دفاع از حقوق بشر، فقط جمهوری اسلامی را آماج حملات خود قرار دهند ولی مانع شوند تا از حقوق فلسطین‌های، لبنانی‌ها، یمنی‌ها، اسرای فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی دفاع شود در حقیقت ماهیت ضدبشری خود را نشان داده‌اند و باید آنها را افشاء کرد. هر ساله تجزیه‌طلبان ایرانی از اقصی نقاط جهان به یاری باکو و تل آویو برای تضعیف زبان ملی راهی سوئیس می‌شوند و به این نقض حقوق بشر معترضند ولی این معترضان به قتل عام بیش از ۱۱ هزار فلسطینی و بمباران آنها اعتراضی ندارند، زیرا حقوق بشر آنها گزینشی و تنها ابزار مبارزه سیاسی برای تدارک و زمینه‌سازی سلطه امپریالیسم و صهیونیسم بر جهان است. بسیاری از این «نهادهای مردمی» و «حقوق بشر» ایرانی در وین، در سوئیس، در پاریس، در لندن، در بروکسل جنب اتحادیه اروپا، در استکهلم، در کلن، فرانکفورت، برلن و... در زمان غائله «زن زندگی آزادی» حنجره می‌دریوند ولی امروز ترجیح می‌دهند سکوت اختیار نمایند زیرا بی‌وجدانی به ابزاری برای کسب درآمد خصوصی بدل شده است.

جنایات ضدبشری امپریالیسم و صهیونیسم، دوگانگی اخلاقی غرب ریاکار به حدی فزونی یافته است که بسیاری از رهبران دول جهان آن را به باد انتقاد گرفته و به این ریاکاران غربی نشان می‌دهند که گفتار دیروز آنها در باره اوکراین و ادعاهای امروزشان در مورد اسرائیل در تناقض آشکار قرار دارد. لیبرالیسم ریاکارانه غرب از این بیعت درهم شکسته شده است و این مضلل‌گریبان همه گروه‌ها و سازمان‌های مزدور حقوق بشری ایرانی را نیز خواهد گرفت. از فردا کسی تبلیغات ریاکارانه آنها را باور نخواهد کرد.

هم اکنون به این خیر تکان‌دهنده توجه کنید:

مقاومت زندانیان سیاسی فلسطینی

اعتصاب غذای دسته جمعی علیه شرایط زندان فلسطینی‌ها دهه‌هاست که ادامه دارد.

نوشته ران آگوستین

یونگه ولت

ترجمه مجله هفته

مبارزه فلسطینی‌ها علیه شرایط ویژه بازداشت که از دهه‌ها پیش با آن مواجه هستند، هرگز متوقف نشده است. زندانیان هم از سوی اسرائیل و هم از سوی سازمان‌های فلسطینی به عنوان پیشگام مقاومت دیده می‌شوند، زیرا آنها از ضرورت‌های وضعیت زندان، تقسیم جناح‌های سیاسی را تا حد زیادی پشت سر گذاشته‌اند و خود را به عنوان یک اتحاد واحد می‌بینند. همین امر در مورد خانواده‌های آنها نیز صدق می‌کند که سال‌هاست از یکدیگر حمایت می‌کنند. تا دوهفته پیش زمانی که هنوز محدودیت کامل تماس برقرار نشده بود، مادران برای اینکه بتوانند نه تنها پسران و دختران خود، بلکه سایر زندانیان رانیز ملاقات کنند، عملاً می‌جنگیدند. تنها سلاحی که زندانیان خود در برابر تخریب تمامیت

خود دارند، اعتصاب غذای جمعی است. پس از اینکه مشخص شد که طبق دسته‌بندی‌های ذکر شده در توافقات اسلو، همه زندانیان آزاد نمی‌شوند، در سال ۱۹۹۸ نه اعتصاب غذا بر گزار شد. دو سال بعد، ۱۰۰۰ نفر از ۱۶۵۰ زندانی فلسطینی آن زمان یک ماه به «اعتراض به آزار و اذیت خودسرانه، شرایط حبس اسفناک، ممانعت از ملاقات خانواده‌ها، انزوا، مراقبت‌های پزشکی ضعیف و امتناع اسرائیل از آزادی زندانیان سازمان آزادی‌بخش فلسطین» اعتصاب غذا کردند.

در اوایل سال ۲۰۱۲، ۱۸۰۰ زندانی فلسطینی تا دوماه در اعتصاب غذا بودند و خواستار لغو انزوا، اجازه ملاقات خانواده‌ها از غزه و لغو بازداشت اداری بودند. در نتیجه، بازداشت اداری فقط به صورت صوری اصلاح شد، اما قادر عدنان که به «فعالیت‌های تروریستی» متهم شده بود، پس از ۶۶ روز اعتصاب غذا آزاد شد. با این حال، او در ماه مه ۲۰۲۳ برای دوازدهمین بار در بازداشت اداری و پس از ۸۷ روز اعتصاب غذایی خود در گذشت.

در ماه مه ۲۰۱۶ چندین زندانی فلسطینی پس از یک اعتصاب غذای ۹۰ روزه آزاد شدند. آنها زمانی دستگیر شده بودند که در جریان یک تظاهرات در کرانه باختری اشغالی خواستار تحویل اجساد معترضان کشته شده و زندانیان در گذشته به خانواده‌هایشان بودند. این اجساد هنوز توسط مقامات اسرائیلی در سردخانه‌ها و گورهای بی‌نام نگهداری می‌شوند، زیرا با مجازات کلی زندانیان در زمان مرگ آنها هنوز تمام نشده است یا برای اخذ امتیازاتی از خانواده‌های آنان استفاده می‌شوند. یک سال بعد، ۱۵۰۰ زندانی فلسطینی برای بهبود شرایط بازداشت و ملاقات ۲ ماه اعتصاب غذا کردند.

اعتصاب‌های غذای دیگری نیز بین سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۲۲ برگزار شد، و همچنین یک اقدام همستگی یک روزه از سوی ۱۳۰۰ زندانی در زندان عوفر در اوایل اکتبر امسال برای حمایت از اعتصاب غذای کایدال-فاسفوس یک فلسطینی در بازداشت اداری که هفت سال را در زندان گذرانده بود و در سال ۲۰۲۱ نیز تنها پس از یک اعتصاب غذای ۱۳۰ روزه همراه با دیگران آزاد شده بود صورت گرفت.»

در اثر مبارزه مردم فلسطین به رهبری سازمان رهایی‌بخش حماس که به طور واقعی و مشخص برای پایان دادن به اشغال سرزمین فلسطین مبارزه می‌کند معلوم شد، ۶ هزار زندانی سیاسی فلسطینی در زندان‌های صهیونیسم در اسارت به سر می‌برند.

حیرت آور است هیچ مرجع حقوق بشر جهانی و یا ایرانی به این فاجعه ضدبشری تا کنون اشاره نکرده بود، ولی برای ۲۰۰ عدد اشغالگر صهیونیست که به اسارت نیروهای مقاومت درآمده‌اند، گریبان پاره می‌کنند و توگوئی جان یک صهیونیست اروپائی سفیدپوست با ارزش تر از جان صدها و هزاران فلسطینی مسلمان است. گروه‌های حقوق بشر ایرانی که گویا آنها را فقط به عنوان ابزار سیاسی برای مبارزه با رژیم سرکویگر جمهوری اسلامی تاسیس کرده‌اند، از بی‌وجدانی و بی‌تفاوتی نسبت به این همه سرنوشت نابود شده انسانی زنج نمی‌برند و در واقع به وظیفه اصلی خود برای هموار کردن جاده تجاوز روانی به ایران، تحریم ایران، قتل و ترور ایرانی‌های مخالف آنها عمل می‌کنند. ممکن است گفته شود که این «انساندوستان» از این واقعیت بی‌خبر بوده‌اند

که ما آنرا منتفی نمی‌دانیم ولی اکنون که اسناد رو شده است جا دارد این «نهادهای مردمی» ایرانی که از حقوق بشر به صورت جهانشمول دفاع می‌کنند با دادن اطلاعاتی و یا برگذاری نمایشات اعتراضی در مقابل سفارتخانه‌های رژیم نژادپرست صهیونیستی اسرائیل دست به اعتراض در خدمت حقوق بشر برای آزادی زندانیان سیاسی بزنند. ولی شما با دیواری از سکوت مواجه می‌شوید. خانم نرگس محمدی به عنوان مهره‌سوخته ناتو به عنوان برنده جایزه صلح نوبل باید نخستین کسی باشد که به این همه جنایت ضدبشری اعتراض کند، ولی خیر ایشان در مقابل کشتار کودکان، سرکوب زندانیان سیاسی در زندان‌های رژیم صهیونیستی که فاقد هرگونه امکانات پزشکی و داروئی هستند سکوت کرده‌اند. آیا دفاع از حقوق بشر شامل زندانیان فلسطین نمی‌شود؟

ایشان ولی ترجیح داده‌اند به مسئله حجاب در زندان ایران بپردازند، از ناراحتی قلبی خود صحبت کرده و شرط رفتن به درمانگاه را رفع حجاب خود بدانند. حقیقتاً حیرت‌انگیز است! وی در صفحه تبلیغاتی فضای مجاز خود نوشته است: «هر اتفاقی برای من بیفتد مسئولیتش با جمهوری اسلامی است» و برای وی اعلام کرده‌اند: «نرگس محمدی، برنده جایزه صلح نوبل و زندانی سیاسی در اعتراض به «عدم اعزام به بیمارستان قلب» دست به اعتصاب غذا زد». این پرسش مطرح می‌شود که کسی که بیماری خطرناک قلبی دارد چرا از رفتن به بیمارستان برای معالجه قلبی خود سرباز می‌زند و بدتر آن که با اعتصاب غذای غیراجباری به قلب خود نیز صدمه بیش‌تر وارد می‌کند؟ آیا این سازمان‌های پزشکی . حقیق بشری این نوع مبارزه مضحک را مورد تأیید قرار می‌دهند؟ پرسش این است آیا این اقدام تبلیغاتی و پوچ، ماجراجویانه نشانه جسارت، شجاعت، خصلت انقلابی و... است یا تمارض، پامال کردن همه معیارهای اخلاقی، همدستی با اجانب بر ضد مصالح ملی ایران و نه جمهوری اسلامی، مشکوک نمودن همه خواست‌های منطقی سایر زندانیان سیاسی که نیاز واقعی به درمان داشته و مسئولیت جان‌شان به عهده جمهوری اسلامی در زندان‌های ایران است. سوءاستفاده سیاسی از یک موقعیت ویژه امپریالیستی پیش‌ریزی ارزش ندارد و هدفش نقض آشکار حقوق به رسمیت شناخته شده همه زندانیان سیاسی، بی‌اعتبار کردن این حقوق، مشکوک جلوه دادن آنها، بی‌اعتبار نمودن آنها فقط برای یک مانور امپریالیستی است تا انظار را به کمک تبلیغات امپریالیستی و عمال ایرانی آنها در داخل و خارج از کشور از جنایات صهیونیسم در نوار غزه منحرف کند. اقدام این خانم فقط بر ضد همه زندانیان سیاسی و حقوق به رسمیت شناخته شده آنهاست که به عنوان ابزار سیاسی برای به اسارت درآوردن ایران مورد بهره‌برداری قرار گرفته و از این به بعد مبنائی خواهد شد که به هر ادعای ایشان در زندان به عنوان ریاکاری و دروغوئی و شایعه‌پراکنی با تردید برخورد شود.

بیانیه مشترک کارگری: جنگ ویرانگر و ارتجاعی علیه مردم ستم دیده غزه را محکوم می‌کنیم!

شنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۲

سیاست حماس و... ادامه در صفحه ۱۸

اپوزیسیون ایرانی که یکی به نعل و یکی به میخ می‌زند مبلغ دوگانگی و ریاکاری اخلاقی غرب سفید پوست است

بی وجدان‌ها دور... دنباله از صفحه ۱۷

جهد اسلامی و جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی اش در لبنان و عراق و یمن و سوریه و غیره مبتنی بر پان اسلامیسیم با هدف ایجاد دولت اسلامی از نوع جمهوری اسلامی یا مشابه آن در فلسطین است. سیاست و ایدئولوژی اسرائیل و سیاست حامیان اسرائیل بویژه امپریالیسم آمریکا و انگلیس سیاست کوچ اجباری، استعمار، نژاد پرست و بقای اسرائیل قوی و برتری طلب در منطقه است. هیچ یک از این سیاست‌ها منفعتی برای مردم ستم دیده و زحمتکش فلسطین در بر ندارد و همه آنها از سوی مردم آگاه و کارگران و زحمتکشان محکوم می‌باشند.

هر وجدان آگاهی باید از مردم ستم‌دیده فلسطین در مقابل توحش نیروهای فاشیست اسرائیل دفاع نماید متن کامل این بیانیه در ادامه آمده است:

در روز ۷ اکتبر (۱۵ مهر) بار دیگر بازیگرانی که حیات و بقای خود را وابسته به آتش افروزی و دمیدن بر آتش جنگ می‌دانند، به خلق جنایت‌هایی دست یازیدند که از دید هیچ انسانی پنهان نمی‌ماند. این درگیری طی سه هفته هزاران کشته و ده‌ها هزار زخمی، صدها هزار آواره جدید و ویرانی اکثر مناطق مسکونی، بیمارستان‌ها، مراکز آموزشی، اردوگاه‌های پناهندگان بوده و اسرائیل از هوا و زمین و دریا با سلاح‌های مرگبار به انهدام تمام مظاهر زندگی از غزه دست زده و برای بیرون راندن مردم این منطقه و اشغال و تصرف غزه و به بهانه ریشه کن ساختن حماس از هیچ جنایتی حتی کاربرد بمب‌های فسفوری فروگذار نکرده است.

این جنگ ادامه و استمرار سیاستی است که از بیش از صدسال پیش از سوی امپریالیسم و از ۷۵ سال پیش توسط دولت نژادپرست، توسعه طلب و استعمارگر اسرائیل برای ضمیمه کردن خاک فلسطین به اسرائیل صورت می‌گیرد. نادیده گرفتن حق داشتن سرپناه و ابتدایی‌ترین امنیت و آرامش و حق زندگی عادی بدون تهدید و نگرانی از دست دادن زندگی خود و خانواده و کاشانه خود از سوی اسرائیل، مبارزه مردم زیر ستم فلسطین را حقانیت می‌بخشد. مبارزه‌ای که به رغم فراز و نشیب‌ها و ضعف و قوت‌ها به درازای عمر اسرائیل همواره ادامه داشته است.

حق حیات و داشتن امنیت و امکان کار و زندگی که حتی در دنیای سرمایه‌داری به رسمیت شناخته می‌شود، برای مردم فلسطین از سوی دولت اسرائیل و حامیان امپریالیست‌اش قابل قبول نیست و مردم فلسطین حتی در اردوگاه‌ها نیز مصونیت ندارند.

اما سرکوب، کشتار، زندان و شکنجه و بیرون رانده شدن از خانه و سرزمین خود و تباهی و ویرانی، تنها ارمغان اسرائیل و حامیان امپریالیست‌اش برای مردم فلسطین نیست. مردمی که سال‌هاست برای حفظ همسر و فرزندان و سرپناه خود در هراس هستند چگونه می‌توانند سطح آگاهی سیاسی خود و از جمله شناخت از روش‌های دقیق مبارزه‌شان را ارتقا بخشند و از رهبران لایق و دلسوز خود برخوردار باشند، در حالی که پیوسته در معرض سرکوب نظامی و پلیسی و دستگیری و شکنجه و اخراج قرار دارند؟ امپریالیسم و رژیم صهیونیستی در تمام دوران سلطه خود بر سرزمین فلسطین، هرگونه اندیشه مترقی و جنبش سیاسی مخالف سلطه و خواهان آزادی و استقلال را نیز سرکوب کردند و می‌کنند.

آنها همچنین برای تضعیف، متزوی ساختن و در نتیجه ریشه کن کردن مقاومت آزادی بخش و جنبش‌های انقلابی در فلسطین، آگاهانه زمینه را برای رشدیابی نیروهای ارتجاعی در آن سرزمین فراهم آوردند. بر کسی پوشیده نیست که حماس، که اکنون اسرائیل به بهانه مبارزه با آن نقشه‌های توسعه‌طلبی ارضی، نظامی، سیاسی و اقتصادی خود را به عمل در می‌آورد، با حمایت دولت اسرائیل و برای متزوی کردن و منهدم ساختن جنبش آزادی‌بخش فلسطین و سازمان‌های مترقی فلسطینی رشد کرد، توسعه یافت و اداره غزه را در دست گرفت. آری، سیاست‌های دولت اسرائیل موجب گردیده که جریان‌هایی مانند حماس و جهاد اسلامی که خود را به دروغ مدافع آرمان مردم فلسطین جا می‌زنند و در واقع به صورت مستقیم یا غیرمستقیم منافع برخی قدرت‌های منطقه ای را به پیش می‌برند، در صحنه سیاسی فلسطین قد علم کنند و پرچم دروغین «مقاومت» را در دست گیرند. از این رو مردم زحمتکش فلسطین میانه تیغه‌های تیز قیچی و یک زورآزمایی میان دو جبهه ارتجاعی تکه پاره شوند و آزادی و استقلال از آنها گرفته شده است: از یک سو گروگان نیروی ارتجاعی بی هستند که با قسم یاد کردن به نام «فلسطین و قدس» سودای تحکیم ایدئولوژی و پان‌اسلامیسیم در سر می‌پروراندند و از سوی دیگر با قساوت و بی‌رحمی سیاست فاشیستی - صهیونیستی کشور نژادپرست اسرائیل گرفتار هستند. ما هر دو نیروی ارتجاعی و ضد مردمی را محکوم می‌کنیم سیاست حماس و جهاد اسلامی و جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش در لبنان و عراق و یمن و سوریه و غیره مبتنی بر پان‌اسلامیسیم با هدف ایجاد دولت اسلامی از نوع جمهوری اسلامی یا مشابه آن در فلسطین است. سیاست و ایدئولوژی اسرائیل و سیاست حامیان اسرائیل به ویژه امپریالیسم آمریکا و انگلیس سیاست کوچ اجباری، استعمار، نژاد پرست و بقای اسرائیل قوی و برتری طلب در منطقه است. هیچ یک از این سیاست‌ها منفعتی برای مردم ستم‌دیده و زحمتکش فلسطین در بر ندارد و همه آنها از سوی مردم آگاه و کارگران و زحمتکشان محکوم می‌باشند.

هر وجدان آگاهی باید از مردم ستم‌دیده فلسطین در مقابل توحش نیروهای فاشیست اسرائیل دفاع نماید. توده‌های زحمتکش کشورهای مختلف باید علیه این جنگ ویرانگر و کشتار انسان‌های بی‌دفاع در غزه موضع‌گیری کنند و در خیابان‌های کشور خود قطع فوری جنگ را فریاد بزنند.

باید سیاست‌های سلطه‌طلبانه و سودجویانه حکومت‌های مدافع جنگ و طرف‌های درگیر در این مناقشه که بر اهداف منافع امپریالیستی، غارت‌گری و عظمت‌طلبانه استوار است و بر اساس نفی حقوق مردم فلسطین و قتل و جنایت آشکار ترسیم گردیده، محکوم کرد و با افشای سیاست اسرائیل و حامیان امپریالیست‌اش از یکسو و افشای سیاست‌ها و اهداف ارتجاعی حماس، جهاد اسلامی و جریان‌های لیبرال رفرمیست مدعی رهبری مردم فلسطین، از گسترش جنگ ممانعت به عمل آورد. رژیم‌های اسرائیل، ایران، ترکیه، مصر، عربستان، آمریکا، فرانسه، آلمان، انگلیس و متحدانشان، همگی به دنبال منافع سیاسی، نظامی و اقتصادی خود هستند و هیچ کدام خواستار فلسطینی آزاد، مستقل و پیشرو، فلسطینی که منافع مردم آن سرزمین، به ویژه منافع و خواست‌های

کارگران و زحمتکشان فلسطینی را تأمین کند نیستند. باید با برافراشتن پرچم مبارزه با اشغال، کشتار و جنگ و تلاش برای صلح عادلانه و آزادی مردم فلسطین، پرچمی که باید از سوی کارگران و زحمتکشان و همه مردم آزادیخواه و مترقی در سراسر جهان از جمله در اسرائیل، برافراشته شود برای پایان دادن به این وضعیت مرگبار خاتمه داد.

با شعار مخالفت با جنگ و کشتار و آدم کشی، به دفاع از مردم مظلوم فلسطین و کارگران و زحمتکشانی که زندگی آنها تحت الشعاع مصیبت‌های این جنگ ارتجاعی قرار گرفته است، بپردازیم. توده‌های زحمتکش و ستم‌دیده فلسطین حق دارند برای تغییر در سرنوشت خود که از سوی سازش‌کاران، مصلحت‌اندیشان و نارهبران به بازی گرفته شده است تجدید نظر کنند و در مبارزه ای آگاهانه حاکم بر سرنوشت خود شوند.

۱۳ آبان ۱۴۰۲

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

گروه اتحاد بازنشستگان

کمیته هم‌هانگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

تفسیری بر یک بیانیه مودیانه با البسه عوام‌فریبانه کارگری

قبل از تفسیر این حکم برائت برای جنایت این نکته را یادآوری کنیم که هواداران این نظریه‌ی مودیانه در هیچ‌کدام از نمایشات اعتراضی در جهان، و از جمله در ایران شرکت نکرده و مردم را از شرکت در اعتراضات به بهانه حضور مسلمانان، سازمان‌های مقاومت فلسطینی منع می‌کردند. تمام غائله‌گران «زن زندگی آزادی» این بار با پرچم رسمی حمایت از اسرائیل به میدان آمدند. هواداران این نظریه «مبارزه دو قطب ارتجاعی»، فرصت‌طلبانه طبیعتاً در عرصه پرگوئی و حرف‌های و زنگ عوض کردن می‌توانند بر صفحه کاغذ جولان دهند، ولی در عمل که معیار حقیقت است باید روشن کنند که در تظاهرات حمایت از اسرائیل شرکت می‌کنند و یا در پشتیبانی از تظاهرات میلیون‌ها مردم جهان در تائید مبارزه مردم فلسطین و افشای نقش دروغ‌های صهیونیسم اسرائیل. این عده در حمایت از اعتراضات مردم و طبقه کارگر جهان از فلسطین شرکت نکردند و در کنار صهیونیسم باقی ماندند و پاره‌ای از همین تنورسین‌های مزدور حتی در کنار پرچم اسرائیل و اوکراین قرار گرفتند. یکی از متون ضدانقلابی و ارتجاعی که در حمایت از بی‌وجدان‌ها منتشر شده است، بیانیه‌ایست تحت نام «بیانیه مشترک کارگری: جنگ ویرانگر و ارتجاعی علیه مردم ستم دیده غزه را محکوم می‌کنیم!». ویژه‌گی این بیانیه ارتجاعی یکی در این است که برای عوام‌فریبی البسه کارگری برای ایجاد رعب و حقانیت آن به تنش کرده‌اند و دیگری تئوریک‌ترین مبانی است که نگارندگان آن برای توجیه جنایت و تبهکاری خلق نموده و به این جهت سندی در توجیه استعمار، اشغال، خیانت و تبهکاری است، و وظیفه هر انسان با وجدانی است که این سند ننگین را به عنوان مظهر نظر بی‌وجدان‌ها که ربطی به طبقه کارگر ایران ندارد، تا حد امکان افشا کند. به نکات زیر می‌شود به عنوان ستون‌های این بنای ارتجاعی اشاره کرد:

نخست این که این سند ... ادامه در صفحه ۱۹

سکوت و بیطرفی در قبال قتل کودکان فلسطینی، همدستی با صهیونیست‌های کودک‌کش است

بی وجدان‌ها در... دنباله از صفحه ۱۸

محصول کار قلم‌بدستانی است که معدودی از فعالان سیاسی حزبی بوده به جنبش کارگری ایران ربطی نداشته و از آبخور فرقه‌های کارگرونده ضدانقلاب خارج از کشور سیراب می‌شوند. تنها صرف حمل نام کارگری، برای کسی حقانیت نمی‌آورد. منصور اوسانلوی زبان‌دوخته نیز از این قماش بود.

این تشکلی که خود را تشکل کارگری می‌نامد کوچکترین قربانی با مبارزات سنتی طبقه کارگر ایران نداشته و نماینده کارگران ایران نیست، حتی نماینده مجموعه کارگران هفت تپه نیز نمی‌باشد. نماینده کسانی است که در فضای مجازی فعالند و فاقد پایه اجتماعی می‌باشند و آبخورشان گروه‌های چپ ضد کمونیست در خارج از کشورند.

این تشکل فرق میان کار صنفی، حرفه‌ای، سندیکایی طبقه کارگر را که برای وحدت طبقه کارگر کسب خواست‌های مطالباتی، صنفی این طبقه مبارزه می‌کند با کار حزبی که برای سرنگونی و کسب قدرت سیاسی است نمی‌داند و یا عامدانه آن را مخدوش می‌کند. سندیکاهای حرفه‌ای از جمله سندیکاهای کارگری تنها برای ایجاد وحدت کارگران در سازمانی حرفه‌ای در مبارزه با استثمار، برای افزایش دستمزد، بهبود شرایط زندگی، دفاع از حقوق قانونی کارگران به وجود آمده و مبارزه می‌کنند. مبارزه دموکراتیک آنها یک مبارزه عمومی تمام خلقی بوده که مجموعه جامعه را با مقبولیت عمومی در بر می‌گیرد.

این عده که عناصری حزبی برای فریب طبقه کارگر و انحراف مبارزه آنها هستند، در بخشی از ننگین‌نامه خود در مورد تمام منطقه، نقش سیاست خارجی ایران که باب طبع ایشان و اربابانشان نمی‌باشد، به تکرار سخنان صهیونیسم و امپریالیسم در شکل «جنگ نیابتی»، تحقیر مبارزه قهرمانانه مردم عراق، سوریه، فلسطین، یمن، لبنان بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم با همان مضمون «نه غزه، نه لبنان جانم فدای اسرائیل» قلمفرسایی کرده اند که ربطی به مبارزه مطالباتی طبقه کارگر ایران ندارد. کارگران ایران که برای حقوق و خواست‌های حرفه‌ای، صنفی و مطالباتی خویش مبارزه می‌کنند می‌توانند هوادار مبارزه مردم یمن باشند و یا نباشند. اتحادیه کارگری را به سمتی سوق دادن که از سیاست‌های اسرائیل برای تجاوز به ایران و تحریم ایران دفاع کند، حمایت از کارگران نیست قربانی کردن آینده ایران و کارگران است. در این تئوری ارتجاعی نیروهای ضدانقلابی مرز روشن میان کار حرفه‌ای، دموکراتیک، مطالباتی، توجه به زندگی میلیون‌ها کارگر ایرانی را، با خواست کسب قدرت سیاسی ماجراجویانه و تخریب در مبارزه کارگران مخلوط کرده‌اند.

یکی دیگر از تئوری‌های ارتجاعی این جریان فکری صهیونیستی همان تئوری منصور حکمت است که مدعی بود سیمای سیاسی جامعه بشری بعد از فروپاشی شوروی را نزاع میان «اسلام سیاسی و میلیتاریسم آمریکا» تعیین می‌کند و همه نیروهای مترقی جهان باید از «مدرنیسم، سکولاریسم» آمریکا در مقابل «اسلام سیاسی» جهان اسلام به دفاع برخیزند، چه در عراق، چه در افغانستان، لیبی و... یادآوری این نکته البته ضروری است که این ریاکاران در سوریه از داعش در مقابل حکومت قانونی و مشروع بشار اسد دفاع می‌کردند- با همین

منطق صهیونیستی و ارتجاعی چند استنتاج خیانتکارانه می‌کنند:

یک مبارزه میان صهیونیسم اسرائیل و سازمان‌های انقلابی فلسطینی و از جمله سازمان مقاومت اسلامی حماس که رهبری این مبارزه آزادیبخش را به عهده دارد، جنگی ارتجاعی بوده، نزاع میان دو قطب ارتجاع است و «انقلابیونی» نظیر این گماشتگان فکری اسرائیل باید هر دو طرف را محکوم کنند که البته بیشتر منظورشان طرف «اسلام‌گرا» هاست که تبلورش در نگارش و تبلیغ آنها مشهود است.

حمایت این عده از مبارزه مشخص مردم فلسطین به رهبری نماینده منتخشان - که در یک انتخابات دموکراتیک انتخاب شده‌اند و آنها آن را عامدانه مسکوت می‌گذارند - نیست، بلکه از مبارزات موهومی، بدون نقش رهبری، بدون فعالان جهاد اسلامی، و نیروی مقاومت حماس و جبهه خلق برای آزادی فلسطین است. آنها از یک «خلق نیست در جهان»، «خلق موهومی» تجلیل می‌کنند، ولی خلق مشخص و مبارزه مشخص فلسطینی‌ها را تقبیح می‌نمایند و محکوم می‌کنند. همان کاری که ارتجاع جهانی به رهبری اندیشکده‌های اسرائیل سال‌هاست مشغول انجام آنند.

آنها از پان‌اسلامیسم ایران آتهم بعد از چهل و اندی سال بعد از انقلاب سخن می‌رانند. اگر طرح پان‌اسلامیسم در بدو انقلاب مبتنی بر شعار عمومی پذیرفته شده «همه با هم» موضوعیت داشت و مجموعه روحانیت با دستگاه قضائی ویژه خود را به عنوان «کاست» در برمی‌گرفت، دیگر بعد از گذشت این همه سال‌ها که در اثر انکشاف طبقاتی و رشد سریع سرمایه‌داری نئولیبرالی روحانیت یکدست نبوده و مافیاهائی نظیر رفسنجانی، مرعشی، اصلاح‌طلبان همدست آمریکا و اسرائیل از بطن آنها زاده شد و برای ویرانی ایران با تمام قدرت و حتی نفوذ و رخنه در میان کارگران فعالند، فعلیت و خویش را از دست داده است. طرح بی‌ربط و عامدانه موضوعات مرده فقط برای خلط مبحث است. پان‌اسلامیسم محصول وحدت ملاها، آخوندها در دنیای مبتنی بر فئودالیسم و روابط ایلاتی است و ربطی به ایران پیشرفته کنونی چه از نظر رشد بورژوازی، شرکت زنان در محافل علمی، زندگی اجتماعی و چه از نظر پیشرفت‌های فن‌آورانه علمی و ملی و خودکفائی‌ها ندارد. پس چرا یک عده قلم‌بدست به خود اجازه می‌دهند به نام کارگران ایران به اشاعه جعلیات بپردازند؟ آیا فقط برای آنکه تئوری صهیونیستی «نزاع میان دو قطب ارتجاعی» و حمایت از صهیونیسم را به اثبات برسانند؟

این تئوری ارتجاعی که در حمایت از نسل کشی مسلمانان و حماس تبلیغ می‌شود تجلی خواست آنها و یارانشان در تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران، نقض حاکمیت ملی ایران، نابودی تمامیت ارضی ایران، حمایت از تحریم‌ها و ضبط اموال ایران توسط امپریالیسم در سراسر جهان و نقض تمام حقوق قانونی و دیپلماتیک ایران در سراسر جهان است.

تئوری ارتجاعی بعدی که این عده بر آن مانند متحدانشان در خارج از کشور تکیه می‌کنند، تئوری به رسمیت شناختن «حق حیات اسرائیل»، «حق دفاع از خود اسرائیل» است.

مشتی نژادپرست، صهیونیست، آدمکش، کودک‌کش، حامی نسل کشی و آپارتاید به سرزمین فلسطین وارد

شده، مردم را با داس مرگ در می‌کنند، خانه‌های آنها توسط شهرک‌نشینان مسلح و آموزش دیده آدمخوار را اشغال کرده و آنها را در زندان سرباز و سر بسته به اسارت می‌گیرند ولی هرنوع مقاومت این مردم قهرمان را طی ۷۵ سال و نه از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ ترویس می‌نامند و محکوم می‌نمایند. آتهم توسط رژیم می‌که نه قانون اساسی دارد، نه مرزهایش در قانون اساسی که ندارد روشن است، نه حدود و ثغور این مرزها که برای عضویت رسمی در سازمان ملل متحد به عنوان یک کشور رسمی مورد نیاز است معلوم شده است و لذا جعلی و تقلبی است. اما این عده در این رابطه می‌نویسند:

«نادیده گرفتن حق داشتن سریناه و ابتدایی‌ترین امنیت و آرامش و حق زندگی عادی بدون تهدید و نگرانی از دست دادن زندگی خود و خانواده و کاشانه خود از سوی اسرائیل» (تکیه از توفان).

سخن بر سر اشغالِ مشتی اشغالگر جنایتکار نیست، سخن بر سر حتی نفی «حقوق شهروندی و حقوق بشر» که در شکل ظاهری موجودیت فلسطینی‌ها را هم‌تراز صهیونیست‌ها قرار می‌دهد نیز نیست، نگرانی این عده ناشی از کم لطفی و نامهربانی اشغالگر محق و صاحب‌خانه است که نسبت به سرکوب شده‌ها، نسبت به اسرای انسان‌نما، مسلمانان، گروگان‌ها و بردگان فلسطینی، با نامهربانی رفتار کرده و حق سریناه و ابتدایی‌ترین امنیت و آرامش و حق زندگی عادی ... را از آنها سلب کرده است.؟؟؟. روشن است این نوع بیان موزیانه، تأیید روشن ادامه اشغال و به رسمیت شناختن حق حیات اشغالگر و آدمکش رژیم اشغالگرست و آتهم با چاشنی نفرت غیر طبقاتی نسبت به جمهوری اسلامی. قلم‌بدستان مشکوک این سند با همین درک صهیونیستی نوشته‌اند: «در روز ۱۷ اکتبر (۱۵ مهر) بار دیگر بازیگرانی که حیات و بقای خود را وابسته به آتش افروزی و دمیدن بر آتش جنگ می‌دانند به خلق جنایت‌هایی دست یازیدند که از دید هیچ انسانی پنهان نمی‌ماند.»؟؟؟؟. این عبارت ننگین نه تنها تأیید ضمنی دروغ‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی اسرائیل و امپریالیستی مبنی بر سربریدن سر ۴۰ کودک اسرائیلی است، بلکه در واقع نفی مقاومت و مبارزه برای رهایی از چنگال اشغالگران است. از کی تا به حال قرار بوده ملت‌های تحت ستم نسبت به اشغالگران رحم و مروت داشته باشند و سینه‌های خویش را در مقابل آتش گلوله‌های آنها بدون مقاومت بکشایند؟ هر ملتی با توجه به سطح تحول اجتماعیش حق دارد در مقابل شاعت، شقاوت اشغالگر، متجاوز و نژادپرست ایستادگی کند و همه آنها، تا کید می‌کنیم همه آنها تا آخرین نفر را از سرزمین خود با هر وسیله‌ای که در اختیار دارد و یا می‌تواند و یا از جانیان طی سال‌ها گذشته و تلخ آموخته است، بیرون بریزد. اشغالگران حق حیات در هیچ کشوری ندارند، این ملت فلسطین (اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی) است که حق دفاع از خود دارد و نه رژیم صهیونیستی اسرائیل مصنوعی که مرزهای روشن و تعریف شده‌ای تا به امروز ندارد. این ملت فلسطین است که باید بر گور صهیونیسم، فلسطینی آزاد، آباد و انسانی برای همزیستی مسالمت آمیز و مملو از صلح برای بومیان یهودی، مسلمان و مسیحی و نه اشغالگران و اراداتی بنا کند. با اشغالگر صلح بی‌معنا و به مفهوم ادامه وضع موجود یعنی استقرار و تداوم آپارتاید، نژادپرستی، نسل کشی و ... ادامه در صفحه ۲۰

دفاع از مبارزات رهایی‌بخش مردم بر ضد ارتجاع جهانی ربطی به ایدئولوژی آنها ندارد به سیاست مترقی آنها دارد

بی وجدان‌ها در... دنباله از صفحه ۱۹

جنايت‌کاري است. تا زماني که يک اشغالگر در اسرائيل مصنوعي وجود دارد، اين مبارزه مرگ و زندگي بايد بي‌وقفه ادامه يابد. در اسرائيل ما از مردم «غيرنظامي» و عادي نمي‌توانيم صحبت کنيم، همه آنها به صورت سازمان‌يافته توسط موساد و سازمان‌هاي امنيتي امپرياليستي و صهيونيستي با آموزش مسلحانه براي شهرک‌سازي و اشغال سرزمين مردم فلسطين، براي کشتار فلسطيني‌ها به اسرائيل رفته‌اند و اين عده مردم عادي نيستند بخشي از ارتش اشغالگرند و تا طرد کامل آنها و بازگشتشان به سرزمين‌هاي مادريشان اين مبارزه بايد ادامه پيدا کند که ادامه پيدا مي‌کند و حماسه ۷ اکتبر به کوري چشمان نوکران اسرائيل در ايران نه اولين برآمد فلسطيني‌ها بوده و نه آخرين آن خواهد بود. اين ايرانيان ارتجاعی برای توجیه جنایات صهیونیسم و ارتجاع امپریالیستی با پنهان کردن خویش در سنگر الفاظ و کینه‌توزی غیرطبقاتی و مبتنی بر خونخواهی و قصاص نسبت به جمهوری اسلامی تمام تاریخ استعمار را مورد تأیید قرار داده مبارزه قهرمانانه خلق‌های کره، چین، ویتنام، لائوس، کامبوج، اندونزی، ایران، عراق، مصر، الجزایر، مالی، سودان، گینه، تانزانیا و... تخطئه می‌کنند. آنها هوادار تئوری‌های رهبران سفیدپوست غربی خود هستند.

حزب کار ایران (توفان) قادر نیست به همه دروغ‌هایی که این عده بر کاغذ سفید و صبور ریخته‌اند پاسخ دهد که «مثنوی صد من کاغذ» خواهد شد. فقط اشاره کنیم تمام اطلاعاتی که آنها در مورد سازمان فلسطینی مقاومت اسلامی حماس نوشته‌اند دروغ‌های اسرائیل و جعل محض است و نباید به آن اعتماد کرد.

ما برای افشاء لفاظی‌های ضدانقلابی این عده با آرایش «انقلابی» به نقل قولی از آنها اشاره می‌کنیم، به تفسیر آن می‌پردازیم و به این بحث موزیانه صهیونیستی که تکراری است، خاتمه می‌دهیم:

«از این رو مردم زحمتکش فلسطین میانه تیغه‌های تیز قیچی و یک زورآزمایی میان دو جبهه ارتجاعی تکه پاره شده و آزادی و استقلال از آنها گرفته شده است. از یک سو گروهان نیروی ارتجاعی‌بی هستند که با قسم یاد کردن به نام «فلسطین و قدس» سواد تحکیم ایدئولوژی و پان‌اسلامیسم در سر می‌پرورانند و از سوی دیگر با قساوت و بی‌رحمی سیاست فاشیستی - صهیونیستی کشور نژادپرست اسرائیل گرفتار هستند. ما هر دو نیروی ارتجاعی و ضد‌مردمی را محکوم می‌کنیم

...

باید با برافراشتن پرچم مبارزه با اشغال، کشتار و جنگ و تلاش برای صلح عادلانه و آزادی مردم فلسطین، پرچمی که باید از سوی کارگران و زحمتکشان و همه مردم آزادیخواه و مترقی در سراسر جهان از جمله در اسرائیل، برافراشته شود برای پایان دادن به این وضعیت مرگبار خاتمه داد» (تکیه همه جا از توفان).

آنها در این نقل قول کوتاه موجودیت کشور اشغالگر و تبهکار اسرائیل را به رسمیت شناخته‌اند، از صلح «عادلانه» میان اشغالگر و اشغال شده، سرکوبگر و سرکوب شده، ظالم و مظلوم صحبت می‌کند که تنها مبتنی بر به رسمیت شناخته شدن اشغال فلسطین و نه ترک سرزمین‌های اشغالی است. آنها در واقع نیروهای انقلابی فلسطین، یعنی کسانی را که در مقابل اشغال مبارزه می‌کنند و ۷۵ سال است تسلیم نشده‌اند محکوم

می‌کنند. عقل سالم به هر کسی حکم می‌کند که باید در درجه نخست از مظلوم، ستم‌دیده حمایت کرد و نه از اشغالگر و تبهکار.

در این مبارزه در درجه نخست ملت فلسطین است که باید تا آخرین نفر اشغالگران را از سرزمینش بیرون کند و این خواست همه مردم فلسطین و کارگران فلسطینی می‌باشد و همه نیروهای انقلابی جهان باید از این مبارزه و نه از مبارزه موهومی ساخته اندیشکده‌های فکری صهیونیستی حمایت کنند. حزب ما از مبارزه آزادیبخش مردم فلسطین که به صورت مشخص به رهبری سازمان مقاومت حماس به منزله نماینده جنبش آزادیبخش فلسطین هم اکنون جاری است و در ۷ اکتبر به کوری چشم یاران اسرائیل در ایران، در سرزمین‌های اشغالی حماسه آفرید و ادامه دارد، حمایت می‌کند و در مقابل هر تصویر کاذبی که یاران اسرائیل و چپ‌های ضدکمونیست برای مخدوش کردن این مبارزه و تبلیغ دروغ‌های رسانه‌های صهیونیستی ترسیم می‌کنند ایستادگی خواهد کرد.

همدستان فکری صهیونیسم در ایران مبارزه حماس و سازمان‌های فلسطینی را که برای آزادی کشورشان و پایان دادن به اشغال می‌رزمدند، محکوم می‌کنند و موزیانه درکنار اسرائیل می‌ایستند. آنها یک بار به نعل و صدبار به میخ می‌زنند تا در ذهن خواننده جنایت صهیونیسم را توجیه نمایند و سرانجام هم مضمون این مبارزه آزادیبخش را تحریف کرده و مدعی می‌شوند درآئین مبارزه میان نیروی‌های ارتجاعی، مردم دو کشور و یا توده‌های خلق در دو کشور قربانی می‌شوند که مخالف این جنایت‌اند.

این اوج رباکاری این چپ‌های ضدکمونیست است. زیرا خلقی به نام خلق و یا ملت اسرائیل وجود ندارد. در فلسطین خلق فلسطین بر ضد مثنی اشغالگر مسلح جنايتکار می‌رزد که باید این مبارزه را تا آخرین قطره خون ادامه دهد. تازه گیریم «خلق اسرائیل» با حضورش در خارج از سرزمین اشغالی به منطقه بازگشته و می‌خواهد با زور در آنجا سنگنی گیرند. مگر غیر از این است که ملتی که ملت دیگر را سرکوب می‌کند خودش آزاد نیست؟ مگر غیر از این است که ملت سرکوب و تحقیر شده، لگدمال شده، به قتل رسیده، زنده به گور شده حق دارد در مقابل این «ملت و خلق» جنايتکار مقاومت کند؟ سوءاستفاده از عبارات معصوم برای توجیه جنایات چقدر ننگین است.

حتی اگر صدبار هم الفاظ «خلق»، «ملت»، «توده مردم»، «کارگران» را به سینه «ملت اسرائیل» آدمکش الصاق کنید، نمی‌توانید از اشغالگر به حمایت برخاسته و مبارزه مردم فلسطین به رهبری سازمان فلسطینی حماس را بر ضد آنها تخطئه کنید. مبارزه مشخص مردم فلسطین برای نابودی کامل اشغالگران به نفع کل بشریت بوده و همه کارگران جهان و همه کمونیست‌های یهودی در کنار آن هستند و نه در کنار استقرار صلح امپریالیست. صلح بدون استقلال، صلح بدون آزادی بی‌معنی است، همزیستی مسالمت‌آمیز تنها بر گور صهیونیسم ممکن است خوب است که پیروان منصور حکمت در ایران و خارج و عوامل نقابدار صهیونیسم با البسه کارگر این را آویزه گوش خود کنند.

جامعه کارگری ایران را باید از بلیه خانمانسوز این اپیدمی نجات داد. *

درنده خونی اپوزیسیون... دنباله از صفحه ۲۴

جنایات ضدبشری صهیونیسم از پخش دروغ، شایعه، جعل اخبار، واژگون‌سازی حقایق و نظایر آنها ابائی ندارند.

یکی از این قلم‌بدستان اسرائیلی ایرانی تبار نوشته است: «در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ تعدادی از نفرت‌حاس ... وارد خاک اسرائیل شدند و تعدادی را که برای دو روز در فستیوال موزیک شرکت داشتند به طور وحشیانه به گلوله بستند و یا به گروگان گرفتند و با خود به تونل‌های زیرزمینی غزه بردند تا با جان آنان معامله سیاسی و نظامی انجام دهند. شرکت‌کنندگان در فستیوال موزیک افراد و جوانانی بودند که از اسرائیل و کشورهای دیگر گردهم آمده اغلب طرفدار صلح و نظام‌های سکولار بودند، در نتیجه خوشایند افراطی‌های اسلامی و یهودی نبودند.»

نخست این که تاریخ مقاومت و مبارزات مردم فلسطین از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ شروع نشده است ۷۵ سال است که ادامه دارد و در طی آن صدها هزار کودک و زن و فلسطینی به قتل رسیده، در بیغوله‌های رژیم صهیونیستی پوسیده و یا زیر شکنجه که در اسرائیل قانونی بود، به قتل رسیده‌اند. چندین میلیون فلسطینی میزبان از سرزمین ابا اجدادی خود با سرکوب و گسترش جنایات ضدبشری تاراند شده و زندگی آنها نابود شده است. ۷ اکتبر نقطه عطفی در تاریخ مبارزات این مردم است که تصمیم گرفته‌اند از زندگی بد، بیش‌تر از مرگ بترسند و صهیونیسم را به زانو در آورده‌اند. و این مبارزه توده‌ای و طولانی که مورد تأیید هر انسان و جامعه بشری است، تا نابودی کامل صهیونیسم ادامه خواهد داشت. نگارنده

اسرائیلی ایرانی‌تبار مبارزه سازمان آزادیبخش حماس را برای پایان دادن به اشغال سرزمین‌هایش «تعدادی از نفرت‌حاس ... وارد خاک اسرائیل شدند» جلوه می‌دهد، در حالی که اسرائیل خاکی ندارد که متعلق به وی باشد. حتی هنوز مرزهای این کشور به صورت ناروشن باقی مانده و در اسناد سازمان ملل متحد نه تعریف و نه ثبت شده است زیرا این مرزها سیال بود و حدود و انتهای آن جایی است که زور اسرائیل تا بدانجا می‌رسد. حماس و فلسطینی‌ها در سرزمین خود می‌جنگند و آنها هم بر ضد جنایت‌کارانی که وارد خاک فلسطین شده و این کشور را اشغال کرده‌اند. مزدور

ایرانی جای ستمگر و ستمکش، جای ظالم و مظلوم، جای اشغالگر و حرکت رهائی‌بخش برای آزادی کشور را عوض می‌کند. یهودیانی که به سرزمین‌های اشغالی می‌روند و زیر بغل صهیونیسم را می‌گیرند با آگاهی کامل این کار را انجام داده و در اکثریت قریب به اتفاق خود مسلح و دوره دیده نظامی بوده و حق حمل سلاح دارند و هدفشان از این مهاجرت غصب زمین‌ها و ثروت مردم فلسطین و تصاحب آن با قهر مسلح و قتل عام و نسل‌کشی فلسطینی‌های است. هیچکدام از این لشکر «غيرنظامی» به فلسطین وارد نمی‌شود تا از حقوق مردم فلسطین حمایت کرده بر ضد سرکوب آنها مبارزه کند.

همه آنها همدست دستگاه نظامی و تبلیغاتی صهیونیسم هستند که در یک جنگی که ۷۵ سال است علیه مردم فلسطین ادامه دارد به خدمت در آمده‌اند. گروگان واقعی، بیش از دو میلیون فلسطینی هستند که در بزرگ‌ترین بازداشتگاه جهان در نوار غزه از ابتدائی‌ترین شرایط زندگی محروم بوده و به نسل‌کشی تهدیدی می‌شوند. همین به اسارت در... ادامه در صفحه ۲۱

خانم نرگس محمدی مهره سوخته ناتو دیگر نمی‌تواند نقش خرابکارانه در مبارزات مردم ایران ایفاء کند

درنده خوئی اپوزیسیون... دنباله از صفحه ۲۰

آمدن چند دهه غیرنظامی» مسلح نشان داد که هدف تعویض آنها با زندانیان سیاسی فلسطینی می‌باشد که تعدادشان به ۶ هزار نفر می‌رسد؟! آیا نهادهای حقوق بشر و لابی‌های اسرائیل تا کنون سخنی از این ابعاد فاجعه گفته بودند؟ یا اینکه در مورد آن سکوت می‌کردند؟ جرم این ۶ هزار زندانی سیاسی چیست، جز این که برای رهایی کشورشان از دست اشغالگران مبارزه کرده‌اند. لابی‌های صهیونیسم در ایران بر این جنایت صحنه می‌گذارند زیرا برای آنها وجدان بشری مفهومی ندارد. اما همین افراد ریاکار با نقاب «دفاع از حقوق بشر» برای «مهسا امینی» و «آرمیتا گراوند» و ... دل می‌سوزانند. در منطق این شبکه اسرائیلی ضدانقلابی و ضدایرانی این نکته مشهود است که گویا این اسراء «اغلب طرفدار صلح و نظام‌های سکولار بودند، در نتیجه خوشایند افراطی‌های اسلامی و یهودی نبودند». پس صحبت تنها بر سر نظام سکولار و دشمنی با اسلام است. و اگر به یهودیان نیز اشاره می‌گردد تنها برای رد گم کردن است زیرا حکومت کنونی اسرائیل بدون پرده پوشی نماد صهیونیست ارتجاعی، سرکوبگر، افراطی، آپارتاید، زن‌ستیز بوده و این را تمام اعتراضات اخیر بر ضد نتانیاهو نشان داده است. تا چه حد باید دروغگو و مزدور بود تا بتوان این همه جعلیات را به خورد مردم داد.

جریانی اسرائیلی به عنوان «حزب کمونیست کارگری» که خود میدعی تئوری مبارزه دو قطب ارتجاعی و بر ضد «اسلام سیاسی» بوده و «سنت و مدرنیته»، «سکولاریسم و حکومت مذهب» را در مقابل هم قرار داده و در مقابل اساس مبارزه طبقاتی و ملی و مبارزه برای آزادی سرزمین‌های فلسطینی را از دست اشغالگران نازی به دور می‌افکند. او تمام تلاشش این است که از کشتار مردم فلسطین به بهانه مبارزه با حماس به حمایت برخاسته و با افسانه‌سرای جنگ اسرائیل «دموکراتیک و سکولار» با «اسلام سیاسی» حماس، جنگ میان عربیانی در سواحل مدیترانه و شرب نوشابه‌های الکلی، رعایت مقررات و پوشش اسلامی، آزادی جنسی و همجنسگرایی و مخالفان آن را توجیه کند و به آن مشروعیت ببخشد.

آنها مانند حیوانات درنده نوشته‌اند: «جنگ جاری که با حمله وحشیانه حماس به مردم اسرائیل و جنایات مدیترانه و ویژه جلادان اسلامی شروع شد و با بمباران‌های وحشیانه، نسل‌کشی تمام عیار و مهاجرت اجباری و مجازات دسته‌جمعی مردم غزه ادامه دارد، فقط جنگی علیه مردم فلسطین و اسرائیل نیست. این جنگی علیه کل بشریت و برای به قهقرا بردن انسان و انسانیت است. این یک جنگ سرتاپا ارتجاعی است و تداوم آن در خدمت بقاء و توجیه جنایتکارانی چون اسماعیل هنیه‌ها و خامنه‌ای‌ها و نتانیاهوها و نظایر آنها است. بشریت متمدن و انسان‌های شریف و آزادیخواه را فراموش نکنیم که با تمام توان علیه این جنگ با این خواسته‌ها به میدان بیایند.

روشن است که مبارزه مردم فلسطین به رهبری سازمان فلسطینی حماس به مثابه سازمان رهایی‌بخش مردم فلسطین با هر ایدئولوژی که داشته باشد برای رهایی سرزمین فلسطین از چنگ صهیونیسم اشغالگر است و این حق مردم فلسطین است که با تمام ابزار و توانی که دارند به پاکسازی سرزمینشان از وجود اشغالگران بپردازند. بشریت مترقی در جهان این حق را برای مردم کره، چین، ویتنام، کامبوج، لائوس، اندونزی، هندوستان،

ایران، افغانستان، مصر، الجزایر، کنگو، مالی، سودان، آفریقای جنوبی و... به رسمیت شناخته و از این به بعد هم به رسمیت می‌شناسد. آنها برای توجیه جنایات اسرائیل البته از قربانی کردن نتانیاهو ابائی ندارند زیرا این فاشیست فاسد به هر صورت رفتنی است، ولی هرگز از صهیونیسم و یا اشغال سرزمین‌های فلسطینی توسط اسرائیلی که باید به اشغال خاتمه داده و گورش را کم کند سخن نمی‌گویند. بشریت آنها بشریت صهیونیسم است که دارای حق ویژه بقاء هستند و باید بر اساس کتاب تورات به مثابه «قوم برگزیده خداوند» در سرزمین فلسطین بمانند. سرپای گفتاری آنها که به هم بافته‌اند تا بقاء اسرائیل و ادامه اشغال فلسطین را توجیه کنند برای آن است که از امپریالیسم و صهیونیسم بطلبند که نسل کشی خود را در مرز سرزمین‌های فلسطین محدود نکرده بلکه به ایران که گویا «سر مار در آنجاست» نیز گسترش دهند و با یک «جنگ مترقی و به نفع بشریت» رژیم مذهبی ایران را از بین برده و به جای آن رژیم سکولار بر سر کار آورند. برای آنها ماهیت جنگ‌ها تنها بر اساس دشمنی با اسلام و اسلام‌ستیزی تعیین می‌شود و نه این که ملت فلسطین حق دارد در طی یک جنگ عادلانه و استقلال طلبانه مجدداً آزادی سرزمینش را به کف آورد و تجاوزکاران سکولار و غیر سکولار عمیقاً جنایتکار را از سرزمینش بیرون کند. ملاک‌های این ابزار ضدکمونیستی صهیونیسم در ایران نه مبارزه طبقاتی و نه مبارزه ملی بلکه تنها مبارزه ضد اسلامی است. توگوئی منظره سیاسی جهان کنونی را مبارزه با «اسلام سیاسی» رقم می‌زند. تغییر سیمای سیاسی جهان، گردش از غرب به شرق، از تک‌قطبی به چندقطبی، آغاز فروپاشی دلار، طغیان کشورها و خلق‌ها برای کسب حقوق قانونی خود، مقاومت آنها در مقابل صهیونیسم و غرب سفیدیوست نژادپرست همه و همه ناشی از تضاد میان «اسلام سیاسی» آنها به رهبری ایران و کل جهان سکولار غرب است. ماهیت این درنده‌خویان را به عنوان چپ‌های ضدکمونیست باید افشاء کرد زیرا به مثابه ستون پنجم امپریالیسم و صهیونیسم در ایران عمل می‌کنند.

حال به سند دیگری بپردازیم:

اخیراً سازمان فدائیان اقلیت در تاریخ ۲۰۲۳-۱۰-۲۹ بر مبنای همان عادت سنواتی که هدفش حمایت از صهیونیسم بوده و آرزوی قتل عام مسلمانان را داشته مقاله‌ای تحت عنوان «شکست سیاسی و اخلاقی در یک جنگ ناعادلانه» نوشته است. هدف از این مقاله پشتیبانی از سرکوب سازمان فلسطینی حماس، انداختن گناه جنایات ضدبشری صهیونیسم به گردن حماس، مقایسه حماس فلسطینی با جمهوری اسلامی و آرزوی پیدایش وضعی نظیر نوار غزه با حمله آمریکا و اسرائیل به ایران است تا میلیون‌ها هموطن ما را قتل عام کنند می‌باشد. خود عنوان مقاله مغلظه است، زیرا در متن تحلیل آنها طرف عادلانه‌ای وجود ندارد. مبارزه مردم فلسطین برای رهایی ملی و پایان دادن به اشغال از منظر این عده عادلانه نیست، زیرا رهبری آن رنگ اسلامی دارد.

تمام مقاله مخدوش، مملو از پراکنده‌گویی، مخلوط کردن مسایل تئوریک و سیاسی گوناگون، جعل تاریخ مبارزات مردم فلسطین... در خدمت حمایت گناه آشکار و گناه پنهان از صهیونیسم است. به این جهت ما برای برخورد به ماهیت این مقاله پرسش‌های اصولی و راه‌گشا مطرح می‌سازیم تا خواننده پی‌ببرد که نگارندگان این

مقاله با چه شگردانه‌ای کار می‌کنند تا با پراکنده‌گویی، بیان کلیات از زیربار تحلیل مشخص فرار کنند و به رنگ سفیدپوستان اروپایی در آیند.

نخست باید به این پرسش پاسخ داد که آیا صهیونیسم اسرائیل، یک دولت اشغالگر و متجاوز است که سرزمین‌های مردم فلسطین را غصب کرده و آنها را از کشور بومی‌شان اخراج کرده و می‌کند یا خیر؟ یعنی معلوم کرد بین ستمگر و ستمکشیده فرقی هست یا نیست؟ مسلمان حق حیات دارد و یا به علت حجاب اسلامی باید مطیع و برده صهیونیسم باشد؟

باید به این پرسش پاسخ داد که آیا امری به نام حق اشغالگری و یا حق موجودیت اشغالگر و متجاوز و یا حق دفاع از خود برای تبهکار، غاصب، متجاوز و اشغالگر وجود دارد و یا این قاعده‌ایست که تنها برای پوشش جنایات صهیونیسم اختراع شده و به مغزها فرو می‌کوبند. باید سپس به این امر پاسخ داد که مردم کشور اشغال شده، سرکوب شده، غارت شده، مورد تجاوز و کشتار و بی‌قانونی قرار گرفته، فاقد حقوق بشر و... حق بی‌قید و شرط دفاع از خود و مبارزه با اشغالگران را دارند یا خیر؟

باید به این امر مهم توجه کرد که هر یهودی و یا غیریهودی که برای حمایت از سرزمین‌های اشغالی و توسعه شهرک‌های یهودی، حمایت از شهرک‌نشینان تروریست و مسلح به خاک اسرائیل وارد می‌شود، نمی‌تواند با روپوش «توریست»، «جهانگرد» خود را از جنایت بالفعل روز مبرا کند و یا یک غیرنظامی مسلح، آموزش دیده و آماده برای قتل عام مردم عادی فلسطین و همواره مسلح را نمی‌شود در زمره «مردم عادی» جا زد. در سرزمین اشغالی به جز اقلیت مترقی کوچکی که سرکوب می‌شوند، مردم عادی وجود ندارند. آنها از سیاست اشغالگرانه و جنایت کارانه ارتش صهیونیستی در طی ۷۰ سال حمایت کرده، می‌کنند و به آن ادامه داده و خواهند داد. اشغالگر و متجاوز، مردم غیرنظامی و عادی نیستند، بخشی از ارتش عمومی لشکر آپارتاید صهیونیسم هستند که هرکدام موظف به اجرای مأموریت خاصی می‌باشند. پس این دل سوزاندان ریاکارانه برای کشتار «بی‌گناهان» و مردم «غیرنظامی» اسرائیلی، تنها جنجال تبلیغاتی رسانه‌های صهیونیسم است که می‌خواهد چنین جلوه دهند که مبارزه قهرمانانه مردم فلسطین به رهبری سازمان فلسطینی حماس، نه اشغالگر و متجاوز بلکه مردم «بی‌گناه» را آماج حمله خود قرار داده و توگوئی تاریخ مبارزات مردم فلسطین از روز ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و نه از روز تاراندن مردم فلسطین و قتل عام صدها هزار نفر از آنها و مقاومت در مقابل نسل‌کشی صورت گرفته است. حتی دبیرکل آمریکائی سازمان ملل متحد نیز ناچار شد اذعان کند که مبارزه سازمان فلسطینی حماس در خلاف صورت نگرفته و مسبوق به یک سابقه تاریخی است.

باید به این ادعا پاسخ داد که گویا مبارزه مردم فلسطین بر ضد آپارتاید، نازیسم و نژادپرستی، بر ضد اشغال و نسل‌کشی، محصول تضاد امپریالیست‌هاست که برای رقابت و کشمکش به جان هم افتاده‌اند و ربطی به یک مبارزه آزادیبخش ندارد. این تئوری ساخته یاران اسرائیل برای منع مردم در حمایت از مبارزه مردم فلسطین بوده و عمیقاً و آگاهانه ارتجاعی است. این مبارزه از بطن جامعه فلسطین و شرایط تحمیلی صهیونیسم نسبت به مردم بومی آن نشأت ... ادامه در صفحه ۲۲

اتحادیه کارگری حزب سیاسی نیست از خرابکاری در مبارزات کارگران دست برداریم!

دردنه خوئی اپوزیسیون... دنباله از صفحه ۲۱

گرفته است. علاوه بر این همین استدلال امپریالیستی را می توان به همه جنبش ها انقلابی قرن بیستم تسری داد و از تاریخ بشریت روایتی نوشت که فقط در آشپزخانه امپریالیست ها برای ایجاد بی اعتمادی نسبت به مبارزات مردم جهان پخته شده است.

مقاومت اکثریت ملت های جهان در مقابل زورگویی های یکجانبه امپریالیسم آمریکا در مجمع عمومی سازمان ملل که مشت محکمی به دهان ریاکاران نواختند، کشمکش امپریالیست ها نبود، آگاهی ملت ها و دول جهان بود که دنیای تک قطبی و دیکته آمریکا را دیگر نمی پذیرند.

وقتی سازمان فدائیان اقلیت در دفاع از صهیونیسم می نویسد: «بنابراین، جنگ ارتجاعی حماس و اسرائیل تا همین جا وحشتناک ترین نتایج را برای مردم غزه در پی داشته که هیچ نقش و دخالتی در پرافروختن آن نداشتند» طبیعتا جعل تاریخ و نفی مبارزات تاریخی مردم فلسطین و مقاومت آنها در مقابل زورگویی تا به امروز است.

مردم فلسطین نقش مهمی در تعیین سرنوشت خود و از جمله در یک انتخابات آزاد و دموکراتیک در انتخاب سازمان فلسطینی حماس به عنوان نماینده واقعی این مردم ایفاء کرده اند. این مردم نفرت خود را از محمود عباس کودتاگر که اساسا رئیس جمهور قانونی و مشروع نیست، بارها به عنوان مجری سیاست های صهیونیسم ابراز داشته اند. پس نفی مبارزه مردم فلسطین برای توجیه جنایات صهیونیسم روش شکست خورده و عوامفریبانه ای بیش نیست.

ببینید یک سازمان ورشکسته و ضدکمونیست که همدست صهیونیسم بوده و مخالف آزادی ملت فلسطین و مبارزات روز آنهاست برای فریب مردم چه لفاظی هایی می کند: «با این چشم انداز تحولات در درون اسرائیل و فلسطین این احتمال بار دیگر در جنبش فلسطین تقویت می شود که همراه با تضعیف سازمان های اسلام گرا، سازمان های رادیکال چپ و مارکسیست که از منافع واقعی توده های مردم فلسطین دفاع می کنند، شکل بگیرند و تقویت شوند. پس سازمان فدائیان اقلیت با سرکوب مردم نوار غزه که حماس را برگزیده اند و از آن پیروی می کنند موافق بوده، کار صهیونیست ها را مترقی، آینده ساز ارزیابی نموده و کشتار صهیونیسم را تضعیف سازمان های اسلام گرا می زند که گویا این تضعیف موجب می شود «سازمان های رادیکال چپ و مارکسیست ... شکل بگیرند و تقویت شوند».

حیرت آور است که صهیونیسم را مدافع رشد و تقویت سازمان های چپ جلوه دهیم که گویا مانند حماس چون اسلام گرا نیستند توسط امپریالیسم و صهیونیسم و همدستانشان سرکوب نمی شوند و مورد احترام آنها قرار خواهند گرفت. خودتحقیری از سرپای این تئوری ارتجاعی می بارد. ظاهرا صهیونیسم برای «ترقی، تمدن و سکولاریسم» و... ارزش قایل است و ترجیح می دهد کمونیست ها به جای حماس بر سر کار بیایند.

چقدر باید یک مغز غلیل و مخبط بوده و از درک و شم طبقاتی دور افتاده باشد که چنین خزعبلاتی

را سرهم کند و هوادارانش را ترغیب کند برای حمایت از «کمونیسم» به حمایت از صهیونیسم، آپارتاید و فاشیسم بپردازند.

حال به تئوری ساختگی مبارزه با هر دو طرف، برای تیره جنایات اسرائیل و تحریف مبارزات مردم فلسطین توجه کنید. ببینید این سازمان ورشکسته چگونه تئوری هایش را برای فریب مردم را سرهم بندی می کند: «کشتار تعدادی از غیرنظامیان اسرائیلی و به اسارت گرفتن گروهی از آنها که حتی چهره انسانی مردم مظلوم و ستمدیده فلسطین را مخدوش کرد، خودش یک شکست سیاسی بود. از آن مهم تر، اقدام نظامی حماس بهانه ای شد برای بمباران وحشیانه غزه و کشتار مردم بی دفاع توسط رژیم اسرائیل».

بنابراین حماس در کنار رژیم صهیونیستی اسرائیل در کشتار مردم فلسطین نقش ایفا کرده است. (تکیه همه جا از توفان). این عده حق طبیعی، قطعی و بی قید و شرط دفاع مردم فلسطین به رهبری حماس را بر ضد اشغالگران از آنها سلب کرده اند. توگویی اشغالگر خوب و بد داریم. اشغالگر از نظر حزب ما خوب و بد ندارد که برای

ادامه اشغال و غصب سرزمین های فلسطینی راهی منطقه اشغالی شده و قصد برون رفت از آنجا را نیز ندارد. یورش قهرمانانه حماس موجب شکست آنها علی رغم پخش دروغ های صهیونیسم و امپریالیسم که در بدو امر از سربریدن ۴۰ کودک اسرائیل سخن می گفتند نشد، برای همه ملت های عرب و مسلمان و برای همه آزادیخواهان غرور آفرید و پوزه عفریت صهیونیسم را به خاک مالید.

یورش قهرمانانه سازمان آزادیبخش فلسطین یعنی حماس، ریاکاری اخلاقی، احساس وحدت ملی و جمعی و اعتماد به خود صهیونیست ها به رفاه را متزلزل کرده است.

در ۱۷ اکتبر، اسرائیلی ها به معنای واقعی کلمه اعتماد به نفس و شجاعت را از دست دادند. یورش حماس یک زخم عمیق ملی ایجاد کرد که بلافاصله افکار کل مردم را تغییر داد. حتی خود صهیونیست ها بدون اجازه سازمان فدائیان اقلیت به این شکست تاریخی در طول تاریخ ۷۵ ساله خود اشاره کرده و آن را نقطه عطفی در این مبارزات دانسته اند که هرگز وضع را به صورت سابق بر نمی گرداند. از این گذشته حماس را مسئول جنایات صهیونیسم جا زدن و مدعی شدن که گویا مبارزه مردم فلسطین به اسرائیل بهانه می دهد تا مردم عادی را بکشند، ظاهر شدن در نقش وکیل مدافع تبهکاران است.

پرسش این است که مگر اسرائیل برای نخستین بار است که به نوار غزه تجاوز کرده و مردم بی دفاع فلسطینی را می کشد؟ آیا همواره بهانه را فلسطینی ها فراهم کرده اند؟ طبیعتا تا زمانی که مردم فلسطین برای رهائی کشورشان از وجود نحس صهیونیسم مبارزه می کنند این بهانه آدمکشی را به آنها می دهند. مگر در کرانه غربی که سرزمین های فلسطینی با زور بولدوزر و ارتش تجاوزگر تصاحب می شوند بهانه ای جز نفس حضور مردمان بومی این سرزمین وجود دارد؟*

رشد سازمان مقاومت... دنباله از صفحه ۲۴

قرارداد اسلو در اجزاء آن حتی تا به امروز نیز در دسترس عموم نیست و حزب کار ایران (توفان) در زمان خودش توانسته بود نسخه ای از آن را که در ایران و آنهم گویا از طریق لبنان به دست آمده بود، به کف آورد که مطالعه آن غیرقابل باور و شگفت انگیز بود. حزب ما در زمان خودش این سند را به زبان آلمانی ترجمه کرد و از طریق ارتباطات خویش در شهر مونیخ و شهر بن که پایتخت وقت آلمان بود، برای وقوف به صحت و سقم مضمون این اسارت نامه با نیروهای انقلابی فلسطینی تماس گرفت. نمایندگان ساف در همان زمان برگردان ما را نپذیرفتند و خود در پی دریافت متن اصلی سند برآمدند تا از واقعیت امر با خبر شوند. این متن هرگز در اختیار رابطین ما که یکی از آنها نماینده رسمی ساف در آلمان بود قرار نگرفت. تلاش آنها برای کشف حقیقت بی ثمر ماند. این وضعیت آنها را به این نتیجه رسانید که از ارائه سند اصلی به آنها خودداری می شود و آنها به این نتیجه رسیده اند که مدرک ارائه شده از جانب حزب ما همان اصل سند است. این سند ننگین را که ما وارد جزئیات آن نمی شویم هرگز ملت فلسطین نپذیرفت و در مخالفت با آن به مبارزه دست زد.

حماس تنها سازمانی بود که علی رغم ضعفش، با اتخاذ موضع درست سیاسی ضد قرارداد اسلو، رهبری مبارزات مردم فلسطین را در عرصه سیاسی به عهده گرفت. در کنار این امر حماس توانست با ارائه خدمات اجتماعی، راه انداختن آشپزخانه عمومی برای یاری به مستضعفان، نفوذ در میان طبقات و اقشار پائینی جامعه، و رسیدگی به مشکلات آنها از نفوذ قابل توجه توده ای برخوردار شود که این نفوذ الزاما محصول اعتقادات اسلامی هد هوادار حماس نبود. حماس به درد دل مردم می رسید.

یکی دیگر از مخالفت های حماس مخالفت با طرح پیشنهادی دو دولت بود که دست بر قضا اسرائیل نیز علیرغم توافق بر سر آن با ساف، در عمل خواهان برهم زدن این خواست بود و در این عرصه به طور عینی مبارزه حماس بر ضد طرح پیشنهادی دو دولت را به فال نیک گرفته و این ایده حماس را تبلیغ می کرد. از این گذشته عقاید مذهبی حماس در تناقض کامل با روحیه ملی گرایی مردم فلسطین و سازمان های انقلابی آنها قرار داشت و تقویت جنبه های مذهبی دیوارهای مبارزه ملی مبارزان فلسطین را سست می کرد. در این دو عرصه اندیشکده های صهیونیستی با صبر و حوصله عمل می کردند و در تظاهر بیرونی یک نوع هماهنگی ایجاد شده بود که ایرانیان صهیونیست این پیشینه تاریخی را برای مقاصد شوم خود ابزاری کرده اند تا مدعی شوند حماس را موساد به وجود آورده است. البته نقش مذهب در مبارزه مردم فلسطین به دوران حماس بر نمی گردد. قبل از رشد و پیروزی نهضت ملی آزادیبخش فلسطین نیز این جریان های مذهبی وجود داشتند و فعالیت می کردند ولی از نفوذ چندانی برخوردار نبودند. آنچه آنها را تقویت

... ادامه در صفحه ۲۳

پیمان تجاوز کار ناتو منحل باید گردد!

رشد سازمان مقاومت ... دنباله از صفحه ۲۲

نمود نه عامل مذهبی بلکه سازشکاری ساف و کنار آمدن با صهیونیسم اسرائیل بود که ملت فلسطین هرگز آن را نپذیرفت و به این منجر شد که به سمت سازمانی تمایل پیدا کند که آزادی فلسطین را در پایان دادن به اشغال در سرلوحه برنامه خویش قرارداده بود.

ما در ایران نیز با این روش هیات حاکمه و اعمال سیاست‌های ضدکمونیستی روبرو بودیم. ساواک در زمان شاه نظریات ارتجاعی مذهبی، مهندس مهدی بازرگان، علی شریعتی، ابوالحسن بنی‌صدر، روحانیت ضد کمونیست را تبلیغ می‌کرد و حسینیه ارشاد درست کرده بود تا آنها را به نحو مطلوب خود رهبری کند. جبهه ملی ایران نیز در تبلیغات ضدکمونیستی از این حمایت بی‌بهره نبود. ولی از این سیاست به طور عینی ارتجاعی و مفید به حال مذهبی‌ها از جانب حاکمیت شاه، این نتیجه حاصل نمی‌شود که جریان‌های دینی در ایران ساواکی بوده و یا آقای بنی‌صدر و مهندس مهدی بازرگان عامل ساواک بودند. همین وضعیت در مورد فلسطین و در همه جای جهان به عنوان ابزار ریاکاری حاکمیت‌ها وجود دارند و هنوز هم بدان عمل می‌کنند. تنها تفاوت در این است که در مورد ایران عمال موساد حماس را عامل موساد جلوه می‌دهند تا از اسرائیل جنایت‌شویی کنند. حماس امروز، همان حماس سال ۱۹۸۷ نیست.

با رشد سازمان حماس که اکنون به جنبه ملی مبارزه آزادیبخش تکیه می‌کرد و در پی آن بود که همه مردم فلسطین را برای پایان دادن به اشغال سرزمین‌های مادری بسیج و متشکل کند، صهیونیست‌ها به هراس افتادند و توسط دو مامور موساد به مسموم کردن نماینده مهم دفتر سیاسی حماس یعنی آقای خالد مشعل در کشور اردن دست زدند. شوربختی این تروریست‌ها در آن بود که ماموران موساد دستگیر شدند و موجی از اعتراض در سرزمین‌های عربی و اردن به پاخاست که پادشاه وقت اردن را وادار کرد با تهدید اسرائیل به اعدام ماموران موساد از آنها بخواهد پادزهر مسمومیت را فوراً در اختیار دولت اردن قرار دهند. اسرائیل تسلیم شد، مامورانش آزاد شدند و خالد مشعل از چنگ مرگ رهایی یافت. رابطه اسرائیل با حماس را باید در این کادر واقعی بررسی نمود که هر روز با رشد نفوذ سازمان مقاومت فلسطینی و تکیه بر جنبه‌های مبارزه آزادیبخش ملی از دامنه نفوذ و احترام بیش‌تری برخوردار گردید و امروز ما با نیروئی روبرو هستیم که با ارتش جنایتکار صهیونیسم در یک نبرد حساب‌شده درگیر است و ضرباتی که به صهیونیسم و بقاء آن زده است در

طی تاریخ ۷۵ ساله این حکومت تبهکار بی‌نظیر می‌باشد. از روز ۷ اکتبر نقطه عطفی در تاریخ و آینده سرزمین‌های اشغالی فلسطین رقم خورده است که هرگز به قبل از آن باز نمی‌گردد. امروز رهبری مبارزه مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی به عهده سازمان مقاومت حماس است که توانسته همکاری گسترده‌ای با سازمان‌های غیرمذهبی و حتی مارکسیستی برای آزادی سرزمین‌های اشغالی ایجاد کند. همین واقعیات میدانی نشان می‌دهد که تبلیغات دشمنان مردم فلسطین و از جمله در میان ایرانیان که گویا سازمان فلسطینی حماس قصد دارد یک جمهوری اسلامی و نه ملی در فلسطین مستقر کند تا به چه حد دروغ و برای خدمت به صهیونیسم اسرائیل و ادامه سلطه آپارتاید است و لذا مبارزه مردم فلسطین را تخطئه می‌کند. گیریم حماس قصد دارد یک جمهوری اسلامی از نوع جمهوری اسلامی ایران با تائید مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی مستقر سازد! آیا این خواست توجیه‌گر ادامه سلطه اسرائیل، ادامه نسل‌کشی، کودک‌کشی، شهرک‌سازی، آپارتاید و... نظایر آنهاست؟ آیا این به این معنا نیست که این ایرانیان عمیقاً مرتجع از درنده‌خوئی صهیونیسم که صدها بار جنایت‌کارانه‌تر از تمام تاریخ چند دهه جمهوری اسلامی در ایران است، حمایت می‌کنند. آنها سرکوب میلیون‌ها فلسطینی را به جان می‌خرند تا مبادا این ملت سرنوشت خودش را بر اساس میل خود تنظیم کند و نه میل این ایرانیان مرتجع، صهیونیسم و امپریالیسم جهانی. آیا این ایرانیان بی‌وجدان همدست امپریالیسم و صهیونیسم برای تجاوز به ایران نیستند؟

تئوری‌های مبارزه با دو قطب ارتجاع و یا افسانه‌سرایی در مورد تاریخ حماس و ردیف کردن اتهامات بی‌شمار و تصاویر جعلی در فضای مجازی به یاری سازمان‌های امنیتی اسرائیل همه و همه در خدمت اسارت مردم فلسطین است. این جریان‌های مامور ایرانی به جای این که امپریالیسم و صهیونیسم اشغالگر و جنایت‌کار جنگی را آماج افشاء و حملات خود قرار دهند در کنار جنایتکاران ایستاده و برای توجیه خیانتشان در حمایت از صهیونیسم به دنبال تئوری‌های «انقلابی» هستند. حزب ما از مضمون مبارزه آزادیبخش سازمان مقاومت فلسطینی حماس در مقابل اشغالگران برای رهایی ملی که یک مبارزه سیاسی است حمایت می‌کند و شرط دفاع از مبارزه آزادیبخش خلق‌ها را به نوع ایدئولوژی رهبران آن منوط نمی‌کند. کسانی که برای حمایت از اسرائیل و فریب مردم به این روش موزیانه متوسل می‌شوند و مسئله ایدئولوژی را به پیش می‌کشند و سیاست را به محاق می‌سپارند،

همین سبک کار را در مورد رهبران سرکوبگر صهیونیستی از جمله نتانیاهو که دارای ایدئولوژی به غایت ارتجاعی است به کار نمی‌گیرند و نشان می‌دهند مشکل آنها نه ایدئولوژی است و نه سیاست. آنها به هر قیمتی می‌خواهند از ارتجاع صهیونیستی دفاع کنند. آنها به این نظریه ارتجاعی اعتقاد دارند که گناه مشکلات جهان کنونی به گردن مسلمانان، دولت‌های غیرسکولار و سنت‌گرا بوده و باید جهان را بر اساس مدرنیته سفیدپوستان غربی شکل داد. آنها هوادار همجنسگرایی، نهضت فمینیستی، آزادی بی‌قید و شرط جنسی و هر مقوله‌ای هستند که مبارزه مردم را از بطن مبارزه طبقاتی و انقلابی جدا کند و به امری پوچ و ضداسلامی بدل گرداند. آنها اسلام‌ستیزی را بر پرچم خود نوشته‌اند که از نظر مضمون و تاریخ تحول آن، پرچم جدید تهاجم سلطه غرب در وضعیت کنونی جهان است.*



مقالات توفان الکترونیکی شماره ۲۰۸ آبان ۱۴۰۲

را در تارنمای توفان مطالعه نمائید!

توفان الکترونیک در اول هر ماه میلادی منتشر می‌شود!

اپوزیسیونی که مرزبندی روشن با امپریالیسم و صهیونیسم ندارد، دست دراز شده آنهاست

درنده خوئی اپوزیسیون ایرانی تبار و یاور صهیونیسم اسرائیل سکولار

ضرب شستی که سازمان حماس به عنوان جنبش آزادیبخش فلسطین و نماینده منتخب این مردم در یک انتخابات دموکراتیک با نظارت سازمان ملل و نهادهای جهانی، به صهیونیست‌های جنایتکار اسرائیلی نشان داد به قدری گیج کننده بود که دستگاه‌های موساد و عمال ایرانی آنها راه افتاده‌اند تا ابعاد این شکست مفتضحانه و راهبردی را ناچیز جلوه داده و مدعی شوند که این اتفاق کار زرنگی و برنامه‌ریزی خود موساد بوده و به سخنی دیگر کار خودشان بوده است. برای اپوزیسیون مزدور ایرانی شکست موساد و صهیونیسم شکست آنها نیز محسوب می‌شود و به این جهت قلم‌بدستان صهیونیسم و لابی‌های اسرائیلی راه افتاده‌اند تا با تمام توان خود برای اسرائیل بی‌آبرو اعاده حیثیت کنند.

البته اپوزیسیون اسرائیلی در ایران که با شعار زن زندگی آزادی شروع کرده بود تا ایران را سوریه کند حال باید از سوریه‌ای شدن سرزمین‌های اشغالی ممانعت به عمل آورد. آنها روش‌های گوناگونی برای دلداری خودشان و همدلی با جنایتکاران صهیونیسم اختراع کرده‌اند. به جز تئوری‌سازی برای

توجیه ... ادامه در صفحه ۲۰

رشد سازمان مقاومت فلسطینی حماس تا به امروز

در این مقاله قصد نداریم تاریخچه جنبش مقاومت اسلامی با نام اختصاری حماس، که یک سازمان و تشکیلات سیاسی و نظامی اسلام‌گرای سنی مذهب است را مورد بررسی قرار دهیم. برای ما طرح مسئله از نظر سیاسی مهم است.

مختصر این که این سازمان مانند همه سازمان‌های ضد اشغال در سرزمین فلسطین از همان روز نخست، همه اسلام‌گرا و از درون تشکیلات مادر یعنی جنبش اخوان المسلمین مصر منشاء گرفت و اندکی پس از آغاز انتفاضه اول در سال ۱۹۸۷ علیه اسرائیل، این سازمان توسط شیخ احمد یاسین تأسیس گردید. دفاع از جنبش مردم فلسطین هیچوقت و در هیچ دوره‌ای از مبارزات این ملت به «کمونیست» و یا «کارگری» بودن این مباره ربطی نداشته و این ریاکاری عمال بی‌شرم صهیونیسم در ایران است.

این تصویر اپوزیسیون دروغگو و همدست صهیونیسم در ایران که توگوئی در فلسطین نیروهای «انقلابی کمونیستی» از روز نخست مبارزه می‌کردند و جریان‌های اسلام‌گرا ابتکار عمل را از دست آنها ربودند جعلیاتی است که فقط برای توجیه نسل‌کشی صهیونیسم توسط مشتی بی‌وجدان بیان می‌شود. چه در زمانی که احمد شقیری اسلام‌گرا و اخوان المسلمینی رهبری این مبارزه را به عهده داشت و چه زمانی که سازمان حماس پیدا شد، جریان‌های اسلامی همیشه در این جنبش وجود داشته و بر ضد صهیونیسم و اشغال سرزمینشان مبارزه کرده‌اند. حتی یاسر عرفات نیز به عنوان یک اسلام‌گرا از درون حرکت اخوان المسلمین مصر سر برآورد و مسئله ملی و جنبش آزادیبخش خلق فلسطین را در روندی بر پرچم مبارزه مردم فلسطین نوشت. همان زمان نیز در درون جبهه آزادیبخش ملی فلسطین سازمان‌های اسلام‌گرای فلسطینی که مانند اپوزیسیون ایرانی، مزدور اسرائیل نبودند، شرکت داشتند. پس تصویری که اپوزیسیون بی‌وجدان و درنده‌خوی ایران از مبارزه مردم فلسطین ارائه می‌دهد، جعلی و با دست موساد به نگارش در آمده است و نباید موجب فریب کسی شود. اما با این

پیشینه تاریخی و روند رشد و تحول جنبش‌های مترقی فلسطینی به سایر رویدادها بپردازیم. حماس که در مقابل جنبش ملی‌گرای فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) به رهبری یاسر عرفات بختی برای رشد و پیروزی نداشت، در اواخر دهه ۱۹۹۰ به علت سازشکاری یاسر عرفات و خیانتی که در زمان انعقاد قرارداد اسلو در سال ۱۹۹۳ صورت گرفت به طور فزاینده‌ای درگیر مناقشه اسرائیل و فلسطین شد. حماس از همان بدو امر با توافقاتی که به صلح با اشغالگر منجر شود به مبارزه برخاست. آنها بر خلاف یاسر عرفات (ساف)، مقاومت مسلحانه را برای آزادی ملت فلسطین ترجیح دادند و این خواست ملت فلسطین بود و نه خواست اسلام‌گرایان. این عرفات بود که به خواست ملت فلسطین پشت کرده بود.

حماس در سال ۲۰۰۶ با نفوذ گسترده توده‌ای که در میان مردم فلسطین کسب کرده بود در یک انتخابات آزاد و دموکراتیک زیر نظر ناظران جهانی و از جمله اتحادیه اروپا پیروز شد و کنترل نوار غزه را از چنگ فتح، سازمان سازشکار محمود عباس دست‌نشانده به در آورد. از آنجا که نتایج این انتخابات آزاد و دموکراتیک مورد تأیید لیبرالیسم بورژوائی و اپوزیسیون مزدور و «حقوق بشری» و مخالفان تئوری‌های اسرائیلی «اسلام سیاسی» نبود، همه ممالک ریاکار غربی از به رسمیت شناختن نماینده واقعی مردم فلسطین طفره رفتند. اپوزیسیون مزدور ایران هم اکنون هوادار محمود عباس مزدور، دست‌نشانده، غیرمنتخب، غاصب مقام ریاست جمهوری و عامل امپریالیسم و صهیونیسم است. علل موفقیت حماس را که در بدو امر بخت بزرگی برای گسترش، نفوذ و احترام مردم فلسطین نداشت می‌توان در دو زمینه مورد بررسی قرار داد. حماس سازمانی بود که با قرارداد خائنه اسلو که هدفش نابودی جنبش فلسطین بود مانند همه نیروهای انقلابی و کمونیست جهان به مخالفت برخاست و هرگز توافقتنامه ننگین میان یاسر عرفات و اسحاق رابین را به رسمیت نشناخت.

در این توافقتنامه‌ی اسلو، (ساف) حق حیات اسرائیل، حق ادامه اشغال اسرائیل را به رسمیت شناخت و در عوض اسحاق رابین نیز پذیرفت که حرکتی به نام (ساف) وجود دارد که مذاکره با آنها را برای حفظ صلح تا روز قیامت برای مهار آنها بدون دادن کوچک‌ترین حقی به آنها برای زندگی در سرزمین فلسطین ادامه می‌دهد. این عبارت به آن مفهوم بود که جنبش ساف به انتها رسیده بود و

تسلیم صهیونیسم می‌شد. ... ادامه در صفحه ۲۲

سخنی با خوانندگان نشریه توفان

نشریه‌ای که در دست دارید، زبان مارکسیست - لنینیست‌های ایران است. «توفان»، نشریه «حزب کار ایران»، حزب طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیست‌های صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها به اتکاء بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت‌ها، هر چند هم جزئی باشند، نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید.

P.O. Box 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Internet: www.toufan.org

Internet: www.toufan.de

Postbank Hamburg

BIC: PBNKDEFFXXX

Bank Account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

دست امپریالیسم، صهیونیسم و متحدان‌شان از ایران کوتاه باد!